

## فصل سوم: آیین دادرسی مدنی

### مبحث اول: کلیات

۱- اگر در ارتباط با دعوی مطروحه حکم قانونی موجود نباشد، قاضی رسیدگی کننده چه تکلیفی دارد؟ (آزمون ۱۳۸۴)

الف) از نظر قانونی تکلیفی ندارند و می‌تواند دعوی را رد کند.

ب) بایستی با استناد به منابع معتبر اسلامی و یا عرف حکم قضیه را صادر نماید.

ج) بایستی با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی حکم قضیه را صادر نماید.

د) بایستی با استناد به منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر یا عرف مسلم حکم قضیه را صادر نماید.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳ مقرر می‌دارد: «قضات دادگاه‌ها موظفند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند، یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد، حکم قضیه را صادر نمایند و نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزند والا مستنکف از احقاق حق شناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد.

تبصره- چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند پرونده به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد.»

۲- چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را مخالف شرع بداند:

(آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

الف) پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال می‌نماید تا حل اختلاف شود.

ب) باید براساس اجتهاد خود رأی صادر کند و رأی قابل تجدیدنظر است.

ج) باید براساس اجتهاد خود رأی صادر نماید و رأی قطعی است.

د) پرونده به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق تبصره ذیل ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳ مقرر می‌دارد: «... تبصره- چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند پرونده به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد.»

۳- چنانچه در قضیه مطروحه اصلاً قانونی وجود نداشته باشد، وظیفه قاضی چیست؟

(آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

الف) باید حکم به رد دعوی صادر نماید.

ب) باید با مصالحه فصل خصومت کند.

ج) باید به داور ارجاع دهد.

د) باید به استناد منابع معتبر اسلامی و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد، حکم مقتضی صادر کند.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳ مقرر می‌دارد: «... در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند، یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد، حکم قضیه را صادر نمایند و ...»

۴- حکمی از دادگاه عمومی صادر شده که با توجه به مقررات حاکم در زمان صدور آن غیرقابل فرجام و با توجه به مقررات حاکم در

زمان ابلاغ آن قابل فرجام است. فرجام‌خواهی محکوم علیه نسبت به این حکم قانوناً:

(آزمون ۱۳۸۳)

الف) ممکن نیست.

ب) ممکن است.

ج) بستگی به مقررات فعلی دارد.

د) بستگی به نظر ریاست دیوان عالی کشور دارد.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۹ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۹ مقرر می‌دارد: «رسیدگی به دعاوی که قبل از تاریخ اجرای این قانون اقامه شده به ترتیب مقرر در این قانون ادامه می‌یابد. آرای صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدیدنظر و فرجام، تابع قوانین مجری در زمان صدور آنان می‌باشد مگر این که آن قوانین، خلاف شرع شناخته شود. نسبت به کلیه قرارهای عدم صلاحیتی که قبل از تاریخ اجرای این قانون از دادگاه‌ها صادر شده و در زمان اجرای این قانون در جریان رسیدگی تجدیدنظر یا فرجامی است به ترتیب مقرر در این قانون عمل می‌شود.»

(آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

۵- آراء صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدیدنظر و فرجام، تابع چه قانونی است؟

الف) قانون مجری در زمان صدور آنان، مگر اینکه آن قوانین خلاف شرع شناخته شود.

ب) قانون زمان تقدیم دادخواست بدوی

ج) قانون زمان اعتراض یا تجدیدنظر یا فرجام

د) قانون لاحق

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۹ قانون آیین دادرسی مدنی؛

### مبحث دوم: در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاه‌ها

(آزمون ۱۳۸۲)

۶- کدام یک از دعاوی زیر باید در دادگاه محل اقامت خوانده اقامه شود؟

الف) اعسار از محکوم‌به

ب) ثمن معامله راجع به غیرمنقول

ج) دعوی خلع ید از اموال غیرمنقول

د) ابطال اجرائیه‌ای که اجرای ثبت به تقاضای زوجه برای وصول مهریه علیه زوج صادر کرده است.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۱۱ و ۱۲ و ۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۱۱ مقرر می‌دارد: «دعوا باید در دادگاهی اقامه شود که خوانده، در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد و اگر خوانده در ایران اقامتگاه نداشته باشد، در صورتی که در ایران محل سکونت موقت داشته باشد، در دادگاه همان محل باید اقامه گردد. و هرگاه در ایران اقامتگاه و یا محل سکونت موقت نداشته ولی مال غیرمنقول داشته باشد، دعوا در دادگاهی اقامه می‌شود که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است و هرگاه مال غیرمنقول هم نداشته باشد، خواهان در دادگاه محل اقامتگاه خود، اقامه دعوا خواهد کرد.

تبصره- حوزه قضایی عبارت است از قلمرو یک بخش یا شهرستان که دادگاه در آن واقع است. تقسیم بندی حوزه قضایی به واحدهایی از قبیل مجتمع یا ناحیه، تغییری در صلاحیت عام دادگاه مستقر در آن نمی‌دهد.»

ماده ۱۲ مقرر می‌دارد: «دعوی مربوط به اموال غیرمنقول اعم از دعوی مالکیت، مزاحمت، ممانعت از حق، تصرف عدوانی و سایر حقوق راجع به آن در دادگاهی اقامه می‌شود که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است، اگر چه خوانده در آن حوزه مقیم نباشد.»

ماده ۲۴ مقرر می‌دارد: «رسیدگی به دعوی اعسار به طور کلی با دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی نخستین به دعوی اصلی را دارد یا ابتدا به آن رسیدگی نموده است.»

۶۵ رجوع کنید به ماده ۲ قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت.

(آزمون ۱۳۸۵)

۷- در دعاوی ناشی از قراردادهای، کدام دادگاه صالح به رسیدگی است؟

الف) دادگاه محل انجام تعهد

ب) دادگاه محل تنظیم قرارداد

ج) دادگاه محل اقامت خواننده<sup>۱</sup>

د) هر یک از سه دادگاه یاد شده به اختیار خواهان

گزینه «د» صحیح می باشد، مطابق مواد ۱۱ و ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۱۳ مقرر می دارد: «در دعاوی بازرگانی و دعاوی راجع به اموال منقول که از عقود و قراردادهای ناشی شده باشد، خواهان می تواند به دادگاهی رجوع کند که عقد یا قرارداد در حوزه آن واقع شده است یا تعهد می بایست در آنجا انجام شود.»

۸- در دعاوی مطالبه مهریه، زوجه ..... دعاوی خود را در ..... اقامه نماید. (آزمون ۱۳۹۲)

الف) می تواند - دادگاه محل اقامت خود ب) باید - دادگاه محل اقامت خواننده

ج) باید - دادگاه محل وقوع عقد نکاح د) می تواند - دادگاه محل اقامت خواننده و یا محل وقوع عقد نکاح

گزینه «د» صحیح می باشد، مطابق مواد ۱۱ و ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۹- اگر علی که مقیم تهران است خانه ای واقع در شیراز را به شخصی که مقیم قم است بفروشد، برای طرح دعوی مطالبه ثمن در کدام

یک از دادگاه های عمومی باید اقامه دعوی نماید؟

(آزمون ۱۳۸۷ - اتحادیه)

الف) تهران ب) شیراز

ج) قم د) هر کدام که دسترسی دارد.

گزینه «ج» صحیح می باشد، مطابق ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۱۰- هرگاه کسی مال غیرمنقول مغضوب را از غاصب بخرد در دعوی مطالبه اجرت المثل ایام تصرف مشتری کدام دادگاه ذیصلاح است؟

(آزمون ۱۳۹۰)

الف) دادگاه حوزه اقامت مشتری ب) دادگاه محل اقامت غاصب

ج) دادگاه محل وقوع عقد بیع د) دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول

گزینه «الف» صحیح می باشد. مطابق ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۱۱- هرگاه شخصی که اقامتگاه او شهرستان کرج است دعوی به خواسته خلع ید از باغ خود واقع در رامسر به طرفیت شرکت سهامی خاصی که مرکز اصلی آن در شهرستان رشت می باشد اقامه نماید، رسیدگی به این دعوا در صلاحیت کدامیک از دادگاه های عمومی ذیل است؟

دو هفته نامه تخصصی اطلاع رسانی حقوقی آزمون ایران

الف) رامسر ب) رشت

www.Shme.ir

ج) کرج

د) یکی از دادگاه های رامسر یا رشت به انتخاب خواهان

گزینه «الف» صحیح می باشد، مطابق ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۱۲ مقرر می دارد: «دعاوی مربوط به اموال غیرمنقول اعم از دعاوی مالکیت، مزاحمت، ممانعت از حق، تصرف عدوانی و سایر حقوق راجع به آن در دادگاهی اقامه می شود که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است، اگر چه خواننده در آن حوزه مقیم نباشد.»

۱۲- هرگاه شعبه شرکتی ملکی را غصب نماید، مالک ملک دعوی خلع ید را باید در دادگاه محل ..... اقامه کند. (آزمون ۱۳۸۳)

الف) اقامت خود ب) وقوع ملک

۱. در متن اصلی، اشتباهاً گزینه «ج» و «د» جایجا درج شده اند.

ج) شعبه شرکت (د) مرکز اصلی شرکت

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۱۳- دعوای مالکیت راجع به مال غیرمنقول علیه شرکت ..... (آزمون ۱۳۹۲)

الف) باید در محل وقوع مال غیرمنقول اقامه شود حتی اگر شرکت دولتی باشد.

ب) باید در مرکز اصلی شرکت اقامه شود البته اگر شرکت دولتی باشد.

ج) خواهان می‌تواند دعوی را در محل انعقاد عقد یا مرکز اصلی شرکت اقامه نماید.

د) خواهان می‌تواند دعوی را در مرکز اصلی شرکت یا محل وقوع مال غیرمنقول اقامه نماید.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۱۴- دعوای بازگانی و دعوای راجع به اموال منقول که از عقود و قراردادهای ناشی شده باشد، در صلاحیت کدام یک از مراجع زیر

است؟ (آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

الف) دادگاه محل اقامت خواننده و خواهان (ب) دادگاه محل وقوع عقد و محل اجرای تعهد

ج) دادگاه محل اقامت خواننده (د) گزینه‌های ب و ج صحیح است.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۱۵- در دعوی مطالبه مهریه: (آزمون ۱۳۹۰)

الف) دادگاه محل وقوع عقد نکاح صالح است. (ب) دادگاه محل اقامت زوج صالح است.

ج) دادگاه محل اقامت زوجه صالح است. (د) گزینه الف و ب صحیح است.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۱۶- چنانچه خواهان دادخواست خود به خواسته طلاق را در دادگاه عمومی (حقوقی) مطرح کند: (آزمون ۱۳۸۷- مرکز)

الف) دادگاه عمومی حقوقی، قرار عدم صلاحیت ذاتی صادر می‌کند و این قرار قطعی است.

ب) دادگاه عمومی حقوقی، قرار عدم صلاحیت ذاتی صادر می‌کند و این قرار قابل تجدیدنظر است.

ج) با توجه به موارد تصریح شده دعوای خانوادگی، اگر دعوی در صلاحیت دادگاه خانواده باشد، قرار عدم صلاحیت نسبی صادر می‌شود.

د) با توجه به موارد تصریح شده دعوای خانوادگی، اگر دعوی در صلاحیت دادگاه خانواده باشد، قرار امتناع از رسیدگی صادر می‌شود.

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

۱۷- دعوی توأم راجع به اموال منقول و غیرمنقول در کدام دادگاه قابل طرح است؟ (آزمون ۱۳۸۴)

الف) دادگاه محل وقوع مال منقول (ب) دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول

ج) دادگاه محل اقامت خواننده (د) دادگاه محل مال منقول یا غیرمنقول به اختیار خواهان

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۱۵ مقرر می‌دارد: «در صورتی که موضوع دعوا مربوط به مال منقول و غیرمنقول باشد، در دادگاهی اقامه دعوا می‌شود که مال غیرمنقول

در حوزه آن واقع است، به شرط آن که دعوا در هر دو قسمت، ناشی از یک منشاء باشد.»

۱۸- اگر به موجب قراردادی که در اصفهان منعقد شده، شخصی یک باب آپارتمان واقع در تهران و یک دستگاه خودرو خریداری

نماید و فروشنده مقیم کرج باشد، دعوای تحویل و تسلیم آپارتمان و خودرو که به موجب یک دادخواست مطرح شده در صلاحیت چه

دادگاهی است؟

(آزمون ۱۳۸۹)

الف) دادگاه عمومی اصفهان که محل وقوع عقد است.

ب) دادگاه عمومی تهران که محل وقوع آپارتمان است.

ج) دادگاه عمومی کرج که محل اقامت فروشنده (خواننده) است.

د) هر یک از دادگاه‌های عمومی تهران و اصفهان و کرج صالح به رسیدگی هستند.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۱۹- دعوای طاری در صورتی باید در دادگاهی اقامه شود که دعوای اصلی در آن اقامه شده که با دعوای اصلی مرتبط ..... (آزمون ۱۳۸۳)

الف) یا دارای یک منشاء باشد و مثال آن جلب ثالث است.

ب) و دارای یک منشاء باشد و مثال آن اعتراض ثالث طاری است.

ج) یا دارای یک منشاء و در صلاحیت محلی همان دادگاه باشد و مثال آن جلب ثالث است.

د) و دارای یک منشاء و در صلاحیت محلی همان دادگاه باشد و مثال آن جلب ثالث است.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۱۷ مقرر می‌دارد: «هر دعوایی که در اثنای رسیدگی به دعوای دیگر از طرف خواهان یا خواننده یا شخص ثالث یا از طرف متداعیین اصلی

بر ثالث اقامه شود، دعوای طاری نامیده می‌شود. این دعوا اگر با دعوای اصلی مرتبط یا دارای یک منشاء باشد، در دادگاهی اقامه می‌شود که

دعوای اصلی در آنجا اقامه شده است.»

۲۰ رجوع کنبد به شمس، دکتر عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، شماره ۷۳.

۲۰- دادگاه به درخواست تأمین خواسته رسیدگی و قرار رد تأمین را صادر کرده است. قرار مذکور: (آزمون ۱۳۸۱)

الف) قابل اعتراض نیست.

ب) مستقلاً قابل تجدیدنظر است.

ج) قابل اعتراض در دادگاه صادرکننده قرار است.

د) ذینفع می‌تواند ضمن تقاضای تجدیدنظرخواهی نسبت به اصل رأی به آن اعتراض کند.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۱۱۹ مقرر می‌دارد: «قرار قبول یا رد تأمین، قابل تجدید نظر نیست.»

۲۱- دعوای راجع به ترکه متوفی تا زمانی که ترکه تقسیم نشده است: (آزمون ۱۳۸۸)

الف) در دادگاه آخرین محل اقامت متوفی در ایران اقامه می‌شود.

ب) اگر خواسته راجع به مال غیرمنقول باشد در دادگاه محل وقوع مال اقامه می‌شود.

ج) اگر خواسته راجع به دین باشد در دادگاه محل اقامت خواننده اقامه می‌شود.

د) در دادگاه محل اقامت ورثه اقامه می‌شود.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۲۰ مقرر می‌دارد: «دعوای راجع به ترکه متوفی اگر چه خواسته، دین و یا مربوط به وصایای متوفی باشد تا زمانی که ترکه تقسیم نشده در

دادگاه محلی اقامه می‌شود که آخرین اقامتگاه متوفی در ایران، آن محل بوده و اگر آخرین اقامتگاه متوفی معلوم نباشد، رسیدگی به دعوای

یادشده در صلاحیت دادگاهی است که آخرین محل سکونت متوفی در ایران، در حوزه آن بوده است.»

۲۲- دعوای راجع به سند سجلی که در خارج از کشور تنظیم شده و خواهان نیز مقیم خارج باشد، در صلاحیت ..... است. (آزمون ۱۳۸۳)

الف) دادگاه عمومی تهران

ب) دیوان عدالت اداری

ج) دادگاه تجدیدنظر استان تهران

د) دادگاه عمومی آخرین محل اقامت خواهان در ایران

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۲۵ مقرر می‌دارد: «هرگاه سند ثبت احوال در ایران تنظیم شده و ذی‌نفع مقیم خارج از کشور باشد با دادگاه محل صدور سند است و اگر محل تنظیم سند و اقامت خواهان هر دو خارج از کشور باشد در صلاحیت دادگاه عمومی شهرستان تهران خواهد بود.»

### مبحث سوم: اختلاف در صلاحیت و ترتیب حل آن

۲۳- تشخیص صلاحیت دادگاه برای شروع به رسیدگی با کدام مرجع است؟ (آزمون ۱۳۸۴)

الف) خواهان دعوی (ب) دیوان عالی کشور

ج) رئیس حوزه قضایی (د) دادگاه رسیدگی کننده به دعوا

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۲۶ مقرر می‌دارد: «تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر دادگاه نسبت به دعوایی که به آن رجوع شده است با همان دادگاه است. مناط صلاحیت تاریخ تقدیم دادخواست است مگر در موردی که خلاف آن مقرر شده باشد.»

۲۴- چنانچه دعوایی در دادگاه عمومی مطرح باشد و به موجب قانونی دادگاه صلاحیت خود را از دست بدهد علی‌القاعده ....

(آزمون ۱۳۹۲)

الف) در هر صورت باید قرار عدم صلاحیت صادر کند.

ب) در صورتی باید قرار عدم صلاحیت صادر کند که خوانده ایراد نماید.

ج) فقط چنانچه عدم صلاحیت ذاتی باشد باید قرار عدم صلاحیت صادر کند.

د) در مورد عدم صلاحیت ذاتی باید قرار عدم صلاحیت صادر کند و در مورد عدم صلاحیت محلی، بستگی به ایراد خوانده دارد.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۲۵- هرگاه بین دادگاه تجدیدنظر یکی از استانها با دادگاه عمومی حوزه استان دیگری اختلاف در صلاحیت پیدا شود: (آزمون ۱۳۸۳)

الف) نظر دادگاه تجدیدنظر استان لازم‌الاتباع است.

ب) حل اختلاف با شعبه تشخیص دیوان عالی کشور است.

ج) حل اختلاف با رئیس دادگستری تهران است.

د) حل اختلاف با دیوان عالی کشور است.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۲۷ مقرر می‌دارد: «در صورتی که دادگاه رسیدگی کننده خود را صالح به رسیدگی نداند با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به دادگاه صلاحیت‌دار ارسال می‌نماید. دادگاه مرجوع‌الیه مکلف است خارج از نوبت نسبت به صلاحیت اظهارنظر نماید و چنانچه ادعای عدم صلاحیت را نپذیرد، پرونده را جهت حل اختلاف به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال می‌کند. رأی دادگاه تجدیدنظر در تشخیص صلاحیت لازم‌الاتباع خواهد بود.»

تبصره- در صورتی که اختلاف صلاحیت بین دادگاه‌های دو حوزه قضایی از دو استان باشد، مرجع حل اختلاف به ترتیب یادشده، دیوان عالی کشور می‌باشد.»

۲۶- در صورت حدوث اختلاف در صلاحیت بین دو دادگاه عمومی حقوقی در سطح یک استان: (آزمون ۱۳۸۶)

الف) حل آن با دادگاه تجدیدنظر مرکز استان است و دادگاه مرجوع‌الیه مکلف به رسیدگی است.

ب) حل آن با دادگاه تجدیدنظر مرکز استان است و دادگاه مرجع‌الیه مکلف به رسیدگی نبوده پرونده را برای حل اختلاف به دیوان عالی کشور می‌فرستد.

ج) حل آن با رییس کل دادگستری مرکز استان است.

د) حل آن با دیوان عالی کشور است.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۲۷- چنانچه دادگاه عمومی قرار عدم صلاحیت به اعتبار صلاحیت دیوان عدالت اداری صادر کند باید: (آزمون ۱۳۸۱)

الف) قرار را به خواهان ابلاغ و پس از قطعیت آن، پرونده را به دیوان عدالت اداری بفرستد.

ب) پرونده را به دیوانعالی کشور بفرستد و در صورت تأیید قرار صادره به دیوان عالی کشور، پرونده را به دیوان عدالت اداری ارسال کند.

ج) پرونده را به دیوان عدالت اداری بفرستد و چنانچه دیوان عدالت اداری صلاحیت خود را نپذیرد نظر دیوان مذکور برای دادگاه عمومی لازم‌الاتباع است.

د) پرونده را به دیوان عدالت اداری بفرستد و در صورت اختلاف در صلاحیت بین دیوان عدالت اداری و دادگاه عمومی حل اختلاف در دیوان عالی کشور بعمل می‌آید.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۲۸ مقرر می‌دارد: «هرگاه بین دادگاه‌های عمومی، نظامی و انقلاب در مورد صلاحیت، اختلاف محقق شود همچنین در مواردی که دادگاه‌ها اعم از عمومی، نظامی و انقلاب به صلاحیت مراجع غیرقضایی از خود نفی صلاحیت کنند و یا خود را صالح بدانند، پرونده برای حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال خواهد شد. رأی دیوان عالی کشور در خصوص تشخیص صلاحیت، لازم‌الاتباع می‌باشد.»

رأی وحدت رویه شماره ۲۸ مورخ ۱۳۶۴/۹/۱۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور بیان می‌دارد: «ماده ۲۲ قانون دیوان عدالت اداری مصوب بهمن ماه ۱۳۶۰ که مؤخر از ماده ۱۶ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب خردادماه ۱۳۵۶ به تصویب رسیده علی‌الاطلاق ناظر به حدوث اختلاف بین دیوان عدالت اداری و محاکم دادگستری برای حل اختلاف در دیوان عالی کشور می‌باشد و ظهور بر این امر دارد که اگر هر یک از این دو مرجع به اعتبار صلاحیت مرجع دیگر از خود نفی صلاحیت کند و مورد قبول طرف واقع نشود اختلاف محقق می‌گردد. بنابراین قبل از حدوث اختلاف در صلاحیت موضوع قابل طرح در دیوان عالی کشور نیست و رأی شعبه بیست و یکم دیوان عالی کشور که بر این مبنا صادر گردیده صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می‌شود. این رأی بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.»

۲۸- اگر دادگاه عمومی قرار عدم صلاحیت به شایستگی اداره ثبت محل صادر نماید، پرونده را باید به ..... (آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

الف) دادگاه تجدیدنظر استان بفرستد.

ب) سازمان ثبت بفرستد.

ج) دیوان عالی کشور بفرستد.

د) اداره ثبت محل بفرستد.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی؛

رأی وحدت رویه شماره ۶۶۰ مورخ ۱۳۸۲/۱/۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور بیان می‌دارد: «دادگاه‌های عمومی و انقلاب و نظامی از حیث درجه برابری، بنابراین در صورت حدوث اختلاف بین آنها در مورد صلاحیت بر طبق ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی دیوان عالی کشور حل اختلاف می‌نماید و هرگاه این دادگاه‌ها به صلاحیت مراجع غیرقضایی از خود نفی صلاحیت کنند و یا خود را صالح بدانند بلحاظ برتری اعتبار قضایی آنها نسبت به مراجع غیرقضایی نیازی به حدوث اختلاف نبوده و پرونده مستقیماً برای تشخیص صلاحیت به دیوان عالی کشور ارسال می‌شود. بنا به مراتب رأی شعبه دوم دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح و خالی از اشکال است. علیهذا مستندا به ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.»

### مبحث چهارم: وکالت در دعاوی

۲۹- کارمندی که بعنوان نماینده حقوقی مؤسسات دولتی در دادگاه‌ها اقدام می‌نماید باید دارای شرایطی باشند. تشخیص احراز این شرایط با .... است.

(آزمون ۱۳۸۳)

الف) رییس دادگاه مربوط

ب) رییس دادگستری مربوط

ج) بالاترین مقام اجرایی مؤسسه

د) کانون وکلای حوزه مربوط

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۲ مقرر می‌دارد: «وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و وابسته به دولت، شرکت‌های دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی و مؤسسات عمومی غیردولتی، شهرداری‌ها و بانک‌ها می‌توانند علاوه بر استفاده از وکلای دادگستری برای طرح هرگونه دعوا یا دفاع و تعقیب دعاوی مربوط از اداره حقوقی خود یا کارمندان رسمی خود با داشتن یکی از شرایط زیر به عنوان نماینده حقوقی استفاده نمایند:

۱- دارا بودن لیسانس در رشته حقوق با دوسال سابقه کارآموزی در دفاتر حقوقی دستگاه‌های مربوط.

۲- دو سال سابقه کار قضایی یا وکالت به شرط عدم محرومیت از اشتغال به مشاغل قضاوت یا وکالت.

تشخیص احراز شرایط یادشده به عهده بالاترین مقام اجرایی سازمان یا قائم‌مقام قانونی وی خواهد بود. ارائه معرفی‌نامه نمایندگی حقوقی به مراجع قضایی الزامی است.»

۳۰- موکل باید ذیل وکالتنامه را امضاء یا مهر کرده یا انگشت بزند در صورتی که نامبرده امضاء یا مهر یا اثر انگشت خود را انکار نماید، در این صورت دادگاه:

(آزمون ۱۳۸۰)

الف) به ادعای موکل ترتیب اثر نداده و رسیدگی را ادامه می‌دهد.

ب) به این موضوع رسیدگی می‌کند.

ج) به وکالتنامه وکیل ترتیب اثر نمی‌دهد.

د) چنین ادعایی را در حکم عزل وکیل تلقی خواهد کرد.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق تبصره ماده ۳۴ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۴ مقرر می‌دارد: «وکالت ممکن است به موجب سند رسمی یا غیررسمی باشد. در صورت اخیر، در مورد وکالت‌نامه‌های تنظیمی در ایران، وکیل می‌تواند ذیل وکالت‌نامه تأیید کند که وکالت‌نامه را موکل شخصاً در حضور او امضاء یا مهر کرده یا انگشت زده است.

در صورتی که وکالت در خارج از ایران داده شده باشد باید به گواهی یکی از مأمورین سیاسی یا کنسولی جمهوری اسلامی ایران برسد. مرجع گواهی وکالت نامه اشخاص مقیم در کشورهای فاقد مأمور سیاسی یا کنسولی ایران به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارت دادگستری با همکاری وزارت امور خارجه، ظرف مدت سه ماه تهیه و به تصویب رییس قوه قضائیه خواهد رسید. اگر وکالت در جلسه

دادرسی داده شود، مراتب در صورتجلسه قید و به امضای موکل می‌رسد و چنانچه موکل در زندان باشد، رییس زندان یا معاون وی باید امضاء یا اثر انگشت او را تصدیق نمایند.

تبصره- در صورتی که موکل امضاء، مهر یا اثر انگشت خود را انکار نماید، دادگاه به این موضوع نیز رسیدگی خواهد نمود.»

(آزمون ۱۳۸۵)

۳۱- کدام یک از اختیارات زیر قابل توکیل به وکیل دادگستری می‌باشد؟

الف) قبول سوگند

ب) شهادت

ج) اقرار

د) لعان

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق تبصره ۲ ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۵ مقرر می‌دارد: «... تبصره ۲- سوگند، شهادت، اقرار، لعان و ایلاء قابل توکیل نمی‌باشد.»

وکیلی که دادخواست تقدیم کرده در صورت استعفاء، مکلف است آن را به اطلاع موکل خود برساند و پس از آن موضوع استعفاء وکیل و

اخطار رفع نقص توسط دادگاه به موکل ابلاغ می‌شود، رفع نقص به عهده موکل است.»

۳۲- در دعوی حقوقی درخواست سوگند ..... و سوگند یاد کردن ..... (آزمون ۱۳۹۲)

الف) قابل توکیل است - قابل توکیل نیست.

ب) قابل توکیل است - قابل توکیل است.

ج) قابل توکیل است - قابل توکیل نیست، البته اگر موکل خواهان دعوی باشد.

د) قابل توکیل است - قابل توکیل نیست، البته اگر موکل خوانده دعوی باشد.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۳۳- در صورتی که وکیل استعفاء خود را به دادگاه اطلاع دهد کدام گزینه صحیح است؟ (آزمون ۱۳۸۵)

الف) دادگاه قرار توقف دادرسی صادر و به طرفین دعوی ابلاغ می‌نماید.

ب) دادگاه مراتب را به موکل اطلاع می‌دهد و رسیدگی طبق روال ادامه می‌یابد.

ج) دادگاه قرار توقف دادرسی صادر و به موکل ابلاغ می‌نماید تا ظرف دو ماه شخصاً حاضر یا وکیل جدید معرفی کند.

د) دادگاه به موکل اخطار می‌کند شخصاً یا توسط وکیل جدید دادرسی را تعقیب نماید و دادرسی تا مراجعه موکل یا معرفی وکیل جدید

حداکثر یک ماه متوقف می‌گردد.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۹ مقرر می‌دارد: «در صورتی که وکیل استعفاء خود را به دادگاه اطلاع دهد، دادگاه به موکل اخطار می‌کند که شخصاً یا توسط وکیل

جدید، دادرسی را تعقیب نماید و دادرسی تا مراجعه موکل یا معرفی وکیل جدید، حداکثر به مدت یک ماه متوقف می‌گردد.

(آزمون ۱۳۸۱)

۳۴- در صورت فوت وکیل در جریان دادرسی:

الف) دادرسی توقیف می‌شود.

ب) در صورتی که به توضیح نیاز باشد دادرسی توقیف می‌شود.

ج) دادرسی بطور موقت متوقف و مراتب به طرف دیگر اعلام می‌شود.

د) در صورتی که اخذ توضیحی لازم نباشد، دادرسی به تأخیر نمی‌افتد.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۴۰ مقرر می‌دارد: «در صورت فوت وکیل یا استعفا یا عزل یا ممنوع شدن یا تعلیق از وکالت یا بازداشت وی چنانچه اخذ توضیحی لازم

نباشد، دادرسی به تأخیر نمی‌افتد و در صورت نیاز به توضیح، دادگاه مراتب را در صورت مجلس قید می‌کند و با ذکر موارد توضیح به موکل

اطلاع می‌دهد که شخصاً یا توسط وکیل جدید در موعد مقرر برای ادای توضیح حاضر شود.»

### ۳۵- آیا وکیل دادگستری می‌تواند بدون داشتن عذر موجه در دادگاه حاضر نشود؟

الف) نمی‌تواند.

ب) اگر عدم حضورش به تجدید وقت دادگاه منجر نشود می‌تواند.

ج) در صورتی که موکلش در دادگاه حاضر شود می‌تواند.

د) در همه حال می‌تواند.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۴۱ مقرر می‌دارد: «وکلاء مکلفند در هنگام محاکمه حضور داشته باشند مگر اینکه دارای عذر موجهی باشند. جهات زیر عذر موجه محسوب می‌شود:

۱- فوت یکی از بستگان نسبی یا سببی تا درجه اول از طبقه دوم.

۲- ابتلاء به مرضی که مانع از حرکت بوده یا حرکت، مضر تشخیص داده می‌شود.

۳- حوادث قهری از قبیل سیل و زلزله که مانع از حضور در دادگاه باشد.

۴- وقایع خارج از اختیار وکیل که مانع از حضور وی در دادگاه شود.

وکیل معذور موظف است عذر خود به طور کتبی با دلایل آن برای جلسه محاکمه به دادگاه ارسال دارد. دادگاه در صورتی به آن ترتیب اثر می‌دهد که عذر او را موجه بداند، در غیر این صورت جریان محاکمه را ادامه داده و مراتب را به مرجع صلاحیت‌دار برای تعقیب انتظامی وکیل اطلاع خواهد داد. در صورتی که جلسه دادگاه به علت عذر وکیل تجدید شود، دادگاه باید علت آن و وقت رسیدگی بعدی را به موکل اطلاع دهد. در این صورت، جلسه بعدی دادگاه به علت عدم حضور وکیل، تجدید نخواهد شد.»

### ۳۶- وکیلی که به دادگاه دادخواست تقدیم کرده:

الف) تا قبل از اعلام ختم دادرسی می‌تواند استعفا بدهد.

ب) باید در زمانی استعفا دهد که موجب تجدید جلسه نشود در غیر این صورت دادگاه به این علت جلسه را تجدید نخواهد کرد.

ج) در صورتی استعفایش پذیرفته می‌شود که به اطلاع موکل رسانده باشد.

د) هر زمان بخواهد می‌تواند استعفا دهد و استعفایش موجب تجدید جلسه خواهد شد.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۴۳ مقرر می‌دارد: «عزل یا استعفاء وکیل یا تعیین وکیل جدید باید در زمانی انجام شود که موجب تجدید جلسه دادگاه نگردد، در غیر این صورت دادگاه به این علت جلسه را تجدید نخواهد کرد.»

۳۷- اگر دو نفر وکیل مجتمعاً وکالت را به عهده داشته باشند و یکی از آنها بدون عذر موجه در جلسه دادرسی حاضر نشود و لایحه

هم نفرستد: (آزمون ۱۳۹۰)

الف) دادگاه جلسه دادرسی را تجدید می‌کند.

ب) دادگاه با استماع مدافعات وکیل حاضر، به دعوی رسیدگی می‌کند.

ج) دادگاه بدون توجه به اظهارات وکیل حاضر، رسیدگی را ادامه می‌دهد.

د) دادگاه به وکیل غایب مهلت مناسبی برای ارسال لایحه اعطا می‌نماید.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۴۴- در صورتی که یکی از اصحاب دعوا در دادرسی دو نفر وکیل معرفی کرده و به هیچ‌یک از آنها بطور منفرد حق اقدام نداده باشد، ارسال لایحه توسط هردو یا حضور یکی از آنان با وصول لایحه از وکیل دیگر برای رسیدگی دادگاه کافی است و در صورت عدم وصول لایحه از وکیل غایب، دادگاه بدون توجه به اظهارات وکیل حاضر، رسیدگی را ادامه خواهد داد. چنانچه هردو وکیل یا یکی از آنان عذر

موجهی برای عدم حضور اعلام نموده باشد، در صورت ضرورت، جلسه دادرسی تجدید و علت تجدید جلسه و وقت رسیدگی به موکل نیز اطلاع داده می‌شود. در این صورت، جلسه بعدی دادگاه به علت عدم حضور وکیل تجدید نخواهد شد.

۳۸- اگر وکیل بعد از ابلاغ رأی و قبل از انقضای مهلت تجدیدنظر و فرجام‌خواهی فوت کند یا ممنوع از وکالت شود یا به واسطه قوه قهریه قادر به انجام وظیفه وکالت نباشد، ابتدای مهلت اعتراض به شرح ذیل خواهد بود: (آزمون ۱۳۸۰)

- الف) از تاریخ رفع قوه قهریه و ممنوعیت از وکالت  
ب) از تاریخ ابلاغ به موکل محسوب خواهد شد.  
ج) فوت یا ممنوعیت از وکالت و قوه قهریه تأثیری در مهلت اعتراض ندارد.  
د) پس از کسر مدت زمانی که از تاریخ فوت یا ممنوعیت وکیل از وکالت و بروز قوه قهریه سپری شده بقیه مدت تا پایان مدت تجدیدنظر موکل می‌تواند شخصاً اقدام نماید.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۷ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۴۷ مقرر می‌دارد: «اگر وکیل بعد از ابلاغ رأی و قبل از انقضای مهلت تجدیدنظر و فرجام‌خواهی فوت کند یا ممنوع از وکالت شود یا به واسطه قوه قهریه قادر به انجام وظیفه وکالت نباشد، ابتدای مهلت اعتراض از تاریخ ابلاغ به موکل محسوب خواهد شد. تبصره- در مواردی که طرح دعوا یا دفاع به وسیله وکیل جریان یافته و وکیل یادشده حق وکالت در مرحله بالاتر را دارد کلیه آرای صادره باید به او ابلاغ شود و مبداء مهلت‌ها و مواعد از تاریخ ابلاغ به وکیل محسوب می‌گردد.»

۳۹- اگر وکیل محکوم‌علیه رأی بدوی که حق تجدیدنظرخواهی دارد بعد از ابلاغ رأی و قبل از انقضای مهلت تجدیدنظر از وکالت ممنوع شود: (آزمون ۱۳۸۱)

- الف) ابتدای مهلت تجدیدنظر از تاریخ ابلاغ رأی به محکوم‌علیه احتساب خواهد شد.  
ب) ابتدای مهلت تجدیدنظر از تاریخ ممنوعیت وکیل از وکالت احتساب خواهد شد.  
ج) رأی باید به شخص محکوم‌علیه ابلاغ شود ولی ابتدای مهلت تجدیدنظر از تاریخ ابلاغ رأی به وکیل احتساب خواهد شد.  
د) رأی باید به شخص محکوم‌علیه ابلاغ شود، ولی ابتدای مهلت تجدیدنظر روز ابلاغ به وکیل محسوب است، مگر اینکه محکوم‌علیه ثابت کند از ممنوعیت وکیل از وکالت بی‌اطلاع بوده است.  
گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۷ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۴۰- چنانچه دو وکیل در پرونده دخالت داشته باشند و ابلاغ وقت حضوراً در دفتر دادگاه به یکی از آنها انجام شود و این وکیل تعهد ابلاغ به وکیل دیگر دهد، ابلاغ ..... (آزمون ۱۳۹۲)

- الف) نسبت به هر دو وکیل صحیح است.  
ب) نسبت به وکیل حاضر در دفتر دادگاه صحیح و واقعی و نسبت به وکیل دیگر صحیح و قانونی است.  
ج) نسبت به وکیل حاضر در دفتر دادگاه صحیح و واقعی و نسبت به وکیل دیگر صحیح نیست مگر خواهان دعوی صغیر باشد.  
د) نسبت به وکیل حاضر در دفتر دادگاه صحیح و واقعی و نسبت به وکیل دیگر صحیح نیست حتی اگر خواهان دعوی صغیر باشد.  
گزینه «د» صحیح می‌باشد.

مبحث پنجم: دادخواست

- تقدیم دادخواست

۴۱- تاریخ رسید دادخواست به ..... تاریخ اقامه دعوی محسوب می‌شود. (آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

الف) دادگاه (ب) دفترکل (ثبت در واحد رایانه)

ج) معاون ارجاع (د) دفتر دادگاه مرجوع‌البه

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۴۸، ۴۹ و ۵۰ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۴۸ مقرر می‌دارد: «شروع رسیدگی در دادگاه مستلزم تقدیم دادخواست می‌باشد، دادخواست به دفتر دادگاه صالح و در تقاطعی که دادگاه دارای شعب متعدد است به دفتر شعبه اول تسلیم می‌گردد.»

ماده ۴۹ مقرر می‌دارد: «مدیر دفتر دادگاه پس از وصول دادخواست باید فوری آن را ثبت کرده، رسیدی مشتمل بر نام خواهان، خوانده، تاریخ تسلیم (روز و ماه و سال) با ذکر شماره ثبت به تقدیم کننده دادخواست بدهد و در برگ دادخواست تاریخ تسلیم را قید نماید.

تاریخ رسید دادخواست به دفتر، تاریخ اقامه دعوا محسوب می‌شود.»

ماده ۵۰ مقرر می‌دارد: «هرگاه دادگاه دارای شعب متعدد باشد مدیر دفتر باید فوری پس از ثبت دادخواست، آن را جهت ارجاع به یکی از شعب، به نظر رئیس شعبه اول یا معاون وی برساند.»

### - شرایط دادخواست

۴۲- کدام یک از موارد زیر موجب توقیف دادخواست است؟

(آزمون ۱۳۸۲)

الف) عدم تأدیه هزینه دادرسی (ب) فوت یکی از اصحاب دعوا

ج) توقیف یکی از اصحاب دعوا یا وکلای آنان (د) هیچکدام

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۵۱ و بند ۱ ماده ۵۳ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۵۱ مقرر می‌دارد: «دادخواست باید به زبان فارسی در روی برگ‌های چاپی مخصوص نوشته شده و حاوی نکات زیر باشد:

۱- نام، نام خانوادگی، نام پدر، سن، اقامتگاه و حتی الامکان شغل خواهان.

تبصره- در صورتی که دادخواست توسط وکیل تقدیم شود مشخصات وکیل نیز باید درج گردد.

۲- نام، نام خانوادگی، اقامتگاه و شغل خوانده.

۳- تعیین خواسته و بهای آن مگر آن که تعیین بهاء ممکن نبوده و یا خواسته، مالی نباشد.

۴- تعهدات و جهاتی که به موجب آن خواهان خود را مستحق مطالبه می‌داند به طوری که مقصود واضح و روشن باشد.

۵- آنچه که خواهان از دادگاه درخواست دارد.

۶- ذکر ادله و وسایلی که خواهان برای اثبات ادعای خود دارد، از اسناد و نوشتجات و اطلاع مطلعین و غیره، ادله مثبت و ترتیب و واضح نوشته می‌شود و اگر دلیل، گواهی گواه باشد، خواهان باید اسامی و مشخصات و محل اقامت آنان را به طور صحیح معین کند.

۷- امضای دادخواست دهنده و در صورت عجز از امضاء، اثر انگشت او.

تبصره ۱- اقامتگاه باید با تمام خصوصیات از قبیل شهر و روستا و دهستان و خیابان به نحوی نوشته شود که ابلاغ به سهولت ممکن باشد.

تبصره ۲- چنانچه خواهان یا خوانده شخص حقوقی باشد، در دادخواست نام و اقامتگاه شخص حقوقی، نوشته خواهد شد.»

بند ۱ ماده ۵۳ مقرر می‌دارد: «... در موارد زیر دادخواست توسط دفتر دادگاه پذیرفته می‌شود لکن برای به جریان افتادن آن باید به شرح مواد

آتی تکمیل شود: ۱- در صورتی که به دادخواست و پیوست‌های آن برابر قانون تمبر الصاق نشده یا هزینه یادشده تأدیه نشده باشد. ...»

۴۳- چنانچه به موجب گزارش مأمور ابلاغ، خواهان در نشانی مندرج در دادخواست شناسایی نشود: (آزمون ۱۳۹۲)

الف) دادگاه قرار رد دادخواست صادر می‌نماید.

ب) مدیر دفتر دادگاه قرار رد دادخواست را صادر می‌نماید.

ج) مدیر دفتر دادگاه قرار ابطال دادخواست را صادر می‌نماید.

د) دفتر دادگاه پس از ده روز انتظار قرار رد دادخواست صادر می‌نماید.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق بند ۱ ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۴۴- چنانچه شخصی که حق ادعایی متعلق به اوست، صغیر باشد در قسمت «خواهان» دادخواست باید نام ..... و در ستون «نماینده» باید نام ..... نوشته شود. (آزمون ۱۳۹۲)

الف) ولی یا قیم - صغیر  
ب) صغیر - ولی یا قیم  
ج) ولی یا قیم - ولی یا قیم  
د) صغیر - ولی یا دادستان  
گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۵۱ و ۵۲ قانون آیین دادرسی مدنی؛

(آزمون ۱۳۸۴)

۴۵- اگر مشخصات و آدرس خواننده در دادخواست قید نشده باشد:

الف) دفتر دادگاه قرار رد دادخواست صادر و این قرار قطعی است.

ب) دفتر دادگاه بدون صدور اخطار رفع نقص، قرار رد دادخواست را صادر می‌کند و این قرار ظرف ۱۰ روز قابل اعتراض است.

ج) دفتر دادگاه بدو اخطار رفع نقص صادر می‌کند و در صورت عدم تکمیل دادخواست قرار رد دادخواست صادر و این قرار ظرف ۱۰ روز قابل اعتراض است.

د) دفتر دادگاه بدو اخطار رفع نقص صادر می‌کند و در صورت عدم تکمیل دادخواست توسط خواهان قرار رد دادخواست صادر می‌کند و این قرار قطعی است.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۵۱، ۵۳ و ۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۵۳ مقرر می‌دارد: «در موارد زیر دادخواست توسط دفتر دادگاه پذیرفته می‌شود لکن برای به جریان افتادن آن باید به شرح مواد آتی تکمیل شود:

۱- در صورتی که به دادخواست و پیوست‌های آن برابر قانون تمبر الصاق نشده یا هزینه یادشده تأدیه نشده باشد.

۲- وقتی که بندهای (۲-۳-۴-۵-۶) ماده ۵۱ این قانون رعایت نشده باشد.»

ماده ۵۴ مقرر می‌دارد: «در موارد یادشده در ماده قبل، مدیر دفتر دادگاه ظرف دو روز نقایص دادخواست را به طور کتبی و مفصل به خواهان اطلاع داده و از تاریخ ابلاغ به مدت ده روز به او مهلت می‌دهد تا نقایص را رفع نماید. چنانچه در مهلت مقرر اقدام به رفع نقص ننماید، دادخواست به موجب قراری که مدیر دفتر و در غیبت مشارالیه، جانشین او صادر می‌کند، رد می‌گردد. این قرار به خواهان ابلاغ می‌شود و نامبرده می‌تواند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ به همان دادگاه شکایت نماید. رأی دادگاه در این خصوص قطعی است.»

۴۶- توقیف دادخواست ..... و توقیف دادرسی .... (آزمون ۱۳۹۲)

الف) نیازی به قرار ندارد - نیاز به قرار ندارد.

ب) با قرار دادگاه ممکن است - نیازی به قرار ندارد.

ج) نیازی به قرار ندارد - با قرار دادگاه ممکن است.

د) نیازی به قرار ندارد - با قرار دادگاه ممکن است مگر جهت توقیف، فوت باشد.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۵۳ و ۱۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛

www.Magazine.Shme.ir

- موارد توقیف دادخواست

(آزمون ۱۳۸۷-مرکز)

۴۷- نقص دادخواست نخستین در قسمت آدرس خواننده:

الف) در صورت عدم رفع نقص با قرار رد دادخواست دفتر مواجه شده و این قرار ظرف ۲۰ روز در همان دادگاه قابل اعتراض است و رأی دادگاه در این خصوص قابل تجدیدنظر است.

ب) منجر به ارسال اخطاریه رفع نقص شده و در صورت عدم رفع نقص با قرار رد دادخواست دفتر مواجه شده و این قرار ظرف ۱۰ روز در همان دادگاه قابل اعتراض است و رأی دادگاه در این خصوص قطعی است.

ج) در صورت عدم رفع نقص با قرار رد دادخواست دفتر مواجه شده و این قرار ظرف ۱۰ روز در دادگاه تجدیدنظر قابل تجدیدنظر است.

د) در صورت عدم رفع نقص با قرار رد دادخواست دفتر مواجه شده و این قرار ظرف ۲۰ روز در دادگاه تجدیدنظر قابل تجدیدنظر است.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۴۸- اگر حکم راجع به اصل دعوی قابل تجدیدنظر باشد: (آزمون ۱۳۸۷-مرکز)

الف) قرار رد دادخواست دفتر قابل تجدیدنظر نیست اما قرار رد دادخواست دادگاه قابل تجدیدنظر است.

ب) قرار رد دادخواست دفتر و دادگاه، هر دو قابل تجدیدنظر است.

ج) قرار رد دادخواست دفتر و دادگاه، هیچ یک قابل تجدیدنظر نیست.

د) قرار رد دادخواست دفتر قابل تجدیدنظر نیست، دادگاه نیز هرگز قرار رد دادخواست صادر نمی‌کند.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۵۴ و ۳۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۳۲ مقرر می‌دارد: «قرارهای زیر قابل تجدیدنظر است، در صورتی که حکم راجع به اصل دعوا قابل درخواست تجدیدنظر باشد:

الف- قرار ابطال دادخواست یا رد دادخواست که از دادگاه صادر شود.

ب- قرار رد دعوا یا عدم استماع دعوا.

ج- قرار سقوط دعوا.

د- قرار عدم اهلیت یک از طرفین دعوا.»

۴۹- هرگاه در دادخواست، نام خانوادگی خواهان و خوانده نوشته نشده باشد، دادخواست باید: (آزمون ۱۳۸۳)

الف) به موجب قرار رییس دادگاه رد شود.

ب) به موجب قرار مدیر دفتر دادگاه رد شود.

ج) توقیف و اخطار رفع نقص صادر شود.

د) توسط دفتر دادگاه در اختیار رییس دادگاه قرار گیرد تا تعیین تکلیف کند.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۵۶ مقرر می‌دارد: «هرگاه در دادخواست، خواهان یا محل اقامت او معلوم نباشد ظرف دو روز از تاریخ رسیدن دادخواست به موجب

قراری که مدیر دفتر دادگاه و در غیبت مشارالیه جانشین او صادر می‌کند، دادخواست رد می‌شود.»

#### - پیوست‌های دادخواست

۵۰- احمد و علی و محمد به طرفیت حسن و زهرا دعوی الزام به تنظیم سند رسمی طرح کرده‌اند. دادخواست باید در چند نسخه

تقدیم شود؟

دو هفته نامه تخصصی اطلاع‌رسانی حقوقی و قانون ایران

(آزمون ۱۳۸۷-اتحادیه)

الف) سه نسخه

ب) یک نسخه

ج) دو نسخه

د) چهار نسخه

www.Magazine.Shme.ir

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۶۰ مقرر می‌دارد: «دادخواست و کلیه برگ‌های پیوست آنان باید در دو نسخه و در صورت تعدد خواننده به تعداد آنها به علاوه یک نسخه

تقدیم دادگاه شود.»

#### مبحث ششم: بهای خواسته

(آزمون ۱۳۸۷-مرکز)

۵۱- ملاک رسیدگی دادگاه به اختلاف در بهای خواسته:

الف) تعیین صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده است.

ب) تعیین هزینه دادرسی و تأثیر در قطعیت و یا عدم قطعیت حکم است.

ج) تأثیر در قطعیت و یا عدم قطعیت حکم است.

د) هزینه دادرسی است.

**گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۶۱ و ۶۳ قانون آیین دادرسی مدنی؛**

ماده ۶۱ مقرر می‌دارد: «بهای خواسته از نظر هزینه دادرسی و امکان تجدیدنظرخواهی همان مبلغی است که در دادخواست قید شده است مگر این که قانون ترتیب دیگری معین کرده باشد.»

ماده ۶۳ مقرر می‌دارد: «چنانچه نسبت به بهای خواسته بین اصحاب دعوا اختلاف حاصل شود و اختلاف مؤثر در مراحل بعدی رسیدگی باشد، دادگاه قبل از شروع رسیدگی با جلب نظر کارشناس، بهای خواسته را تعیین خواهد کرد.»

**۵۲- در دعوی که خواسته آن منافی باشد که مادام‌العمر است، «بهای خواسته» حاصل جمع منافع: (آزمون ۱۳۸۳)**

الف) سه ساله است، اما دادگاه در صورت استحقاق خواهان، خواننده را به پرداخت مادام‌العمر منافع محکوم می‌کند.

ب) ده ساله است، اما دادگاه در صورت استحقاق خواهان، خواننده را به پرداخت مادام‌العمر منافع محکوم می‌کند.

ج) ده ساله است، اما دادگاه در صورت استحقاق خواهان، خواننده را به پرداخت یک ساله منافع محکوم می‌کند.

د) بیست ساله است، اما دادگاه در صورت استحقاق خواهان، خواننده را به پرداخت مادام‌العمر منافع محکوم می‌کند.

**گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق بند ۳ ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی؛**

ماده ۶۲ مقرر می‌دارد: «... ۳- در دعوی راجع به منافع و حقوقی که باید در مواعد معین استیفا و یا پرداخت شود، بهای خواسته عبارت است از حاصل جمع تمام اقساط و منافی که خواهان خود را ذی‌حق در مطالبه آن می‌داند.

در صورتی که حق نامبرده محدود به زمان معین نبوده و یا مادام‌العمر باشد بهای خواسته مساوی است با حاصل جمع منافع ده سال یا آنچه را که ظرف ده سال باید استیفا کند. ...»

**۵۳- در دعوی غیرمنقول: (آزمون ۱۳۸۴)**

الف) تقویم خواسته الزامی و در تعیین هزینه مؤثر است به شرط آنکه خواننده به تقویم خواهان اعتراض ننماید.

ب) تقویم خواسته توسط خواهان الزامی و از جهت تعیین هزینه دادرسی و امکان تجدیدنظرخواهی مؤثر است.

ج) اساساً خواهان الزامی به تقویم خواسته ندارد چون هزینه دادرسی بر اساس ارزش معاملاتی املاک توسط دادگاه تعیین می‌شود.

د) تقویم خواسته الزامی و از جهت امکان تجدیدنظرخواهی و تعیین مرجع تجدیدنظر یا فرجام مؤثر است ولی تأثیری در تعیین میزان هزینه دادرسی ندارد.

**گزینه «د» صحیح می‌باشد.**

۶۵ رجوع کنید به دکتر عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، صفحه ۴۰، شماره ۵۴.

**۵۴- اگر خواسته پول خارجی باشد، ارزیابی آن .... (آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)**

الف) باید توسط خواهان تقویم شود.

ب) به نرخ رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی انجام می‌شود.

ج) باید توسط کارشناس تقویم شود.

د) توسط خواهان به قیمت بازار تقویم می‌شود.

**گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی؛**

ماده ۶۲ مقرر می‌دارد: «بهای خواسته به ترتیب زیر تعیین می‌شود:

۱- اگر خواسته پول رایج ایران باشد، بهای آن عبارت است از مبلغ مورد مطالبه، و اگر پول خارجی باشد، ارزیابی آن به نرخ رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و در تاریخ تقدیم دادخواست بهای خواسته محسوب می‌شود.

۲- در دعوی چند خواهان که هر یک قسمتی از کل را مطالبه می‌نماید بهای خواسته مساوی است با حاصل جمع تمام قسمت‌هایی که مطالبه می‌شود.

۳- در دعوی راجع به منافع و حقوقی که باید در مواعد معین استیفا و یا پرداخت شود، بهای خواسته عبارت است از حاصل جمع تمام اقساط و منافی که خواهان خود را ذی‌حق در مطالبه آن می‌داند.

در صورتی که حق نامبرده محدود به زمان معین نبوده و یا مادام‌العمر باشد بهای خواسته مساوی است با حاصل جمع منافع ده سال یا آنچه را که ظرف ده سال باید استیفا کند.

۴- در دعوی راجع به اموال، بهای خواسته مبلغی است که خواهان در دادخواست معین کرده و خواننده تا اولین جلسه دادرسی به آن ایراد و یا اعتراض نکرده مگر این که قانون ترتیب دیگری معین کرده باشد.

۵۵- چنانچه خواسته دعوا پول خارجی (ارز) باشد «بهای» خواسته ..... محاسبه می‌گردد و در صورت ذی‌حق بودن خواهان، در مرحله اجرا، ..... ارز محاسبه می‌شود. (آزمون ۱۳۹۲)

الف) بهای واقعی - بهای واقعی (ب) بهای واقعی - به نرخ بانک مرکزی

ج) به نرخ بانک مرکزی - بهای واقعی (د) به نرخ بانک مرکزی - به نرخ بانک مرکزی

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق بند ۱ ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۵۶- در دعوی به خواسته الزام خواننده به تنظیم سند رسمی انتقال یک دستگاه آپارتمان، خواهان در دادخواست بهای خواسته را مبلغ بیست میلیون ریال تعیین کرده و خواننده تا اولین جلسه دادرسی به بهای خواسته اعتراض کرده است. آیا اعتراض او قابل رسیدگی است؟ (آزمون ۱۳۸۱)

الف) بله، چون در هزینه دادرسی مؤثر است.

ب) بله، چون در قابل فرجام بودن حکم مؤثر است.

ج) بله، چون دادگاه در صورت اختلاف نسبت به بهای خواسته باید بهای خواسته را تعیین کند.

د) خیر، چون در قابل تجدیدنظر یا فرجام بودن حکم تأثیر ندارد.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۶۳ مقرر می‌دارد: «چنانچه نسبت به بهای خواسته بین اصحاب دعوا اختلاف حاصل شود و اختلاف مؤثر در مراحل بعدی رسیدگی باشد، دادگاه قبل از شروع رسیدگی با جلب نظر کارشناس، بهای خواسته را تعیین خواهد کرد.»

۵۷- در دعوی مالی غیرمنقول: (آزمون ۱۳۹۰)

الف) ارزش خواسته از نظر هزینه دادرسی و صلاحیت طبق ارزش معاملاتی املاک تقویم و پرداخت می‌شود.

ب) ارزش خواسته از نظر صلاحیت همان است که خواهان در دادخواست تعیین می‌نماید.

ج) ارزش خواسته از نظر صلاحیت طبق ارزش معاملاتی املاک در هر منطقه تقویم و پرداخت می‌شود.

د) ارزش خواسته از نظر هزینه دادرسی همان است که خواهان در دادخواست تعیین می‌نماید.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد. مطابق مواد ۶۱ تا ۶۳ قانون آیین دادرسی مدنی؛

مبحث هفتم: ابلاغ

۵۸- در ابلاغ قانونی به بستگان و خادمین مأمور ابلاغ می‌تواند:

(آزمون ۱۳۸۷-مرکز)

- الف) اختطاریه را به کسی که دارای قدرت تمییز است ابلاغ نموده به شرط اینکه دارای خویشاوندی تا درجه سوم از طبقه دوم مخاطب باشد.  
ب) در دعاوی مالی، بدون احراز رابطه خویشاوندی به کسی ابلاغ کند که رشید باشد و در سایر دعاوی به کسی که بالغ باشد.  
ج) در کلیه دعاوی، بدون احراز رابطه خویشاوندی احراز سن بلوغ کفایت می‌کند.  
د) در کلیه دعاوی، بدون احراز رابطه فامیلی به کسی که از نظر سن و وضعیت ظاهری دارای قدرت تمییز تشخیص داده شود ابلاغ کند.  
گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی؛
- ماده ۶۹ مقرر می‌دارد: «هرگاه مأمور ابلاغ نتواند اوراق را به شخص خواننده برساند باید در نشانی تعیین شده به یکی از بستگان یا خادمان او که سن و وضعیت ظاهری آنان برای تمیز اهمیت اوراق یادشده کافی باشد، ابلاغ نماید و نام و سمت گیرنده اختطاریه را در نسخه دوم قید و آن را اعاده کند.»

۵۹- چنانچه اخطار وقت جلسه به علت عدم حضور خواننده در محل، به همسایه وی ابلاغ شود .... (آزمون ۱۳۹۲)

- الف) ابلاغ صحیح است.  
ب) ابلاغ صحیح نیست.  
ج) ابلاغ صحیح است ولی قانونی است.  
د) تنها اگر برای اولین جلسه دادرسی بوده ابلاغ صحیح نیست.  
گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۶۰- هرگاه دعوی راجع به اداره دولتی باشد اوراق اختطاریه به:

(آزمون ۱۳۸۲)

- الف) رییس اداره ابلاغ می‌شود.  
ب) رییس دفتر یا قائم مقام او ابلاغ می‌شود.  
ج) دایره حقوقی اداره ابلاغ می‌شود.  
د) رییس کارگزینی یا قائم مقام او ابلاغ می‌شود.  
گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۷۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛
- ماده ۷۵ مقرر می‌دارد: «در دعاوی راجع به ادارات دولتی و سازمان‌های وابسته به دولت و مؤسسات مأمور خدمات عمومی و شهرداری‌ها و نیز مؤسساتی که تمام یا بخشی از سرمایه آنها متعلق به دولت است اوراق اختطاریه و ضمایم به رییس دفتر مرجع مخاطب یا قائم مقام او ابلاغ و در نسخه اول رسید اخذ می‌شود. در صورت امتناع رییس دفتر یا قائم مقام او از اخذ اوراق، مراتب در برگ اختطاریه قید و اوراق اعاده می‌شود. در این مورد استنکاف از گرفتن اوراق اختطاریه و ضمایم و ندادن رسید تخلف از انجام وظیفه خواهد بود و به وسیله مدیر دفتر دادگاه به مراجع صالحه اعلام و به مجازات مقرر در قانون رسیدگی به تخلفات اداری محکوم خواهد شد.

تبصره- در دعاوی مربوط به شعب مراجع بالا یا وابسته به دولت به مسؤول دفتر شعبه مربوط یا قائم مقام او ابلاغ خواهد شد.»

۶۱- در دعاوی مربوط به ورشکسته دادخواست و ضمایم آن باید به ..... ابلاغ شود. (آزمون ۱۳۸۰)

- الف) شخص ورشکسته  
ب) اداره تصفیه ورشکستگی یا مدیر تصفیه  
ج) اداره تصفیه امور ورشکستگی  
د) شخص ورشکسته و رییس مجتمع قضایی قائم مقام دادستان

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق تبصره ۲ ماده ۷۶ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۷۶ مقرر می‌دارد: «... تبصره ۲- در دعاوی مربوط به ورشکسته، دادخواست و ضمایم آن به اداره تصفیه امور ورشکستگی یا مدیر تصفیه ابلاغ خواهد شد...»

۶۲- اگر پس از ابلاغ دادخواست و ضمایم آن خواننده دعوا، محل اقامت خود را تغییر دهد: (آزمون ۱۳۸۷-اتحادیه)

- الف) ابلاغ از طریق درج آگهی در روزنامه رسمی انجام می‌گیرد.  
ب) اختطاریه‌ها و اوراق قضایی به همان محل سابق، برای ابلاغ فرستاده می‌شود.

ج) خواهان باید ظرف یک ماه نشانی جدید خواننده را تعیین کند.

د) ابلاغ از طریق آگهی در روزنامه محلی صورت می‌گیرد.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۷۹ مقرر می‌دارد: «هرگاه یکی از طرفین دعوا محلی را که اوراق اولیه در آن محل ابلاغ شده یا محلی را که برای ابلاغ اوراق انتخاب کرده تغییر دهد و همچنین در صورتی که نشانی معین در دادخواست اشتباه باشد باید فوری محل جدید و مشخصات صحیح را به دفتر دادگاه اطلاع دهد. تا وقتی که به این ترتیب عمل نشده است، اوراق در همان محل سابق ابلاغ می‌شود.»

۶۵ رجوع کنید به شمس، دکتر عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، شماره ۱۵۴.

۶۳- چنانچه پس از ابلاغ اوراق دادرسی به خواننده در نشانی معین، خواننده نشانی خود را تغییر دهد: (آزمون ۱۳۹۰)

الف) خواننده مکلف است نشانی جدید خود را به دفتر دادگاه اطلاع دهد و الا ابلاغ اوراق به نشانی سابق معتبر خواهد بود.

ب) برای خواهان اخطار رفع نقص جهت تعیین نشانی جدید خواننده ابلاغ می‌شود و در صورت عدم رفع نقص در مهلت مقرر دادخواست او ابطال می‌شود.

ج) به خواهان اخطار رفع نقص جهت تعیین نشانی جدید ابلاغ می‌شود و در صورت عدم رفع نقص در مهلت قانونی قرار رد دادخواست او صادر می‌شود.

د) خواهان مکلف است تغییر نشانی را به دادگاه اطلاع دهد و الا جلسه دادرسی به دلیل گواهی مأمور ابلاغ مبنی بر تغییر نشانی تجدید خواهد شد.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی مدنی؛

که قانونگذار در این ماده با درج عبارت «باید»، طرفین دعوا را مکلف به اعلام نشانی جدید خود نموده است.

### مبحث هشتم: ایرادات و موانع رسیدگی

۶۴- اگر خواهان در جلسه دوم دادرسی محجور شود و خواننده ایراد نماید، در این صورت دادگاه: (آزمون ۱۳۸۰)

الف) توأم با ماهیت دعوا اظهار نظر می‌نماید.

ب) قرار رد دعوا را به علت حजर خواهان صادر می‌کند.

ج) رسیدگی را بطور موقت متوقف می‌کند.

د) به ایراد مذکور ترتیب اثر نمی‌دهد.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۸۴ و ۸۷ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۸۴ مقرر می‌دارد: «در موارد زیر خواننده می‌تواند ضمن پاسخ نسبت به ماهیت دعوا ایراد کند:

۱- دادگاه صلاحیت نداشته باشد.

۲- دعوا بین همان اشخاص در همان دادگاه یا دادگاه هم عرض دیگری قبلاً اقامه شده و تحت رسیدگی باشد و یا اگر همان دعوا نیست دعوایی باشد که با ادعای خواهان ارتباط کامل دارد.

۳- خواهان به جهتی از جهات قانونی از قبیل صغر، عدم رشد، جنون یا ممنوعیت از تصرف در اموال در نتیجه حکم ورشکستگی، اهلیت قانونی برای اقامه دعوا نداشته باشد.

۴- ادعا متوجه شخص خواننده نباشد.

۵- کسی که به عنوان نمایندگی اقامه دعوا کرده از قبیل وکالت یا ولایت یا قیمومیت و سمت او محرز نباشد.

۶- دعوی طرح شده سابقاً بین همان اشخاص یا اشخاصی که صاحب دعوا قائم مقام آنان هستند، رسیدگی شده و نسبت به آن حکم قطعی صادر شده باشد.

۷- دعوا بر فرض ثبوت، اثر قانونی نداشته باشد از قبیل وقف و هبه بدون قبض.

۸- مورد دعوا مشروع نباشد.

۹- دعوا جزمی نبوده بلکه ظنی یا احتمالی باشد.

۱۰- خواهان در دعوی مطروحه ذی نفع نباشد.

۱۱- دعوا خارج از موعد قانونی اقامه شده باشد.»

ماده ۸۷ مقرر می‌دارد: «ایرادات و اعتراضات باید تا پایان اولین جلسه دادرسی به عمل آید مگر این که سبب ایراد متعاقباً حادث شود.»

۶۵- چنانچه دعوا بر فرض ثبوت اثر قانونی نداشته باشد، دادگاه چه تصمیمی باید اتخاذ کند؟ (آزمون ۱۳۸۱)

الف) قرار رد دعوا

ب) قرار رد دادخواست

ج) قرار امتناع از رسیدگی

د) قرار ابطال دادخواست

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۸۴ و ۸۷ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۶۶- اگر دعوی مطروحه بر فرض اثبات فاقد اثر قانونی باشد:

الف) دادگاه رأساً قرار ابطال دادخواست صادر می‌کند.

ب) خواننده می‌تواند ضمن پاسخ نسبت به دعوی ایراد نماید و دادگاه بر فرض پذیرش ایراد، قرار سقوط دعوی صادر می‌کند.

ج) خواننده می‌تواند ضمن پاسخ نسبت به دعوی ایراد نماید و دادگاه بر فرض پذیرش ایراد، قرار رد دعوی صادر می‌کند.

د) خواننده می‌تواند صرفاً ایراد نموده و اگر دادگاه ایراد را نپذیرد بایستی به خواننده ابلاغ نماید تا جهت دفاع در ماهیت در جلسه دادرسی شرکت کند.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۸۴ و ۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۸۹ مقرر می‌دارد: «در مورد بند ۱ ماده ۸۴ هرگاه دادگاه، خود را صالح نداند مبادرت به صدور قرار عدم صلاحیت می‌نماید و طبق ماده

۲۷ عمل می‌کند و در مورد بند ۲ ماده ۸۴ هرگاه دعوا در دادگاه دیگری تحت رسیدگی باشد، از رسیدگی به دعوا خودداری کرده پرونده را به

دادگاهی که دعوا در آن مطرح است می‌فرستد و در سایر موارد یادشده در ماده ۸۴ قرار رد دعوا صادر می‌نماید.»

۶۷- در ایراد امر مطروحه: (آزمون ۱۳۹۰)

الف) محاکم باید هم‌عرض باشند.

ب) رابطه عرضی یا طولی محاکم ارتباطی به امر مطروحه ندارد.

ج) پرونده در دادگاهی که مؤخر در ثبت ارجاع است رسیدگی می‌گردد.

د) تاریخ ثبت ارجاع تأثیری ندارد و باید پرونده به دادگاه عالی ارجاع شود.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد. مطابق بند ۲ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۶۸- کدام یک از تصمیمات قضایی ذیل از اعتبار امر مختومه برخوردار نمی‌باشد؟ (آزمون ۱۳۸۶)

الف) گزارش اصلاحی

ب) حکم قطعی دادگاه بدوی

ج) حکم قطعی دادگاه تجدید نظر

د) قرار سقوط دعوی

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق بند ۶ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۶۹- چنانچه خواهان در دعوی مطروحه ذینفع نباشد، دادگاه قرار ..... صادر می‌نماید. (آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

الف) عدم استماع دعوی

ب) سقوط دعوی

ج) عدم توجه دعوی (د) رد دعوی

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۸۴ و ۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۷۰- خواننده در برخورد با هر یک از ایرادات قانونی می‌تواند ضمن پاسخ در ماهیت دعوی ایراد کند: (آزمون ۱۳۸۷-مرکز)

الف) لکن این حق را نیز دارد که بدون ورود به ماهیت دعوی صرفاً ایراد نموده، اما اگر دادگاه ایراد او را رد کند برای استماع دفاع ماهوی خواننده، مکلف به تعیین وقت رسیدگی نیست.

ب) لکن این حق را نیز دارد که بدون ورود به ماهیت دعوی صرفاً ایراد نموده و اگر دادگاه ایراد او را رد کند برای استماع دفاع ماهوی خواننده، مکلف به تعیین وقت رسیدگی است.

ج) به هیچ عنوان حق طرح ایراد بدون دفاع در ماهیت را ندارد.

د) خواننده در بعضی از ایرادات می‌تواند بدون دفاع در ماهیت ایراد نموده و دفاع در ماهیت دعوی را موکول به تعیین تکلیف نسبت به ایراد کند.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۸۴ و ۸۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۸۵ مقرر می‌دارد: «خواهان حق دارد نسبت به کسی که به عنوان وکالت یا ولایت یا قیمومیت یا وصایت پاسخ دعوا را داده است در صورتی که سمت او محرز نباشد اعتراض نماید.»

۷۱- ایرادات و اعتراضات باید .... بعمل آید مگر اینکه سبب ایراد متعاقباً حادث شود. (آزمون ۱۳۸۸)

الف) بعد از اولین جلسه دادرسی (ب) قبل از جلسه رسیدگی

ج) تا اولین جلسه دادرسی (د) تا پایان اولین جلسه دادرسی

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۸۷ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۸۷ مقرر می‌دارد: «ایرادات و اعتراضات باید تا پایان اولین جلسه دادرسی به عمل آید مگر این که سبب ایراد متعاقباً حادث شود.»

۷۲- در صورتی که دعوا قبلاً در دادگاه دیگری اقامه و مطرح رسیدگی باشد و با ایراد سبق طرح دعوی توسط خواننده در جلسه اول مواجه شود: (آزمون ۱۳۸۸)

الف) دادگاه قرار عدم استماع دعوی صادر می‌کند.

ب) دادگاه از رسیدگی به دعوی خودداری و پرونده را به دادگاهی که دعوی در آن مطرح است ارسال می‌کند.

ج) دادگاه قرار رسیدگی توأمان صادر می‌کند.

د) دادگاه قرار رد دعوی صادر می‌کند.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۷۳- کدام یک از گزینه‌های زیر از موارد رد دادرسی نیست؟ (آزمون ۱۳۸۵)

الف) موردی که فرزند دادرس دارای نفع شخصی در موضوع مطروحه باشد.

ب) موردی که همسر دادرس وارث یکی از اصحاب دعوی باشد.

ج) موردی که یکی از اصحاب دعوی شکایت انتظامی علیه دادرس نموده باشد.

د) موردی که دادرس نسبت خویشاوندی درجه دوم از طبقه دوم با یکی از اصحاب دعوی داشته باشد.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۹۱ مقرر می‌دارد: «دادرس در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع نموده و طرفین دعوا نیز می‌توانند او را رد کنند:

الف- قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرس با یکی از اصحاب دعوا وجود داشته باشد.

ب- دادرس قیم یا مخدوم یکی از طرفین باشد و یا یکی از طرفین مباشر یا متکفل امور دادرس یا همسر او باشد.

- ج- دادرسی یا همسر یا فرزند او، وارث یکی از اصحاب دعوا باشد.
- د- دادرسی سابقاً در موضوع دعوی اقامه شده به عنوان دادرسی یا داور یا کارشناس یا گواه اظهارنظر کرده باشد.
- ه- بین دادرسی و یکی از طرفین و یا همسر یا فرزند او دعوی حقوقی یا جزایی مطرح باشد و یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی دو سال نگذشته باشد.
- و- دادرسی یا همسر یا فرزند او دارای نفع شخصی در موضوع مطروح باشند.»

### مبحث نهم: جلسه دادرسی

۷۴- اگر دادگاه از خواهان توضیح بخواهد و خواهان با ابلاغ اظهاریه در دادگاه حاضر نشود و توضیح ندهد، خوانده نیز حضور نداشته باشد:

(آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

- الف) دادگاه دستور جلب خواهان را به دادرسی صادر می‌کند تا او برای ادای توضیح حاضر شود.
- ب) دادگاه قرار ابطال دادخواست را صادر می‌کند.
- ج) دادگاه حکم به محکومیت خوانده صادر می‌کند.
- د) دادگاه قرار رد دعوی را صادر می‌کند.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۹۴ و ۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۹۴ مقرر می‌دارد: «هر یک از اصحاب دعوا می‌تواند به جای خود وکیل به دادگاه معرفی نمایند ولی در مواردی که دادرسی حضور شخص خواهان یا خوانده یا هر دو را لازم بداند این موضوع در برگ اظهاریه قید می‌شود. در این صورت شخصاً مکلف به حضور خواهند بود.»

ماده ۹۵ مقرر می‌دارد: «عدم حضور هر یک از اصحاب دعوا و یا وکیل آنان در جلسه دادرسی مانع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نیست. در موردی که دادگاه به اخذ توضیح از خواهان نیاز داشته باشد و نامبرده در جلسه تعیین شده حاضر نشود و با اخذ توضیح از خوانده هم دادگاه نتواند رأی بدهد، همچنین در صورتی که با دعوت قبلی هیچ یک از اصحاب دعوا حاضر نشوند، و دادگاه نتواند در ماهیت دعوا بدون اخذ توضیح رأی صادر کند دادخواست ابطال خواهد شد.»

۷۵- در جلسه اول دادرسی یکی از اسنادی که خوانده به آن استناد و رونوشت آن را به دادگاه تقدیم نموده و سند عادی است مورد انکار واقع و تقاضای ارائه آن می‌شود که خوانده اصل آن را ارائه نمی‌دهد. در این صورت: (آزمون ۱۳۸۲)

- الف) دادگاه با وجود دلایل دیگر خوانده را محکوم می‌کند.
- ب) سند مذکور از عداد دلایل خوانده خارج می‌شود.
- ج) دادگاه قرار ابطال دادخواست را صادر می‌کند.
- د) خوانده موظف است ظرف ده روز اصل سند موضوع انکار را به دفتر دادگاه ارائه دهد تا چنانچه مؤثر در دعوا باشد به اعتبار آن رسیدگی شود.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۹۶ مقرر می‌دارد: «خواهان باید اصل اسنادی که رونوشت آنها را ضمیمه دادخواست کرده است در جلسه دادرسی حاضر نماید. خوانده نیز باید اصل و رونوشت اسنادی را که می‌خواهد به آنها استناد نماید در جلسه دادرسی حاضر نماید. رونوشت اسناد خوانده باید به تعداد خواهانها به علاوه یک نسخه باشد. یک نسخه از رونوشت‌های یادشده در پرونده بایگانی و نسخه دیگر به طرف تسلیم می‌شود. در مورد این ماده هرگاه یکی از اصحاب دعوا نخواهد یا نتواند در دادگاه حاضر شود، چنانچه خواهان است باید اصل اسناد خود را، و اگر خوانده است اصل و رونوشت اسناد را به وکیل یا نماینده خود برای ارائه در دادگاه و ملاحظه طرف بفرستد و الا در صورتی که آن سند

عادی باشد و مورد تردید و انکار واقع شود، اگر خواننده باشد از عداد دلایل او خارج می‌شود و اگر خواهان باشد و دادخواست وی مستند به ادله دیگری نباشد در آن خصوص ابطال می‌گردد. در صورتی که خواننده به واسطه کمی مدت یا دلایل دیگر نتواند اسناد خود را حاضر کند حق دارد تأخیر جلسه را درخواست نماید، چنانچه دادگاه درخواست او را مقرون به صحت دانست با تعیین جلسه خارج از نوبت، نسبت به موضوع رسیدگی می‌نماید.»

#### ۷۶- کدام عبارت در خصوص اوقات رسیدگی دادگاه صحیح نیست؟ (آزمون ۱۳۹۰)

الف) رسیدگی به دعوی تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت خارج از نوبت به عمل می‌آید.  
ب) در صورت تشخیص رئیس دیوان عالی کشور رسیدگی به پرونده در شعبه مرجع‌الیه خارج از نوبت به عمل می‌آید.  
ج) رسیدگی به قرارهای عدم صلاحیت در دادگاه تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور در وقت فوق‌العاده به عمل می‌آید.  
د) در صورتی که خواننده به واسطه کمی مدت نتواند در اولین جلسه دادرسی اسناد خود را حاضر نماید و تأخیر جلسه را درخواست نماید، دادگاه در صورت احراز صحت با تعیین جلسه خارج از نوبت نسبت به موضوع رسیدگی می‌نماید.

#### گزینه «ج» صحیح می‌باشد. مطابق مواد ۳۹۰، ۱۷۷ و قسمت اخیر ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۹۰- پس از وصول پرونده به دیوان عالی کشور، رئیس دیوان یا یکی از معاونان وی پرونده را با رعایت نوبت و ترتیب وصول به یکی از شعب دیوان ارجاع می‌نماید شعبه مرجع‌الیه به نوبت رسیدگی می‌کند مگر در مواردی که به موجب قانون یا به تشخیص رئیس دیوان عالی کشور، رسیدگی خارج از نوبت ضروری باشد.

ماده ۱۷۷- رسیدگی به دعوی موضوع این فصل {فصل هشتم: عاوی تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت} تابع تشریفات آیین دادرسی نبوده و خارج از نوبت به عمل می‌آید.

ماده ۹۶- ... در صورتی که خواننده به واسطه کمی مدت یا دلایل دیگر نتواند اسناد خود را حاضر کند حق دارد تأخیر جلسه را درخواست نماید، چنانچه دادگاه درخواست او را مقرون به صحت دانست با تعیین جلسه خارج از نوبت، نسبت به موضوع رسیدگی می‌نماید.

#### ۷۷- دعوی اضافی، یعنی افزایش خواسته یا تغییر نحوه دعوی یا خواسته، که از ناحیه خواهان اقامه می‌شود باید: (آزمون ۱۳۸۶)

الف) پس از تقدیم دادخواست و قبل از جلسه اول رسیدگی مطرح شود.

ب) تا جلسه اول رسیدگی و در این جلسه اقامه شود.

ج) تا قبل از ختم مذاکرات اصحاب دعوی مطرح گردد.

د) پس از ختم مذاکرات اصحاب دعوی و قبل از صدور حکم عنوان شود.

#### گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۹۸ مقرر می‌دارد: «خواهان می‌تواند خواسته خود را که در دادخواست تصریح کرده در تمام مراحل دادرسی کم کند ولی افزودن آن یا تغییر نحوه دعوا یا خواسته یا درخواست در صورتی ممکن است که با دعوی طرح شده مربوط بوده و منشاء واحدی داشته باشد و تا پایان اولین جلسه آن را به دادگاه اعلام کرده باشد.»

#### ۷۸- در موردی که عدم تشکیل جلسه دادرسی منتسب به اصحاب دعوی نیست جلسه دادرسی بعدی باید در چه زمانی تشکیل شود؟

(آزمون ۱۳۸۵)

الف) ظرف یک ماه ب) منوط به نظر دادگاه است.

ج) حداکثر ظرف دو ماه د) نزدیک‌ترین وقت ممکن

#### گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق تبصره ذیل ماده ۱۰۰ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۱۰۰ مقرر می‌دارد: «... تبصره- در مواردی که عدم تشکیل دادگاه منتسب به طرفین نباشد، وقت رسیدگی حداکثر ظرف مدت دو ماه خواهد بود.»

۷۹- اگر دعاوی دیگری که ارتباط کامل با دعوای طرح شده دارند در همان دادگاه مطرح شده باشد دادگاه به تمامی آنها یکجا رسیدگی می‌نماید و چنانچه در چند شعبه طرح شده باشد در یکی از شعب با تعیین رییس شعبه اول یکجا رسیدگی خواهد شد. در این صورت وکلا یا اصحاب دعوی:

(آزمون ۱۳۸۰)

الف) مکلفند از دعاوی مربوط دادگاه را آگاه سازند.

ب) می‌توانند از دعاوی مربوط دادگاه را مستحضر سازند.

ج) خواهان فقط ملزم است از دعاوی مذکور دادگاه را آگاه سازد.

د) خوانده فقط مکلف است از دعوی مذکور دادگاه را آگاه سازد.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۱۰۳ مقرر می‌دارد: «اگر دعاوی دیگری که ارتباط کامل با دعوای طرح شده دارند در همان دادگاه مطرح باشد، دادگاه به تمامی آنها یکجا رسیدگی می‌نماید و چنانچه در چند شعبه مطرح شده باشد، در یکی از شعب با تعیین رییس شعبه اول یکجا رسیدگی خواهد شد. در مورد این ماده وکلا یا اصحاب دعوا مکلفند از دعاوی مربوط، دادگاه را مستحضر نمایند.»

# اطلاع‌رسانی حقوق و قانون

دوهفته‌نامه تخصصی اطلاع‌رسانی حقوق و قانون ایران

[www.Magazine.Shme.ir](http://www.Magazine.Shme.ir)

## مبحث دهم: توقیف دادرسی و استرداد دعوا و دادخواست

(آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

۸۰- فوت احد از متداعیین موجب ...

- الف) توقیف دادرسی است.  
ب) زوال دادرسی است.  
ج) ختم دادرسی است.  
د) تجدید جلسه رسیدگی است.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۱۰۵ مقرر می‌دارد: «هرگاه یکی از اصحاب دعوا فوت نماید یا محجور شود یا سمت یکی از آنان که به موجب آن سمت، داخل دادرسی شده زایل گردد دادگاه رسیدگی را به طور موقت متوقف و مراتب را به طرف دیگر اعلام می‌دارد. پس از تعیین جانشین و درخواست ذی‌نفع، جریان دادرسی ادامه می‌یابد مگر این که فوت یا حجر یا زوال سمت یکی از اصحاب دعوا تأثیری در دادرسی نسبت به دیگران نداشته باشد که در این صورت دادرسی نسبت به دیگران ادامه خواهد یافت.»

۸۱- قبل از اینکه دادرسی تمام شود خواهان دعوی خود را استرداد می‌نماید و خوانده عدم رضایت خود را نسبت به درخواست خواهان به دادگاه اعلام می‌کند. در این صورت دادگاه:

(آزمون ۱۳۸۱)

- الف) قرار رد دعوا صادر می‌کند.  
ب) قرار سقوط دعوا صادر می‌کند.  
ج) قرار ابطال دادخواست صادر می‌کند.  
د) به جهت عدم رضایت خوانده به رسیدگی ادامه می‌دهد.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی و بند ب آن؛

ماده ۱۰۷ مقرر می‌دارد: «استرداد دعوا و دادخواست به ترتیب زیر صورت می‌گیرد:

- الف- خواهان می‌تواند تا اولین جلسه دادرسی، دادخواست خود را مسترد کند. در این صورت دادگاه قرار ابطال دادخواست صادر می‌نماید.  
ب- خواهان می‌تواند مادامی که دادرسی تمام نشده دعوی خود را استرداد کند. در این صورت دادگاه قرار رد دعوا صادر می‌نماید.  
ج- استرداد دعوا پس از ختم مذاکرات اصحاب دعوا در موردی ممکن است که یا خوانده راضی باشد و یا خواهان از دعوی خود به کلی صرف نظر کند. در این صورت دادگاه قرار سقوط دعوا صادر خواهد کرد.»

۸۲- هرگاه مدعی پس از ختم مذاکرات اصحاب دعوی، دعوی خود را مسترد کند و خوانده هم راضی باشد دادگاه کدام یک از تصمیمات ذیل را اتخاذ خواهد کرد؟

(آزمون ۱۳۸۶)

- الف) قرار رد دعوی  
ب) قرار ابطال دادخواست  
ج) قرار عدم استماع دعوی  
د) قرار سقوط دعوی
- گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق بند ج ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۸۳- اگر خواهان بعد از اعلام ختم دادرسی دعوی خود را مسترد نموده و خوانده نیز راضی باشد: (آزمون ۱۳۸۷- مرکز)

- الف) قرار رد دعوی صادر می‌شود و این قرار قابل تجدیدنظر است.  
ب) قرار رد دعوی صادر می‌شود و این قرار قطعی است.  
ج) قرار سقوط دعوی صادر می‌شود و این قرار قابل تجدیدنظر است.  
د) قرار سقوط دعوی صادر می‌شود و این قرار قطعی است.
- گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق بند ج ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی؛

مبحث یازدهم: امور اتفاقی

## - تأمین خواسته

۸۴- دعوایی به استناد یک فقره سفته طرح می‌شود، خواننده (که وکیل دارد) برای تأدیه حق الوکاله‌ای که ممکن است خواهان به پرداخت آن محکوم شود از دادگاه تقاضای تأمین می‌کند. در این صورت:

(آزمون ۱۳۸۲)

الف) دادگاه قرار تأمین صادر و دادرسی ادامه پیدا می‌کند.

ب) دادگاه قرار تأمین صادر می‌کند و دادرسی متوقف می‌ماند.

ج) خواننده نمی‌تواند برای تأمین خسارات احتمالی خود تقاضای تأمین نماید.

د) دادگاه قرار تأمین صادر و دادرسی متوقف می‌شود و در صورتی که مدت مقرر در قرار دادگاه منقضی شود و خواهان تأمین ندهد به درخواست خواننده قرار رد دادخواست خواهان صادر می‌شود.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۱۱۰ مقرر می‌دارد: «در دعوایی که مستند آنها چک یا سفته یا برات باشد و همچنین در مورد دعوی مستند به اسناد رسمی و دعوی علیه متوقف، خواننده نمی‌تواند برای تأمین خسارات احتمالی خود تقاضای تأمین نماید.»

(آزمون ۱۳۸۸)

۸۵- چنانچه پس از صدور قرار تأمین خواسته ظرف مهلت مقرر اقامه دعوی نشود:

الف) چنانچه مستند صدور قرار تأمین سند رسمی باشد مجاز به رفع اثر نیست.

ب) دادگاه به درخواست خواننده از قرار تأمین رفع اثر می‌کند.

ج) دادگاه مجاز به رفع اثر از قرار تأمین نیست.

د) دادگاه رأساً از قرار تأمین رفع اثر می‌کند.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۱۱۲ مقرر می‌دارد: «در صورتی که در خواست کننده تأمین تا ده روز از تاریخ صدور قرار تأمین نسبت به اصل دعوا دادخواست ندهد، دادگاه به درخواست خواننده، قرار تأمین را لغو می‌نماید.»

۸۶- رضا متعهد است در تاریخ ۸۱/۱۰/۱۰ مبلغ ده میلیون ریال به جواد بپردازد. در چه صورتی و در چه شرایطی جواد می‌تواند قبل از سررسید پرداخت از دادگاه تقاضای صدور قرار تأمین خواسته نماید؟

(آزمون ۱۳۸۰)

الف) اساساً نمی‌تواند قبل از سررسید چنین تقاضایی مطرح نماید.

ب) در صورتی که حق مستند به مدرک عادی بوده و در معرض تضییع و یا تفریط باشد.

ج) در صورتی که حق مستند به سند رسمی و در معرض تضییع یا تفریط باشد.

د) هرگاه حق در معرض تضییع یا تفریط باشد.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۱۱۴ مقرر می‌دارد: «نسبت به طلب یا مال معینی که هنوز موعد تسلیم آن نرسیده است، در صورتی که حق مستند به سند رسمی و در معرض تضییع یا تفریط باشد می‌توان درخواست تأمین نمود.»

۸۷- صدور قرار تأمین خواسته پیش از فرا رسیدن موعد ادای دین .... (آزمون ۱۳۹۲)

الف) در هر حال ممکن است.

ب) در هیچ صورتی ممکن نیست.

ج) در صورتی ممکن است که حق مستند به سند رسمی و خواسته در معرض تضییع یا تفریط باشد.

د) در صورتی ممکن است که حق مستند به سند رسمی باشد و خواهان حاضر شود خسارات احتمالی را تودیع نماید.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۸۸- از دادگاه درخواست تأمین شده و دادگاه آن را رد کرده است. تصمیم دادگاه: (آزمون ۱۳۸۲)

الف) قابل اعتراض نیست.

ب) ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در مرجع تجدیدنظر است.

ج) ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض است و دادگاه در اولین جلسه به آن رسیدگی می‌کند.

د) ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض است و در جلسه فوق‌العاده به آن رسیدگی می‌شود.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۱۱۵ و ۱۱۶ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۱۱۵ مقرر می‌دارد: «در صورتی که درخواست تأمین شده باشد مدیر دفتر مکلف است پرونده را فوری به نظر دادگاه برساند، دادگاه بدون اخطار به طرف، به دلایل درخواست کننده رسیدگی نموده، قرار تأمین صادر یا آن را رد می‌نماید.»

ماده ۱۱۶ مقرر می‌دارد: «قرار تأمین به طرف دعوا ابلاغ می‌شود، نامبرده حق دارد ظرف ده روز به این قرار اعتراض نماید. دادگاه در اولین جلسه به اعتراض رسیدگی نموده و نسبت به آن تعیین تکلیف می‌نماید.»

۸۹- رسیدگی دادگاه به مطالبه خسارت ناشی از اجرای قرار تأمین خواسته از محل تأمین گرفته شده، در وقت .... بعمل می‌آید.

(آزمون ۱۳۸۳)

الف) عادی

ب) خارج از نوبت

ج) دادرسی فوری

د) فوق‌العاده

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۱۲۰ مقرر می‌دارد: «در صورتی که قرار تأمین اجرا گردد و خواهان به موجب رأی قطعی محکوم به بطلان دعوا شود و یا حقی برای او به اثبات نرسد، خواننده حق دارد ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ حکم قطعی، خسارتی را که از قرار تأمین به او وارد شده است با تسلیم دلایل به دادگاه صادر کننده قرار، مطالبه کند. مطالبه خسارت در این مورد بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و پرداخت هزینه دادرسی صورت می‌گیرد. مفاد تقاضا به طرف ابلاغ می‌شود تا چنانچه دفاعی داشته باشد ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ با دلایل آن را عنوان نماید. دادگاه در وقت فوق‌العاده به دلایل طرفین رسیدگی و رأی مقتضی صادر می‌نماید. این رأی قطعی است. در صورتی که خواننده در مهلت مقرر مطالبه خسارت ننماید وجهی که بابت خسارت احتمالی سپرده شده به درخواست خواهان به او مسترد می‌شود.»

۹۰- چنانچه عین خواسته موضوع دعوی در تأمین خواسته توقیف شده باشد: (آزمون ۱۳۸۷-مرکز)

الف) در فرضی که درخواست کننده مالی را پیشنهاد دهد که از نظر قیمت و سهولت فروش از عین مال کمتر نباشد نیازی به رضایت خواهان نیست.

ب) تبدیل مال منوط به رضایت خواهان است و توقیف کننده بر فرض ورشکستگی بدهکار داخل در سایر طلبکاران گردیده ولی عین مال مشمول مستثنیات دین نمی‌گردد.

ج) تبدیل مال منوط به رضایت خواهان است و توقیف کننده بر فرض ورشکستگی بدهکار دارای حق تقدم گردیده و عین مال نیز هرگز مشمول مستثنیات دین نمی‌گردد.

د) تبدیل مال منوط به رضایت خواهان است و توقیف کننده بر فرض ورشکستگی بدهکار داری حق تقدم گردیده و مقررات مستثنیات دین شامل عین معین نیز می‌شود.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۱۲۴، ۱۲۸ و ۵۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۱۲۴ مقرر می‌دارد: «خواننده می‌تواند به عوض مالی که دادگاه می‌خواهد توقیف کند و یا توقیف کرده است، وجه نقد یا اوراق بهادار به میزان همان مال در صندوق دادگستری یا یکی از بانک‌ها ودیعه بگذارد. همچنین می‌تواند درخواست تبدیل مالی را که توقیف شده است به مال دیگر بنماید مشروط به این که مال پیشنهاد شده از نظر قیمت و سهولت فروش از مالی که قبلاً توقیف شده است کمتر نباشد. در مواردی که عین خواسته توقیف شده باشد تبدیل مال منوط به رضایت خواهان است.»

ماده ۱۲۸ مقرر می‌دارد: «در ورشکستگی چنانچه مال توقیف‌شده عین معین و مورد ادعای متقاضی تأمین باشد درخواست کننده تأمین بر سایر طلبکاران حق تقدم دارد.»

ماده ۵۲۷ مقرر می‌دارد: «چنانچه رأی دادگاه مبنی بر استرداد عین مالی باشد مشمول مقررات این فصل نخواهد بود.»

۹۱- در صورت سازش بین اصحاب دعوی دادگاه ختم دادرسی را اعلام نموده: (آزمون ۱۳۸۷- مرکز)

الف) گزارش اصلاحی تنظیم و قرار سقوط دعوی صادر می‌کند.

ب) گزارش اصلاحی تنظیم و قرار ردّ دعوی صادر می‌کند.

ج) گزارش اصلاحی صادر نموده و براساس مفاد و شرایط توافق، خوانده را محکوم می‌نماید.

د) گزارش اصلاحی صادر نموده و نیازی به صدور حکم یا قرار نمی‌باشد.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۹۲- چنانچه در اجرای قرار تأمین خواسته عین معین موضوع دعوی، توقیف و خوانده ورشکسته گردد: (آزمون ۱۳۸۴)

الف) علاوه بر اینکه تأمین کننده دارای حق تقدم است، مورد تأمین مشمول مستثنیات دین نمی‌گردد.

ب) عین معین توقیف شده صرفاً جزء مستثنیات دین محسوب نمی‌گردد.

ج) تأمین کننده مال نسبت به سایر طلبکاران صرفاً دارای حق تقدم است.

د) تأمین کننده مال به دلیل ورشکستگی خوانده دارای اولویتی نیست.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۱۲۸ و ۵۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۱۲۸ مقرر می‌دارد: «در ورشکستگی چنانچه مال توقیف شده عین معین و مورد ادعای متقاضی تأمین باشد درخواست کننده تأمین بر سایر طلبکاران حق تقدم دارد.»

ماده ۵۲۷ مقرر می‌دارد: «چنانچه رأی دادگاه مبنی بر استرداد عین مالی باشد مشمول مقررات این فصل نخواهد بود.»

### - ورود شخص ثالث

۹۳- کدام یک از دعوی زیر از جمله دعاوی طاری نیست؟

(آزمون ۱۳۸۵)

الف) اعتراض ثالث

ب) جلب ثالث

ج) دعوی متقابل

د) ورود ثالث

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۱۳۰ و ۳۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۱۳۰ مقرر می‌دارد: «هرگاه شخص ثالثی در موضوع دادرسی اصحاب دعوی اصلی برای خود مستقلاً حقی قائل باشد و یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذینفع بداند، می‌تواند تا وقتی که ختم دادرسی اعلام نشده است، وارد دعوا گردد، چه این که رسیدگی در مرحله بدوی باشد یا در مرحله تجدیدنظر. در این صورت نامبرده باید دادخواست خود را به دادگاهی که دعوا در آنجا مطرح است تقدیم و در آن منظور خود را به طور صریح اعلان نماید.»

ماده ۳۱۷ مقرر می‌دارد: «دستور موقت دادگاه به هیچ وجه تأثیری در اصل دعوا نخواهد داشت.»

۹۴- در دعوی که برای اقامه آنها مدت معینی در قوانین پیش‌بینی شده است از قبیل دعوی اعتراض بر ثبت یا تحدید حدود،

(آزمون ۱۳۸۶)

اشخاص ثالث:

الف) می‌توانند به عنوان ثالث در دعوی بین معترض و متقاضی ثبت مطروحه در مراجع قضایی وارد شوند ولی نمی‌توانند به رأی قطعی بین آنان اعتراض کنند.

ب) می‌توانند به عنوان ثالث در دعوی مطروحه بین آنان وارد شوند و یا بر رأی قطعی بین آنان اعتراض کنند.

ج) نمی‌توانند، وارد ثالث در دعوای مطروحه بین آنان وارد شوند و یا برای قطعی بین آنان اعتراض کنند.  
د) نمی‌توانند وارد ثالث شوند، لکن می‌توانند بر حکم یا قرار قطعی بین آنان در این نوع دعوای اعتراض کنند.  
گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

ک) اعتراض ثالث از طرق فوق‌العاده شکایت از آراء محسوب می‌شود نه از جمله دعوای طاری؛ دعوای تقابل، دعوای ورود ثالث، دعوای جلب ثالث و دعوای اضافی، دعوای طاری هستند.

(آزمون ۱۳۸۷ - اتحادیه)

۹۵- دعوای ورود ثالث تا چه زمانی قابل طرح است؟

الف) تا سه روز پس از اولین جلسه دادرسی

ب) تا اولین جلسه دادرسی بدوی

ج) تا قبل از اعلام ختم دادرسی در مرحله بدوی و تجدیدنظر

د) تا قبل از اعلام ختم دادرسی در مرحله بدوی

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی؛

(آزمون ۱۳۸۱)

۹۶- کدام گزینه صحیح است؟

الف) رد دعوای شخص ثالث در مرحله بدوی، مانع از ورود او در مرحله تجدیدنظر است.

ب) در صورتی که قرار رد دادخواست جلب در مرحله تجدیدنظر نقض شود، پرونده برای رسیدگی ماهوی به دادگاه صادرکننده قرار اعاده می‌شود.

ج) محکوم علیه غایب در صورتی که بخواهد درخواست جلب شخص ثالث را بنماید باید تا پایان جلسه اول دادرسی اظهار کرده و دادخواست آن را در ظرف سه روز بدهد.

د) هیچکدام

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۱۳۴ و ۱۳۶ و ۱۴۰ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۱۳۴ مقرر می‌دارد: «رد یا ابطال دادخواست و یا رد دعوای شخص ثالث مانع از ورود او در مرحله تجدیدنظر نخواهد بود. ترتیبات دادرسی در مورد شخص ثالث در هر مرحله چه نخستین یا تجدیدنظر برابر مقررات عمومی راجع به آن مرحله است.»

ماده ۱۳۶ مقرر می‌دارد: «محکوم علیه غایبی در صورتی که بخواهد درخواست جلب شخص ثالث را بنماید، باید دادخواست جلب را با دادخواست اعتراض توأماً به دفتر دادگاه تسلیم کند، معترض علیه نیز حق دارد در اولین جلسه رسیدگی به اعتراض، جهات و دلایل خود را اظهار کرده و ظرف سه روز دادخواست جلب شخص ثالث را تقدیم دادگاه نماید.»

ماده ۱۴۰ مقرر می‌دارد: «قرار رد دادخواست جلب شخص ثالث، با حکم راجع به اصل دعوا قابل تجدیدنظر است. در صورتی که قرار در مرحله تجدیدنظر فسخ شود، پس از فسخ قرار، رسیدگی به آن با دعوای اصلی، در دادگاهی که به عنوان تجدیدنظر رسیدگی می‌نماید، به عمل می‌آید.»

Www.Magazine.Shme.ir

- جلب شخص ثالث

(آزمون ۱۳۸۸)

۹۷- در صورتی که محکوم علیه غایبی بخواهد درخواست جلب ثالث کند باید:

الف) از محکوم علیه غایبی دادخواست جلب ثالث پذیرفته نمی‌شود.

ب) دادخواست اعتراض (واخواهی) را همراه با دادخواست جلب ثالث توأماً به دفتر دادگاه تسلیم می‌کند.

ج) در جلسه اول که به منظور رسیدگی به واخواهی تعیین شده است جهات و دلایل را اظهار و ظرف ۳ روز دادخواست به دادگاه بدهد.

د) ضمن دادخواست واخواهی (اعتراض) درخواست جلب ثالث کند.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی؛

(آزمون ۱۳۸۹)

۹۸- در مرحله واخواهی، واخوانده:

الف) حق جلب شخص ثالث را ندارد.

ب) باید در اولین جلسه رسیدگی به اعتراض، دادخواست جلب شخص ثالث را به دادگاه تقدیم کند.

ج) باید ظرف سه روز از تاریخ ابلاغ وقت رسیدگی به واخواهی دادخواست جلب ثالث را تقدیم دارد.

د) باید در اولین جلسه رسیدگی به اعتراض، جهات و دلایل خود را اظهار کرده و ظرف سه روز دادخواست جلب ثالث را تقدیم دارد.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق قسمت اخیر ماده ۱۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۹۹- ثالثی که به درخواست یکی از اصحاب دعوی جلب به دادرسی می‌شود چه موقعیتی در دادرسی دارد؟ (آزمون ۱۳۸۸)

الف) موقعیت خوانده (ب) موقعیت خواهان

ج) موقعیت گواه (د) موقعیت خواهان یا خوانده حسب مورد

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۱۳۹ مقرر می‌دارد: «شخص ثالث که جلب می‌شود خوانده محسوب و تمام مقررات راجع به خوانده درباره او جاری است. هرگاه دادگاه احراز نماید که جلب شخص ثالث به منظور تأخیر رسیدگی است می‌تواند دادخواست جلب را از دادخواست اصلی تفکیک نموده به هر یک جداگانه رسیدگی کند.»

#### - دعوای متقابل

۱۰۰- هرگاه دعوایی به شکل دعوای متقابل، اما پس از اولین جلسه دادرسی در دادگاه مطرح شود که به دعوای اصلی رسیدگی می‌کند، دادگاه:

(آزمون ۱۳۸۳)

الف) باید قرار رد آن را صادر کند.

ب) باید قرار رد دادخواست را صادر کند.

ج) اگر صلاحیت ذاتی و محلی دارد باید جداگانه به آن رسیدگی کند.

د) اگر صلاحیت ذاتی دارد باید به آن رسیدگی کند حتی اگر صلاحیت محلی نداشته باشد.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۱۴۱ مقرر می‌دارد: «خوانده می‌تواند در مقابل ادعای خواهان، اقامه دعوا نماید. چنین دعوایی در صورتی که با دعوای اصلی ناشی از یک منشاء بوده یا ارتباط کامل داشته باشد، دعوای متقابل نامیده شده و توأماً رسیدگی می‌شود و چنانچه دعوای متقابل نباشد در دادگاه صالح به طور جداگانه رسیدگی خواهد شد. بین دو دعوا وقتی ارتباط کامل موجود است که اتخاذ تصمیم در هر یک مؤثر در دیگری باشد.»

(آزمون ۱۳۸۶)

۱۰۱- کدام یک از گزینه‌های ذیل دعوی متقابل محسوب می‌شود؟

الف) دعوی تهاتر (ب) دعوی صلح

ج) دعوی فسخ (د) هیچکدام

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۴۲ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۱۴۲ مقرر می‌دارد: «دعوای متقابل به موجب دادخواست اقامه می‌شود. لیکن دعوی تهاتر، صلح، فسخ، ردخواست و امثال آن که برای دفاع از دعوای اصلی اظهار می‌شود، دعوای متقابل محسوب نمی‌شود و نیاز به تقدیم دادخواست جداگانه ندارد.»

مبحث دوازدهم: دعوای تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت

۱۰۲- کسی که راجع به مالکیت یا اصل حق ارتفاق و انتقال ملکی اقامه دعوی کرده و دعوی وی رد شده است: (آزمون ۱۳۸۵)

الف) می تواند نسبت به تصرف عدوانی و ممانعت از حق طرح دعوی نماید.

ب) نمی تواند نسبت به تصرف عدوانی و ممانعت از حق طرح دعوی نماید.

ج) فقط می تواند نسبت به ممانعت از حق طرح دعوی نماید.

د) فقط می تواند نسبت به تصرف عدوانی طرح دعوی نماید.

گزینه «ب» صحیح می باشد، مطابق ماده ۱۶۳ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۱۶۳ مقرر می دارد: «کسی که مالکیت یا اصل حق ارتفاق و انتقال اقامه دعوا کرده است، نمی تواند نسبت به تصرف عدوانی و ممانعت از حق، طرح دعوا نماید.»

۱۰۳- در صورتی که مال غیرمنقولی به نحو اشتراک در تصرف چند نفر باشد و بعضی از آنان مانع تصرف بعضی دیگر شود عمل آنان .... (آزمون ۱۳۸۸)

الف) در حکم تصرف عدوانی است و مشمول مقررات راجع به دعاوی تصرف عدوانی در قانون آیین دادرسی مدنی است.

ب) در صورتی عدوانی محسوب می شود که سهم هر یک معلوم باشد.

ج) تصرف عدوانی تلقی نمی شود زیرا هر یک از آنان در اجزای مال سهیم هستند.

د) در حکم تصرف عدوانی است اما چون مالکیت طرفین مشاعی است دعوی رفع تصرف عدوانی مسموع نیست.

گزینه «الف» صحیح می باشد، مطابق ماده ۱۶۷ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۱۶۷ مقرر می دارد: «در صورتی که دو یا چند مال غیرمنقولی را بطور مشترک در تصرف داشته یا استفاده می کرده اند و بعضی از آنان مانع تصرف یا استفاده و یا مزاحم استفاده بعضی دیگر شود حسب مورد در حکم تصرف عدوانی یا مزاحمت یا ممانعت از حق محسوب و مشمول مقررات این فصل خواهد بود.»

۱۰۴- برای رفع تصرف عدوانی سرایدار یا امین، در صورتی می توانیم از مقررات قانون تصرف عدوانی استفاده کنیم که: (آزمون ۱۳۸۷-مرکز)

الف) یک ماه از تاریخ ابلاغ اظهارنامه مبنی بر مطالبه مال گذشته باشد و متصرف رفع تصرف نکند.

ب) ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه مبنی بر مطالبه مال گذشته باشد و متصرف رفع تصرف نکند.

ج) ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه مبنی بر مطالبه مال گذشته باشد و متصرف رفع تصرف نکند و شاکی ظرف یک ماه بعد از انقضای ۱۰ روز طرح دعوی نماید.

د) نیازی به ارسال اظهارنامه نیست ولی شاکی باید ثابت کند دارای سبق تصرف حداقل به مدت یک سال بوده است.

گزینه «ب» صحیح می باشد، مطابق ماده ۱۷۱ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون جلوگیری از تصرف عدوانی مصوب ۱۳۵۲؛

ماده ۱۷۱ مقرر می دارد: «سرایدار، خادم، کارگر و بطور کلی هر امین دیگری، چنانچه پس از ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه مالک یا مأذون از طرف مالک یا کسی که حق مطالبه دارد مبنی بر مطالبه مال امانی، از آن رفع تصرف ننماید، متصرف عدوانی محسوب می شود.

تبصره- دعوی تخلیه مربوط به معاملات با حق استرداد و رهنی و شرطی و نیز در مواردی که بین صاحب مال و امین یا متصرف قرارداد و شرایط خاصی برای تخلیه یا استرداد وجود داشته باشد، مشمول مقررات این ماده نخواهند بود.»

ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون جلوگیری از تصرف عدوانی مقرر می دارد: «مستأجر پس از انقضای مدت اجاره همچنین سرایدار (خادم) (کارگر) و به طور کلی هر امین دیگری که در صورت مطالبه مالک یا مأذون از طرف او یا کسی که حق مطالبه دارد از عین مستأجره یا مال امانی رفع تصرف ننماید با رعایت بندهای زیر متصرف عدوانی محسوب می شود و مطابق مقررات این قانون با او رفتار خواهد شد.

۱- مستأجر در صورتی که اظهارنامه رسمی خلع نماید حداقل یک ماه قبل از انقضای مدت اجاره ابلاغ شده باشد پس از انقضای مدت اجاره والایک ماه پس از ابلاغ اظهارنامه رسمی.

۲- در مورد سایرین ده روز پس از ابلاغ اظهارنامه رسمی.

ابلاغ اظهارنامه رسمی فوق به وسیله دادگاه بخش یا شهرستان یا اداره ثبت اسناد یا دفتر اسناد رسمی و یا ژاندارمری محل به عمل می‌آید. تبصره - در دعوی تخلیه عین مستأجره از طرف موجر در نقاطی که قانون روابط مالک و مستأجر اجرا می‌شود و در دعوی تخلیه در معاملات رهنی و شرطی و یا حق استرداد و نیز در مواردی که بین صاحب مال و امین یا متصرف، قرارداد و شرایط خاصی برای تخلیه یا استرداد باشد مقررات این ماده اجرا نخواهد شد.»

۱۰۵- قید یا عدم قید قطعیت در پایان حکم رفع تصرف عدوانی صادره از دادگاه عمومی: (آزمون ۱۳۸۳)

الف) مانع اجرای حکم است، حتی اگر محکوم علیه تجدیدنظرخواهی نکند.

ب) مانع اجرای حکم است، حتی اگر محکوم علیه تجدیدنظرخواهی نکند.

ج) مانع اجرای حکم نیست، اگرچه محکوم علیه تجدیدنظرخواهی نکند.

د) مانع اجرای حکم نیست، اگر محکوم علیه تجدیدنظرخواهی نکند.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، با استنباط از ماده ۱۷۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۱۷۵ مقرر می‌دارد: «در صورتی که رأی صادره مبنی بر رفع تصرف عدوانی یا مزاحمت یا ممانعت از حق باشد، بلافاصله به دستور مرجع صادرکننده، توسط اجرای دادگاه یا ضابطین دادگستری اجرا خواهد شد و درخواست تجدیدنظر مانع اجرا نمی‌باشد. در صورت فسخ رأی در مرحله تجدیدنظر، اقدامات اجرایی به دستور دادگاه اجرا کننده حکم به حالت قبل از اجرا اعاده می‌شود و در صورتی که محکوم به، عین معین بوده و استرداد آن ممکن نباشد، مثل یا قیمت آن وصول و تأدیه خواهد شد.»

۱۰۶- تجدیدنظرخواهی از کدام حکم مانع اجرا نیست؟ (آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

الف) رفع تصرف عدوانی

ب) الزام به {تسلیم} مبیع

ج) الزام به تنظیم سند رسمی

د) خلع ید

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۷۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۱۰۷- از دادگاه بدوی حکمی مبنی بر رفع تصرف عدوانی صادر شده است، این حکم: (آزمون ۱۳۸۸)

الف) پس از ابلاغ قابل اجراست.

ب) بلافاصله قابل اجراست.

ج) فقط پس از قطعیت قابل اجراست.

د) بلافاصله پس از صدور و با اخذ تأمین از محکوم له قابل اجراست.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۷۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۱۰۸- کدام عبارت صحیح است؟ (آزمون ۱۳۸۹)

الف) رأی رفع تصرف عدوانی پس از قطعیت لازم‌الاجرا است

ب) رأی رفع تصرف عدوانی قبل از قطعیت و پس از صدور اجراییه قابل اجرا است.

ج) رأی رفع تصرف عدوانی قبل از قطعیت و به دستور مرجع صادرکننده قابل اجرا است.

د) رأی رفع تصرف عدوانی فقط پس از قطعیت و بعد از صدور اجراییه لازم‌الاجرا است.

۱. در متن اصلی، اشتهاهاً به جای «تسلیم»، کلمه «تصمیم» درج شده است.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۷۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۱۰۹- چنانچه حکم حضوری بر رفع تصرف عدوانی صادر شود، این حکم قطعی ..... و ..... (آزمون ۱۳۹۲)

الف) نیست - تنها پس از قطعیت اجرا می‌شود.

ب) نیست - تنها پس از نهای شدن اجرا می‌شود.

ج) است - پس از ابلاغ بلافاصله اجرا می‌شود.

د) نیست - پس از ابلاغ بلافاصله اجرا می‌شود.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۷۵ و بند ب ماده ۳۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی؛

### مبحث سیزدهم: سازش و درخواست آن

۱۱۰- کدام گزینه صحیح است؟

(آزمون ۱۳۸۴)

الف) سازش فقط در دادگاه به موجب صورتجلسه رسمی صحیح است.

ب) سازش رسمی یا غیررسمی در خارج از دادگاه در هر حال اعتبار ندارد.

ج) سازش بین طرفین فقط در صورتی معتبر است که مستند به سند رسمی باشد.

د) سازش غیررسمی خارج از دادگاه در صورتی معتبر است که طرفین در دادگاه حاضر شده و به صحت آن اقرار نمایند.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۸۳ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۱۸۳ مقرر می‌دارد: «هرگاه سازش خارج از دادگاه واقع شده و سازش نامه غیررسمی باشد طرفین باید در دادگاه حاضر شده و به صحت آن اقرار نمایند. اقرار طرفین در صورت مجلس نوشته شده و به امضای دادرس دادگاه و طرفین می‌رسد در صورت عدم حضور طرفین می‌رسد در صورت عدم حضور طرفین در دادگاه بدون عذر موجه دادگاه بدون توجه به مندرجات سازش نامه دادرسی را ادامه خواهد داد.»

(آزمون ۱۳۸۴)

۱۱۱- دادگاه بعد از توافق و سازش طرفین:

الف) صرفاً گزارش اصلاحی تنظیم می‌نماید و مفاد آن بدون صدور حکم یا قرار قابل اجراست.

ب) بر اساس مفاد سازش طرفین حکم صادر می‌نماید. این حکم قطعی است.

ج) قرار سقوط دعوی صادر می‌کند.

د) قرار ردّ دعوی صادر می‌کند.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۱۸۴ مقرر می‌دارد: «دادگاه پس از حصول سازش بین طرفین به شرح فوق رسیدگی را ختم و مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می‌نماید مفاد سازش نامه که طبق مفاد فوق تنظیم می‌شود نسبت به طرفین و وراثت و قائم مقام قانونی آنها نافذ و معتبر است و مانند احکام دادگاه‌ها به موقع اجرا گذاشته می‌شود، چه این که مورد سازش مخصوص به دعوی مطرح بوده یا شامل دعوی یا امور دیگری باشد.»

ماده ۱۹۳ مقرر می‌دارد: «در صورت حصول سازش بین طرفین برابر مقررات مربوط به سازش در دادگاه عمل خواهد شد.

تبصره- درخواست سازش با پرداخت هزینه دادرسی دعوی غیرمالی و بدون تشریفات مطرح و مورد بررسی قرار خواهد گرفت.»

۶۵ رجوع کنید به مهاجری، دکتر علی، مبسوط در آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، شماره ۸۳۶.

(آزمون ۱۳۸۰)

۱۱۲- درخواست سازش بین متداعیین ...:

الف) بدون پرداخت هزینه و با رعایت قانون آیین دادرسی مدنی مطرح و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ب) بدون پرداخت هزینه و بدون تشریفات مطرح و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. در متن اصلی، اشتباهاً به جای «صادر»، کلمه «ساقط» ذکر شده است.

- ج) با پرداخت هزینه دعای غیرمالی و بدون تشریفات مطرح و مورد بررسی قرار می‌گیرد.  
 د) با پرداخت هزینه دعای مالی و بدون تشریفات مطرح و مورد بررسی قرار می‌گیرد.  
 گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی؛

### مبحث چهاردهم: رسیدگی به دلایل

#### - کلیات

۱۱۳- دلایلی که برای اثبات ایقاعات اقامه می‌شود تابع قوانین چه زمانی است؟ (آزمون ۱۳۸۹)

الف) زمان اقامه دعوا

ب) زمان انشاء ایقاع

ج) زمان رسیدگی به دعوا

د) تشخیص قوانین حاکم بر دعوا بر عهده دادگاه است.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۱۹۵ مقرر می‌دارد: «دلایلی که برای اثبات عقود یا ایقاعات یا تعهدات یا قراردادهای اقامه می‌شود، تابع قوانینی است که در موقع انعقاد آنها مجری بوده است، مگر این که دلایل مذکور از ادله شرعی‌ای باشد که مجری نبوده و یا خلاف آن در قانون تصریح شده باشد.»

۱۱۴- دلایلی که برای اثبات ضمان قهری اقامه می‌شود تابع کدام قانون است؟ (آزمون ۱۳۸۸)

الف) قانون زمان اجرای حکم

ب) قانون زمان طرح دعوی

ج) قانون حاکم بر زمان تحقق واقعه موجب ضمان

د) قانون زمان صدور حکم

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۱۹۶ مقرر می‌دارد: «دلایلی که برای اثبات وقایع خارجی از قبیل ضمان قهری، نسب و غیره اقامه می‌شود، تابع قانونی است که در موقع طرح دعوا مجری می‌باشد.»

۱۱۵- اقرار در دادخواست، اقرار در دادگاه محسوب ... و اقرار در لایحه تقدیمی به دادگاه، اقرار در دادگاه محسوب ... (آزمون ۱۳۹۲)

الف) می‌شود - می‌شود.

ب) می‌شود - نمی‌شود.

ج) نمی‌شود - می‌شود.

د) نمی‌شود - نمی‌شود.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۱۱۶- چنانچه دلایل و مدافعات طرفین برای اقناع قاضی جهت صدور رأی کافی نباشد ولی کشف حقیقت با اقدامات و تحقیقاتی که دادگاه می‌تواند مستقیماً انجام دهد امکان‌پذیر باشد:

(آزمون ۱۳۸۴)

الف) دادگاه بایستی قرار توقیف دادرسی تا ارائه ادله جدید توسط خواهان صادر نماید.

ب) دادگاه بایستی هرگونه اقدام یا تحقیقی را که لازم بداند برای کشف حقیقت انجام دهد.

ج) چون تحصیل دلیل بر امور حقوقی برای دادگاه ممنوع است لذا بایستی دعوی خواهان را رد نماید.

د) هیچکدام

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۲۰۵ مقرر می‌دارد: «اقرار وکیل علیه موکل خود نسبت به اموری که قاطع دعوا است پذیرفته نمی‌شود اعم از این که اقرار در دادگاه یا خارج از دادگاه به عمل آمده باشد.»

#### - اقرار

##### ۱۱۷- اقرار وکیل علیه موکل خود:

(آزمون ۱۳۸۴)

- الف) فقط در اموری که قاطع دعوی نیست پذیرفته می‌شود چه در دادگاه بعمل آمده باشد چه خارج از آن.  
ب) فقط در اموری که قاطع دعوی است پذیرفته می‌شود چه در دادگاه بعمل آمده باشد چه در خارج آن.  
ج) اگر در دادگاه بعمل آمده باشد مطلقاً پذیرفته می‌شود.  
د) مطلقاً پذیرفته نمی‌شود.

##### گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۲۰۷ مقرر می‌دارد: «سندی که در دادگاه ابراز می‌شود ممکن است به نفع طرف مقابل دلیل باشد، در این صورت هرگاه طرف مقابل به آن استناد نماید ابراز کننده سند حق ندارد آن را پس بگیرد و یا از دادگاه درخواست نماید سند او را نادیده بگیرد.»

#### - اسناد

##### ۱۱۸- استرداد سند در جریان دادرسی:

(آزمون ۱۳۸۹)

- الف) مطلقاً مجاز است.  
ب) در صورتی مجاز است که سند به نفع طرف مقابل باشد.  
ج) در صورتی مجاز نیست که به نفع طرف مقابل دلیل نباشد و او به آن استناد نکرده باشد.  
د) در صورتی مجاز نیست که به نفع طرف مقابل دلیل باشد و او (طرف مقابل) به آن سند استناد کرده باشد.  
گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۲۰۹ مقرر می‌دارد: «هرگاه سند معینی که مدرک ادعا یا اظهار یکی از طرفین است نزد طرف دیگر باشد، به درخواست طرف، باید آن سند ابراز شود. هرگاه طرف مقابل به وجود سند نزد خود اعتراف کند ولی از ابراز آن امتناع نماید، دادگاه می‌تواند آنرا از جمله قرائن مثبت بداند.»

##### ۱۱۹- هرگاه طرف مقابل به وجود سندی نزد خود اعتراف کند ولی از ابراز آن استنکاف نماید ..... (آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

- الف) دادگاه می‌تواند آنرا از جمله قرائن مثبت بداند.  
ب) دادگاه می‌تواند آن را از جمله دلایل بداند.  
ج) دادگاه طرف را مکلف به ارائه می‌کند.  
د) دادگاه سند را از عداد دلایل خارج می‌کند.

##### گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۲۲۰ مقرر می‌دارد: «ادعای جعلیت و دلایل آن به دستور دادگاه به طرف مقابل ابلاغ می‌شود. در صورتی که طرف به استفاده از سند باقی باشد، موظف است ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، اصل سند موضوع ادعای جعل را به دفتر دادگاه تسلیم نماید. مدیر دفتر پس از دریافت سند، آن را به نظر قاضی دادگاه رسانیده و دادگاه آن را فوری مهر و موم می‌نماید. چنانچه در موعد مقرر صاحب سند از تسلیم آن به دفتر خودداری کند، سند از عداد دلایل او خارج خواهد شد.»

تبصره- در مواردی که وکیل یا نماینده قانونی دیگری در دادرسی مداخله داشته باشد، چنانچه دسترسی به اصل سند نداشته باشد حق استمهال دارد و دادگاه مهلت مناسبی برای ارائه اصل سند به او می‌دهد.»

۱۲۰- چنانچه نسبت به سند خواهان ادعای جعل شود و در اولین جلسه دادرسی اصل آن ارائه نگردد .... (آزمون ۱۳۹۲)

الف) دادخواست خواهان ابطال می‌شود.

ب) در هر حال سند از عداد دلایل خارج می‌شود و خواهان محکوم می‌شود.

ج) خواهان باید ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ ادعای جعل اصل سند را به دفتر دادگاه تسلیم نماید البته اگر سند رسمی باشد.

د) خواهان باید ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ ادعای جعل، اصل سند را به دفتر دادگاه تسلیم نماید حتی اگر سند عادی باشد.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۱۲۱- هرگاه مستند دعوا سند عادی باشد و در اولین جلسه دادرسی خواهان اصل سند را همراه نداشته باشد و نسبت به آن ادعای جعل شود ....

الف) قرار ابطال دادخواست صادر می‌شود.

ب) سند از عداد دلایل خارج می‌شود.

ج) اگر دادخواست مستند به دلیل دیگری نباشد ابطال می‌شود.

د) به خواهان ده روز مهلت داده می‌شود که اصل سند را به دفتر دادگاه تسلیم کند.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۲۲۷ مقرر می‌دارد: «چنانچه مدعی جعلیت سند در دعوای حقوقی، شخص معینی را به جعل سند مورد استناد متهم کند، دادگاه به هر دو ادعا یک جا رسیدگی می‌نماید. در صورتی که دعوای حقوقی در جریان رسیدگی باشد، رأی قطعی کیفری نسبت به اصالت یا جعلیت سند، برای دادگاه متبع خواهد بود. اگر اصالت یا جعلیت سند به موجب رأی قطعی کیفری ثابت شده و سند یادشده مستند دادگاه در امر حقوقی باشد، رأی کیفری برابر مقررات مربوط به اعاده دادرسی قابل استفاده می‌باشد. هرگاه در ضمن رسیدگی، دادگاه از طرح ادعای جعل مرتبط با دعوای حقوقی در دادگاه دیگری مطلع شود، موضوع به اطلاع رییس حوزه قضایی می‌رسد تا با توجه به سبق ارجاع برای رسیدگی توأم اتخاذ تصمیم نماید.»

۱۲۲- چنانچه بعد از صدور حکم قطعی دادگاه در دعوای حقوقی، جعلیت مستند حکم به موجب رأی قطعی کیفری ثابت گردد:

(آزمون ۱۳۸۱)

الف) حکم حقوقی دیگر قابل احراز نیست.

ب) حکم حقوقی باطل و بی اعتبار است.

ج) از حکم حقوقی می‌توان درخواست اعاده دادرسی کرد.

د) حکم حقوقی ظرف ۲۰ روز از تاریخ رأی کیفری قابل تجدیدنظر مجدد است.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۲۲۸ مقرر می‌دارد: «پس از ادعای جعلیت سند، تردید یا انکار نسبت به آن سند پذیرفته نمی‌شود، ولی چنانچه پس از تردید یا انکار سند، ادعای جعل شود فقط به ادعای جعل رسیدگی خواهد شد.

در صورتی که ادعای جعل یا اظهارنظر تردید و انکار نسبت به سند شده باشد، دیگر ادعای پرداخت وجه آن سند یا انجام هر نوع تعهدی نسبت به آن پذیرفته نمی‌شود و چنانچه نسبت به اصالت سند همراه با دعوای پرداخت وجه یا انجام تعهد، تعرض شود فقط به ادعای پرداخت وجه یا انجام تعهد رسیدگی خواهد شد و تعرض به اصالت قابل رسیدگی نمی‌باشد.»

(آزمون ۱۳۸۵)

۱۲۳- کدام یک از گزینه‌های زیر در ارتباط با ادعای جعلیت سند صحیح است؟

الف) در صورت ادعای جعلیت سند، ارائه کننده سند باید اصالت آن را اثبات نماید.

ب) به ادعای جعلیت سند پس از انکار آن سند رسیدگی نمی‌شود.

ج) ادعای جعلیت سند بدهی، مانع از ادعای پرداخت آن دین نیست و به هر دو ادعا رسیدگی می‌شود.

د) در صورت ادعای جعلیت سند دین همراه با ادعای پرداخت دین، فقط به ادعای پرداخت دین رسیدگی می‌شود.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۱۲۴- چنانچه پس از تردید یا انکار سند، خواننده نسبت به همان سند ادعای جعل نماید، دادگاه به کدام یک رسیدگی خواهد کرد؟

(آزمون ۱۳۸۸)

الف) به انکار یا تردید و جعل هر سه رسیدگی خواهد کرد.

ب) فقط به انکار یا تردید رسیدگی خواهد نمود.

ج) فقط به ادعای جعل رسیدگی می‌کند.

د) دادگاه مخیر است به هر کدام از ادعاها رسیدگی کند.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق صدر ماده ۲۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۱۲۵- کدام عبارت در مورد تعرض به اصالت اسناد عادی صحیح است؟ (آزمون ۱۳۹۰)

الف) اظهار کننده تردید بایستی بر طبق اظهار خود دلیل بیاورد.

ب) منکر اصالت سند بایستی بر طبق اظهار خود دلیل بیاورد.

ج) در صورت انکار، ارائه کننده سند عادی بایستی برای اثبات اصالت سند دلیل بیاورد.

د) در صورت ادعای جعل، ارائه کننده سند بایستی برای اثبات اصالت آن دلیل بیاورد.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۲۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی؛

(آزمون ۱۳۸۹)

۱۲۶- کدام یک از عبارات زیر صحیح است؟

الف) پس از انکار یا تردید نسبت به سند، ادعای جعلیت مسموع نیست.

ب) پس از ادعای جعلیت سند، انکار یا تردید نسبت به آن سند، مسموع نیست.

ج) در صورت انکار یا تردید نسبت به یک سند همراه با ادعای پرداخت وجه آن، ادعای اخیر مسموع نخواهد بود.

د) بعد از ادعای جعلیت سند، در صورتی که نسبت به آن سند، انکار یا تردید شود فقط به ادعای اخیر رسیدگی می‌شود.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۲۹ تا ۲۴۷ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۲۲۹ مقرر می‌دارد: «در مواردی که دلیل اثبات دعوا یا مؤثر در اثبات آن، گواهی گواهان باشد برابر مواد زیر اقدام می‌گردد.»

www.Magazine.Shme.ir

- گواهی

۱۲۷- اگر خواهان برای اثبات ادعای خود اقامه بیّنه نماید، دادگاه با چه تکلیفی مواجه است؟ (آزمون ۱۳۸۹)

الف) دادگاه باید مطابق بیّنه حکم صادر نماید.

ب) دادگاه باید در صورت عدم بیّنه معارض، حکم صادر نماید.

ج) دادگاه باید در صورت عدم بیّنه معارض، چنانچه دعوا بر میت نباشد، حکم صادر نماید.

د) دادگاه باید در صورت عدم بیّنه معارض، چنانچه دعوا بر محجور نباشد، حکم صادر نماید.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق بند ج ماده ۲۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی؛

بند ج ماده ۲۳۰ مقرر می‌دارد: «... دعاوی که اطلاع بر آنها معمولاً در اختیار زنان است از قبیل ولادت، رضاع، بکارت، عیوب درونی زنان با گواهی چهار زن، دو مرد یا یک مرد و دو زن...»

۱۲۸- اثبات دعاوی که اطلاع آنها معمولاً در اختیار زنان است از قبیل ولادت، رضاع، عیوب درونی زنان با گواهی ..... ممکن است.

(آزمون ۱۳۸۰)

الف) یک زن

ب) سه زن

ج) چهار زن

د) یک مرد و یک زن

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۳۴ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۲۳۴ مقرر می‌دارد: «هر یک از اصحاب دعوا می‌توانند گواهان طرف خود را با ذکر علت جرح نمایند. چنانچه پس از صدور رأی برای دادگاه معلوم شود که قبل از ادای گواهی جهات جرح وجود داشته ولی بر دادگاه مخفی مانده و رأی صادر هم مستند به آن گواهی بوده، مورد از موارد نقض می‌باشد و چنانچه جهات جرح بعد از صدور رأی حادث شده باشد، مؤثر در اعتبار رأی دادگاه نخواهد بود.

تبصره- در صورتی که طرف دعوا برای جرح گواه از دادگاه استمهال نماید دادگاه حداکثر به مدت یک هفته مهلت خواهد داد.»

۱۲۹- در صورتی که خواننده برای جرح گواهان خواهان از دادگاه درخواست مهلت نماید:

(آزمون ۱۳۸۱)

الف) جرح شاهد بی‌اثر است.

ب) دادگاه حداکثر یک هفته به خواننده مهلت می‌دهد.

ج) دادگاه حداکثر بیست روز به خواننده مهلت می‌دهد.

د) دادگاه در صورت موافقت خواهان جلسه دادرسی را تجدید می‌کند.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۲۴۲ مقرر می‌دارد: «دادگاه می‌تواند به درخواست یکی از اصحاب دعوا همچنین در صورتی که مقتضی بداند گواهان را احضار نماید. در ابلاغ احضاریه، مقرراتی که برای ابلاغ اوراق قضایی تعیین شده رعایت می‌گردد و باید حداقل یک هفته قبل از تشکیل دادگاه به گواه یا گواهان ابلاغ شود.»

۱۳۰- حداقل فاصله زمانی تاریخ ابلاغ احضاریه به گواه با جلسه رسیدگی چندروز است؟ (آزمون ۱۳۸۸)

الف) سه روز

ب) پنج روز

ج) هفت روز

د) ده روز

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۴۳ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۲۴۳ مقرر می‌دارد: «گواهی که برابر قانون احضار شده است، چنانچه در موعد مقرر حضور نیابد، دوباره احضار خواهد شد.»

۱۳۱- در صورتی که گواه پس از احضار در امر حقوقی، حاضر نشود:

(آزمون ۱۳۸۵)

الف) احضار مجدد وی ممکن نیست.

ب) برای بار دوم احضار خواهد شد.

ج) جلب می‌شود.

د) بار دوم احضار و در صورت عدم حضور جلب می‌شود.

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

- معاینه محل و تحقیق محلی

(آزمون ۱۳۸۰)

۱۳۲- اطلاعات حاصل از تحقیق و معاینه محل، همانند اطلاعات حاصل از:

- الف) شهادت شهود است. (ب) قسم است.  
ج) امارات قانونی است. (د) امارات قضایی است.

گزینه «الف» صحیح می باشد، مطابق ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛

(آزمون ۱۳۸۶)

۱۳۳- تحقیقات محلی جزء کدام یک از ادله محسوب می شود؟

- الف) اماره قضایی (ب) اسناد کتبی  
ج) شهادت (د) اماره قانونی

گزینه «ب» صحیح می باشد، مطابق ماده ۲۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۲۵۶ مقرر می دارد: «عدم تهیه وسیله اجرای قرار معاینه محل یا تحقیق محلی توسط متقاضی، موجب خروج آن از عداد دلایل وی می باشد. و اگر اجرای قرار مذکور را دادگاه لازم بداند، تهیه وسایل اجرا در مرحله بدوی با خواهان دعوا و در مرحله تجدیدنظر با تجدیدنظرخواه می باشد. در صورتی که به علت عدم تهیه وسیله، اجرای قرار مقدور نباشد و دادگاه بدون آن نتواند انشاء رأی نماید دادخواست بدوی ابطال و در مرحله تجدیدنظر، تجدیدنظرخواهی متوقف، ولی مانع اجرای حکم بدوی نخواهد بود.»

۱۳۴- چنانچه در مرحله بدوی، دادگاه اجرای قرار معاینه محل را لازم بداند و طرفین هم متقاضی معاینه محل نباشند، در صورتی که به علت عدم تهیه وسیله، اجرای قرار مقدور نباشد و دادگاه بدون آن نتواند رأی دهد در این صورت: (آزمون ۱۳۸۱)

الف) دعوا رد می شود. (ب) دادخواست ابطال می شود.

ج) رسیدگی متوقف می شود. (د) معاینه محل از عداد دلایل خارج می شود.

گزینه «ب» صحیح می باشد، مطابق ماده ۲۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۱۳۵- در مواردی که قرار کارشناسی به تشخیص دادگاه تجدیدنظر صادر می شود و دادگاه نیز نمی تواند بدون نظر کارشناس رأی صادر نماید: (آزمون ۱۳۹۰)

الف) عدم پرداخت هزینه کارشناسی موجب تأیید رأی بدوی به لحاظ فقد دلیل می شود.

ب) عدم پرداخت هزینه کارشناسی توسط تجدیدنظرخواه موجب توقف رسیدگی تجدیدنظر می شود.

ج) عدم پرداخت هزینه کارشناسی توسط تجدیدنظرخواه موجب ابطال دادخواست تجدیدنظر می شود.

د) عدم پرداخت هزینه کارشناسی توسط تجدیدنظرخواه موجب خروج کارشناسی از عداد دلایل تجدیدنظرخواه و صدور قرار رد دعوی تجدیدنظر می شود.

گزینه «ب» صحیح می باشد. مطابق ماده ۲۵۹ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۲۵۹- ابداع دستمزد کارشناس به عهده متقاضی است و هرگاه ظرف مدت یک هفته از تاریخ ابلاغ آن را پرداخت نکند، کارشناسی از عداد دلایل وی خارج می شود.

هرگاه قرار کارشناسی بنظر دادگاه باشد و دادگاه نیز نتواند بدون انجام کارشناسی انشاء رأی نماید، پرداخت دستمزد کارشناسی در مرحله بدوی به عهده خواهان و در مرحله تجدیدنظر به عهده تجدیدنظرخواه است، در صورتی که در مرحله بدوی دادگاه نتواند بدون نظر کارشناس حتی با سوگند نیز حکم صادر نماید، دادخواست ابطال می گردد و اگر در مرحله تجدیدنظر باشد تجدیدنظرخواهی متوقف ولی مانع اجرای حکم بدوی نخواهد بود.

(آزمون ۱۳۸۹)

۱۳۶- عدم تهیه وسیله اجرای قرار معاینه محل یا تحقیق محلی:

الف) در صورتی که اجرای قرارهای مذکور را دادگاه لازم بداند قرار رد دعوی بدوی صادر می گردد.

ب) در صورتی که اجرای قرارهای مذکور را دادگاه لازم بداند قرار ابطال دادخواست بدوی صادر می گردد.

ج) در صورتی که اجرای قرارهای مذکور به درخواست خواهان باشد موجب صدور قرار ابطال دادخواست بدوی می‌گردد.  
د) در صورتی که اجرای قرارهای مذکور به درخواست تجدیدنظرخواه باشد قرار ابطال دادخواست تجدیدنظرخواهی صادر می‌گردد.

**گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی؛**

ماده ۲۶۲ مقرر می‌دارد: «کارشناس باید در مدت مقرر نظر خود را کتباً تقدیم دارد، مگر این که موضوع از اموری باشد که اظهار نظر در آن مدت میسر نباشد. در این صورت به تقاضای کارشناس دادگاه مهلت مناسب دیگری تعیین و به کارشناس و طرفین اعلام می‌کند. در هر حال اظهار نظر کارشناس باید صریح و موجه باشد.

هرگاه کارشناس ظرف مدت معین نظر خود را کتباً تقدیم دادگاه ننماید، کارشناس دیگری تعیین می‌شود. چنانچه قبل از انتخاب یا اخطار به کارشناس دیگر نظر کارشناس به دادگاه واصل شود، دادگاه به آن ترتیب اثر می‌دهد و تخلف کارشناس را به مرجع صلاحیت‌دار اعلام می‌دارد.»

### - رجوع به کارشناس

۱۳۷- هرگاه نظر کتبی کارشناس بعد از مهلتی که دادگاه تعیین کرده است، به دادگاه واصل شود: (آزمون ۱۳۸۱)

الف) دادگاه در ترتیب اثر دادن یا ندادن به آن مختار است.

ب) دادگاه به آن ترتیب اثر نمی‌دهد و کارشناس دیگری انتخاب می‌کند.

ج) چنانچه دادگاه کارشناس دیگری انتخاب نموده اما به او اخطار نکرده باشد، به آن ترتیب اثر می‌دهد و تخلف کارشناس را به مرجع صالح اعلام می‌کند.

د) چنانچه دادگاه کارشناس دیگری انتخاب و به او اخطار هم کرده باشد، از انتخاب کارشناس جدید عدول می‌نماید و به نظر واصل شده ترتیب اثر می‌دهد.

**گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛**

ماده ۲۶۵ مقرر می‌دارد: «در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد، دادگاه به آن ترتیب اثر نخواهد داد.»

۱۳۸- چنانچه نظریه کارشناس منتخب دادگاه با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد: (آزمون ۱۳۸۴)

الف) دادگاه می‌تواند بدون توجه به نظر کارشناس، بر خلاف آن رأی صادر نماید.

ب) بایستی دادگاه کارشناس را ملزم نماید تا نظر خود را اصلاح کند.

ج) دادگاه بایستی کارشناس دیگری انتخاب نماید.

د) دادگاه بایستی از نظر کارشناس متابعت نماید.

**گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛**

۱۳۹- دادگاه در چه صورتی به نظریه کارشناسی ترتیب اثر نمی‌دهد؟ (آزمون ۱۳۸۸)

الف) فقط در صورتی که با اوضاع و احوال محقق و معلوم موضوع دعوی مطابقت نداشته و مورد اعتراض هم قرار گرفته باشد.

ب) در صورتی که خواننده به آن اعتراض کرده باشد.

ج) در صورتی که با اوضاع و احوال منطبق نباشد.

د) در صورتی که مورد اعتراض خواهان قرار گیرد.

**گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛**

۱۴۰- دادگاه ..... کارشناس غیررسمی تعیین نماید.

(آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

الف) می تواند.

ب) نمی تواند.

ج) با تراضی طرفین دعوی می تواند.

د) به درخواست یکی از طرفین دعوی می تواند.

گزینه «ج» صحیح می باشد، مطابق ماده ۲۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۲۶۸ مقرر می دارد: «طرفین دعوا در هر مورد که قرار رجوع به کارشناس صادر می شود، می توانند قبل از اقدام کارشناس یا کارشناسان منتخب، کارشناس یا کارشناسان دیگری را با تراضی، انتخاب و به دادگاه معرفی نمایند. در این صورت کارشناس مرضی الطرفین به جای کارشناس منتخب دادگاه برای اجرای قرار کارشناسی اقدام خواهد کرد. کارشناسی که به تراضی انتخاب می شود ممکن است غیر از کارشناس رسمی باشد.»

۱۴۱- چنانچه دادگاه نخستین به استناد نظر کارشناس حکم صادر نموده باشد، دادگاه تجدیدنظر ..... حکم را فسخ نماید و ..... بدون

جلب نظر کارشناس رأی صادر نماید. (آزمون ۱۳۹۲)

الف) می تواند - نمی تواند

ب) می تواند - می تواند

ج) نمی تواند - نمی تواند

د) می تواند - جز با درخواست محکوم علیه، نمی تواند.

گزینه «ب» صحیح می باشد.

- سوگند

۱۴۲- رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور:

(آزمون ۱۳۸۳)

الف) قابل تجدیدنظر نبوده و فقط به موجب قانون بی اثر می شود.

ب) فقط به موجب قانون و یا رأی وحدت رویه بی اثر می شود.

ج) قابل ابطال در دیوان عدالت اداری است و به موجب قانون نیز بی اثر می شود.

د) قابل تجدیدنظر در شعبه تشخیص بوده و به موجب قانون نیز بی اثر می شود.

گزینه «الف» صحیح می باشد، مطابق ماده ۲۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری؛

ماده ۲۷۱ مقرر می دارد: «آرای هیأت عمومی دیوان عالی کشور قابل تجدیدنظر نبوده و فقط به موجب قانون بی اثر می شوند.»

۱۴۳- اگر کسی که باید در دادگاه سوگند یاد کند برای قبول یا رد سوگند مهلت بخواهد: (آزمون ۱۳۸۱)

الف) دادگاه با موافقت طرف دعوا می تواند حداکثر یک هفته به او مهلت بدهد.

ب) چنانچه عذر موجهی اقامه نماید، دادگاه یکبار و فقط ۲۰ روز به او مهلت بدهد.

ج) درخواست مهلت برای اتیان سوگند پذیرفته نیست و به منزله امتناع از سوگند یاد کردن است.

د) دادگاه می تواند به اندازه ای که موجب ضرر طرف نشود به او یکبار مهلت بدهد.

گزینه «د» صحیح می باشد، مطابق ماده ۲۸۷ آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۲۸۷ مقرر می دارد: «اگر کسی که باید سوگند یاد کند برای قبول یا رد سوگند مهلت بخواهد، دادگاه می تواند به اندازه ای که موجب ضرر طرف نشود به او یکبار مهلت بدهد.»

۱۴۴- اگر کسی که باید سوگند یاد کند، برای قبول یا رد سوگند مهلت بخواهد، دادگاه چه تصمیمی اتخاذ خواهد کرد؟ (آزمون ۱۳۸۹)

الف) دادگاه باید به او مهلت دهد.

ب) دادگاه نمی تواند به او مهلت دهد.

ج) دادگاه مطلقاً می تواند به او مهلت دهد.

د) دادگاه می تواند به او مهلت دهد، به میزانی که موجب ضرر طرف مقابل نگردد.

گزینه «د» صحیح می باشد، مطابق ماده ۲۸۷ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۱۴۵- آقای «الف» علیه «ب» که ایرانی است در لندن طرح دعوا می‌نماید و در دادخواست خود به تحقیقات و معاینه محلی در شهر تهران استناد می‌کند. دادگاه لندن به دادگاه عمومی تهران نیابت اجرای قرار تحقیقات و معاینه محلی را می‌دهد. در این صورت دادگاه عمومی تهران:

الف) ملزم به اجرای مورد نیابت است.

ب) می‌تواند نیابت را انجام دهد.

ج) در صورت موافقت ریاست قوه قضاییه مورد نیابت را انجام می‌دهد.

د) به شرط معامله متقابل فی‌مابین نیابتی که داده شده است انجام می‌دهد.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۹۲ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۲۹۲ مقرر می‌دارد: «دادگاه‌های ایران می‌توانند به شرط معامله متقابل، نیابتی که از طرف دادگاه‌های کشورهای دیگر راجع به تحقیقات قضایی به آنها داده می‌شود قبول کنند.»

### مبحث پانزدهم: رأی

#### - صدور و انشای رأی

۱۴۶- دادگاه حداکثر ظرف مهلت چند روز پس از اعلام ختم دادرسی باید مبادرت به صدور رأی نماید؟ (آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

الف) بیست روز

ب) پنج روز

ج) یک هفته

د) ده روز

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۲۹۵ مقرر می‌دارد: «پس از اعلام ختم دادرسی در صورت امکان دادگاه در همان جلسه انشاء رأی نموده و به اصحاب دعوا اعلام می‌نماید در غیر این صورت حداکثر ظرف یک هفته انشاء و اعلام رأی می‌کند.»

۱۴۷- مقررات آیین دادرسی مدنی اقتضای کدامیک از موارد ذیل را دارد؟ (آزمون ۱۳۹۰)

الف) پس از ختم دادرسی دعوت از طرفین مجاز است.

ب) پس از ختم دادرسی دادگاه می‌تواند رأی صادر کند.

ج) پس از اعلام ختم مذاکرات، دادگاه تکلیفی در صدور رأی ندارد.

د) پس از ختم دادرسی، دادگاه می‌تواند ارجاع امر به کارشناس نماید.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد.

۱۴۸- در صورتی که دعوا قابل تجزیه بوده و فقط قسمتی از آن آماده صدور رأی باشد دادگاه: (آزمون ۱۳۸۵)

الف) مکلف به انشاء رأی نسبت به همان قسمت است.

ب) رسیدگی را ادامه می‌دهد و پس از آماده شدن همه قسمت‌ها اقدام به صدور رأی می‌نماید.

ج) با درخواست خواهان و عدم مخالفت خوانده مکلف به انشای رأی نسبت به همان قسمت می‌باشد.

د) با درخواست خواهان مکلف به انشاء رأی نسبت به همان قسمت می‌باشد.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۲۹۸ مقرر می‌دارد: «در صورتی که دعوا قابل تجزیه بوده و فقط قسمتی از آن مقتضی صدور رأی باشد با درخواست خواهان، دادگاه مکلف به انشای رأی نسبت به همان قسمت می‌باشد و نسبت به قسمت دیگر، رسیدگی را ادامه می‌دهد.»

## - ابلاغ رأی

۱۴۹- چنانچه رأی دادگاه غیابی بوده و مفاد رأی از طریق آگهی در روزنامه ابلاغ شده باشد، تاریخ ابلاغ چه زمانی است؟ (آزمون ۱۳۸۹)

الف) تاریخ انتشار آگهی (ب) یک هفته پس از انتشار آگهی

ج) یک ماه پس از انتشار آگهی (د) تاریخ اطلاع محکوم علیه از مفاد رأی

گزینه «الف» صحیح می باشد، مطابق تبصره ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۰۲ مقرر می دارد: «هیچ حکم یا قراری را نمی توان اجرا نمود مگر اینکه به صورت حضوری و یا به صورت دادنامه یا رونوشت گواهی شده آن به طرفین یا وکیل آنان ابلاغ شده باشد. نحوه ابلاغ دادنامه و رونوشت آن برابر مقررات مربوط به ابلاغ دادخواست و سایر اوراق رسمی خواهد بود.

تبصره- چنانچه رأی دادگاه غیابی بوده و محکوم علیه مجهول المکان باشد، مفاد رأی به وسیله آگهی در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار مرکز یا محلی با هزینه خواهان برای یکبار به محکوم علیه ابلاغ خواهد شد. تاریخ انتشار آگهی، تاریخ ابلاغ رأی محسوب می شود.»

## - حکم حضوری و غیابی

۱۵۰- رأی دادگاه در چه مواردی غیابی است؟

(آزمون ۱۳۸۶)

الف) در مواردی که وقت رسیدگی ابلاغی واقعی نشده و خواننده و نماینده او در هیچ جلسه دادگاه حاضر نشده و کتباً هم دفاع نکرده باشد.

ب) در مواردی که خواننده در دادگاه حاضر نشده باشد.

ج) در مواردی که خواننده یا نماینده قانونی او در دادگاه حاضر نشده باشد.

د) در مواردی که اختطاریه وقت رسیدگی ابلاغ واقعی نشده باشد.

گزینه «الف» صحیح می باشد، مطابق ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۰۳ مقرر می دارد: «حکم دادگاه حضوری است مگر این که خواننده یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی وی در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشده و به طور کتبی نیز دفاع ننموده باشد و یا اختطاریه ابلاغ واقعی نشده باشد.»

## - واخواهی

۱۵۱- در دادگاه عمومی حکم غیابی علیه علی و له اکبر صادر شده است. دادنامه به علی ابلاغ قانونی شده و اکبر از دادگاه تقاضای

اجرائیه نموده. ورقه اجرایی هم ابلاغ قانونی شده است ولی واخواهی نشده است. در این صورت: (آزمون ۱۳۸۰)

الف) اجرای حکم منوط به معرفی ضامن معتبر یا اخذ تأمین مناسب از محکوم له خواهد بود.

ب) اجرای حکم منوط به التزام و ضمانت شخص محکوم له است.

ج) اجرای حکم بدون قید و شرط بلامانع است.

د) اجرای حکم با موافقت رییس مجتمع یا رییس دادگستری امکانپذیر است.

گزینه «الف» صحیح می باشد، مطابق تبصره ۲ ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۰۶ مقرر می دارد: «... تبصره ۲- اجرای حکم غیابی منوط به معرفی ضامن معتبر یا اخذ تأمین متناسب از محکوم له خواهد بود. مگر اینکه دادنامه یا اجرائیه به محکوم علیه غایب ابلاغ واقعی شده و نامبرده در مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ دادنامه واخواهی نکرده باشد...»

۱۵۲- زمان سپردن تأمین مناسب در اجرای حکم غیابی ..... است. (آزمون ۱۳۹۰)

الف) زمان صدور اجرائیه (ب) زمان درخواست اجرائیه

ج) زمان اعلام ختم عملیات اجرایی (د) زمان شروع عملیات اجرایی

گزینه «د» صحیح می باشد. مطابق تبصره ۲ ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی مدنی؛

(آزمون ۱۳۸۵)

۱۵۳- تقدیم دادخواست و اخواهی خارج از مهلت قانونی بدون عذر موجه:

الف) قابل رسیدگی در مرحله تجدیدنظر می‌باشد.

ب) قابل رسیدگی به هیچ‌وجه نمی‌باشد.

ج) قابل رسیدگی فرجامی در دیوان عالی کشور می‌باشد.

د) قابل رسیدگی در شعبه صادر کننده حکم غیابی به عنوان تجدیدنظر می‌باشد.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق تبصره ۳ ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۰۶ مقرر می‌دارد: «... تبصره ۳- تقدیم دادخواست خارج از مهلت یادشده بدون عذر موجه قابل رسیدگی در مرحله تجدیدنظر برابر مقررات مربوط به آن مرحله می‌باشد.»

۱۵۴- هرگاه حکم غیابی با اخذ تأمین از محکوم‌له اجراء شود تأمین مزبور تا چه زمانی باید باقی باشد: (آزمون ۱۳۸۵)

الف) تا دو سال

ب) تا پنج سال

ج) تا ده سال

د) تا زمان مراجعه محکوم علیه و اعتراض به حکم یا ابلاغ واقعی حکم و گذشتن مهلت اعتراض و تجدیدنظر

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق تبصره ۲ ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی مدنی؛

(آزمون ۱۳۸۶)

۱۵۵- اخذ تأمین یا خواستن ضامن از محکوم‌له حکم غیابی:

الف) اصولاً لازم نیست.

ب) در مرحله صدور دستور صدور اجرائیه لازم است.

ج) در مرحله اجرای حکم لازم است.

د) هم زمان با ابلاغ دادنامه غیابی به محکوم‌له لازم است.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق تبصره ۲ ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی مدنی؛

- دادرسی فوری

(آزمون ۱۳۸۸)

۱۵۶- هرگاه پس از صدور دستور موقت ادعای خواهان رد شود:

الف) خواننده می‌تواند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی نهایی برای مطالبه خسارت طرح دعوا کند.

ب) خواننده می‌تواند ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ رأی نهایی مطالبه خسارت کند و این درخواست تابع تشریفات آیین دادرسی مدنی نیست.

ج) خواننده می‌تواند ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ رأی نهایی برای مطالبه خسارت دعوا طرح کند.

د) خواننده می‌تواند ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ رأی نهایی مطالبه خسارت کند و این درخواست تابع تشریفات آیین دادرسی مدنی نیست.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۳۱۸ و ۳۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۱۸ مقرر می‌دارد: «پس از صدور دستور موقت در صورتی که از قبل اقامه دعوا نشده باشد، درخواست کننده باید حداکثر ظرف بیست

روز از تاریخ صدور دستور، به منظور اثبات دعوی خود به دادگاه صالح مراجعه و دادخواست خود را تقدیم و گواهی آن را به دادگاهی که

دستور موقت صادر کرده تسلیم نماید. در غیر این صورت دادگاه صادر کننده دستور موقت به در خواست طرف، از آن رفع اثر خواهد کرد.»

ماده ۳۲۳ مقرر می‌دارد: «در صورتی که برابر ماده ۳۱۸ اقامه دعوا نشود و یا در صورت اقامه دعوا، ادعای خواهان رد شود، متقاضی دستور

موقت به جبران خساراتی که طرف دعوا در اجرای دستور متحمل شده است محکوم خواهد شد.»

۱۵۷- در صورت درخواست دستور موقت دادگاه .....

(آزمون ۱۳۸۳)

الف) می‌تواند صدور دستور را منوط به دادن تأمین کند که باید وجه نقد باشد.

ب) باید صدور دستور را منوط به دادن تأمین کند که میتواند وجه نقد نباشد.

ج) باید صدور دستور را منوط به دادن تأمین کند که باید وجه نقد باشد.

د) می‌تواند صدور دستور را منوط به دادن تأمین کند یا بدون تأمین دستور صادر کند.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۱۹ مقرر می‌دارد: «دادگاه مکلف است برای جبران خسارت احتمالی که از دستور موقت حاصل می‌شود از خواهان تأمین مناسبی اخذ نماید. در این صورت صدور دستور موقت منوط به سپردن تأمین می‌باشد.»

(آزمون ۱۳۸۵)

۱۵۸- در صورتی که طرف دعوا تأمینی بدهد که متناسب با موضوع دستور موقت باشد:

الف) دادگاه در صورت مصلحت می‌تواند از دستور موقت رفع اثر نماید.

ب) دادگاه مکلف است از دستور موقت رفع اثر نماید.

ج) رییس دادگستری محل می‌تواند از دستور موقت رفع اثر نماید.

د) رییس دادگاه تجدیدنظر می‌تواند از دستور موقت رفع اثر نماید.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۲۱ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۲۱ مقرر می‌دارد: «در صورتی که طرف دعوا تأمینی بدهد که متناسب با موضوع دستور موقت باشد، دادگاه در صورت مصلحت از دستور موقت رفع اثر خواهد نمود.»

(آزمون ۱۳۸۸)

۱۵۹- در صورتی که طرف دعوی تأمینی بدهد که متناسب با موضوع دستور موقت باشد:

الف) دادگاه مکلف به رفع اثر از دستور موقت است.

ب) دادگاه در صورت مصلحت می‌تواند از دستور موقت رفع اثر نماید.

ج) دادگاه نمی‌تواند در هیچ حالتی از دستور موقت خود رفع اثر کند.

د) دادگاه فقط در صورت رضایت خواهان دستور موقت، از آن لغو اثر می‌کند.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۲۱ قانون آیین دادرسی مدنی؛

(آزمون ۱۳۸۹)

۱۶۰- کدام بیان در مورد دستور موقت صحیح است؟

الف) در صورتی که طرف دعوا تأمین مناسب بدهد، دادگاه باید از دستور موقت رفع اثر نماید.

ب) در صورتی که طرف دعوا تأمین مناسب بدهد، دادگاه نباید از دستور موقت رفع اثر نماید.

ج) در صورتی که طرف دعوا تأمین مناسب بدهد، دادگاه در صورت مصلحت از دستور موقت رفع اثر می‌نماید.

د) در صورتی که درخواست‌کننده دستور موقت ظرف مدت بیست روز از تاریخ صدور دستور موقت دعوای ماهوی طرح ننماید، دادگاه رأساً از دستور موقت رفع اثر می‌نماید.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۲۱ قانون آیین دادرسی مدنی؛

(آزمون ۱۳۸۷ - مرکز)

۱۶۱- در رسیدگی‌های فوری، اگر در ماهیت دعوی حکم به بی‌حقی خواهان صادر شود:

الف) دادگاه بعد از قطعیت حکم، با اجازه رییس حوزه قضایی از مال مورد تأمین رفع توقیف می‌کند.

ب) اگر ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی نهایی برای مطالبه خسارت طرح دعوی نشود از مال مورد تأمین رفع توقیف می‌شود.

ج) اگر ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ رأی نهایی برای مطالبه خسارت طرح دعوی نشود از مال مورد تأمین رفع توقیف می‌شود.

د) دادگاه رأساً و بعد از قطعیت حکم از مال مورد تأمین رفع توقیف می‌کند.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۲۴ مقرر می‌دارد: «در خصوص تأمین اخذ شده از متقاضی دستور موقت یا رفع اثر از آن، چنانچه ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی نهایی، برای مطالبه خسارت طرح دعوا نشود، به دستور دادگاه، از مال مورد تأمین رفع توقیف خواهد شد.»

۱۶۲- قبول یا رد درخواست دستور موقت: (آزمون ۱۳۹۰)

الف) قابل اعتراض، تجدیدنظر و فرجام است.

ب) فقط قبول دستور موقت قابل تجدیدنظر و فرجام است.

ج) فقط رد دستور موقت قابل تجدیدنظر و فرجام است.

د) قبول یا رد قابل فرجام نمی‌باشد اما ضمن تجدیدنظرخواهی نسبت به اصل رأی قابل اعتراض است.

گزینه «د» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۳۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۲۵- قبول یا رد درخواست دستور موقت مستقلاً مورد اعتراض و تجدیدنظر و فرجام نیست. لکن متقاضی می‌تواند ضمن تقاضای تجدیدنظر به اصل رأی نسبت به آن نیز اعتراض و درخواست رسیدگی نماید. ولی در هر حال رد یا قبول درخواست دستور موقت قابل رسیدگی فرجامی نیست.

تبصره ۱- اجرای دستور موقت مستلزم تأیید رئیس حوزه قضایی می‌باشد.

تبصره ۲- در خواست صدور دستور موقت مستلزم پرداخت هزینه دادرسی معادل دعوی غیرمالی است.

(آزمون ۱۳۸۱)

۱۶۳- درخواست صدور دستور موقت:

الف) نیاز به پرداخت هزینه دادرسی ندارد.

ب) مستلزم پرداخت هزینه دادرسی معادل دعوی مالی است.

ج) مستلزم پرداخت هزینه دادرسی معادل دعوی غیرمالی است.

د) مستلزم پرداخت هزینه دادرسی معادل هزینه دعوی اصلی است.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق تبصره ۲ ماده ۳۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛

(آزمون ۱۳۸۵)

۱۶۴- کدام یک از قرارهای ذیل مستقلاً قابل تجدیدنظر نیست؟

الف) ابطال دادخواست

ب) دستور موقت

ج) رد دعوی

د) عدم اهلیت یکی از طرفین دعوی

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛

دوهفته‌نامه تخصصی اطلاع‌رسانی حقوق و قانون ایران

مبحث شانزدهم: تجدیدنظر

- آرای قابل تجدیدنظر

www.Magazine.Shme.ir

(آزمون ۱۳۸۶)

۱۶۵- احکام مستند به اقرار در دادگاه ....

الف) قابل فرجام است.

ب) قابل تجدیدنظر و فرجام نیست.

ج) قابل تجدیدنظر است.

د) قابل تجدیدنظر و فرجام است.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق تبصره ماده ۳۳۱ و بند ۱ ماده ۳۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۳۱ مقرر می‌دارد: «احکام زیر قابل درخواست تجدیدنظر می‌باشد:

الف- در دعوی مالی که خواسته یا ارزش آن از سه میلیون (۳/۰۰۰/۰۰۰) ریال متجاوز باشد.

ب- کلیه احکام صادره در دعوی غیرمالی.

ج- حکم راجع به متفرعات دعوا در صورتی که حکم راجع به اصل دعوا قابل تجدیدنظر باشد.  
تبصره- احکام مستند به اقرار در دادگاه یا مستند به رأی یک یا چند نفر کارشناس که طرفین کتباً رأی آنان را قاطع دعوا قرار داده باشند قابل درخواست تجدیدنظر نیست مگر در خصوص صلاحیت دادگاه یا قاضی صادرکننده رأی»  
ماده ۳۶۹ مقرر می‌دارد: «احکام زیر اگرچه از مصادیق بندهای (الف) در دو ماده قبل باشد حسب مورد قابل رسیدگی فرجامی نخواهد بود: ۱- احکام مستند به اقرار قاطع دعوا در دادگاه...»

(آزمون ۱۳۸۷-مرکز)

۱۶۶- رأی دادگاه بدوی راجع به نسب:

الف) فقط قابل تجدیدنظر است و قابل فرجام نیست.

ب) قابل تجدیدنظر و فرجام است.

ج) از تاریخ انقضای مهلت تجدیدنظر مستقیماً ظرف ۲۰ روز قابل فرجام است.

د) موارد ب و ج هر دو صحیح است.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق بند ب ماده ۳۳۱ و ماده ۳۶۷ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۳۱ مقرر می‌دارد: «احکام زیر قابل درخواست تجدیدنظر می‌باشد: ...ب- کلیه احکام صادره در دعوی غیرمالی...»

ماده ۳۶۷ مقرر می‌دارد: «آرای دادگاه‌های بدوی که به علت عدم درخواست تجدیدنظر قطعیت یافته قابل فرجام‌خواهی نیست مگر در موارد زیر:

الف- احکام:

۱- احکامی که خواسته آن بیش از مبلغ بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد.

۲- احکام راجع به اصل نکاح و فسخ آن، طلاق، نسب، حجر، وقف، ثلث، حبس و تولیت.

ب- قرارهای زیر مشروط به این که اصل حکم راجع به آنها قابل رسیدگی فرجامی باشد:

۱- قرار ابطال یا رد دادخواست که از دادگاه صادر شده باشد.

۲- قرار سقوط دعوا یا عدم اهلیت یکی از طرفین دعوا.»

(آزمون ۱۳۸۸)

۱۶۷- احکام مستند به اقرار در دادگاه:

الف) مطلقاً قابل درخواست تجدیدنظر است.

ب) مطلقاً قابل درخواست تجدیدنظر نیست.

ج) با رعایت حدنصاب قابل تجدیدنظر است.

د) قابل درخواست تجدیدنظر نیست مگر در خصوص صلاحیت دادگاه یا قاضی صادرکننده حکم.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی؛

(آزمون ۱۳۸۲)

۱۶۸- کدام یک از قرارهای زیر مستقلاً قابل تجدیدنظر است؟

الف) قرار رد دادخواست جلب ثالث  
ب) قرار رد دادخواست دستور موقت

ج) قرار رد دادخواست تأمین خواسته  
د) هیچکدام

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۳۲ مقرر می‌دارد: «قرارهای زیر قابل تجدیدنظر است، در صورتی که حکم راجع به اصل دعوا قابل تجدیدنظر باشد:

الف- قرار ابطال دادخواست یا رد دادخواست که از دادگاه صادر شود.

ب- قرار رد دعوا یا عدم استماع دعوا.

ج- قرار سقوط دعوا.

د- قرار عدم اهلیت یک از طرفین دعوا.»

۱۶۹- در صورتی که حکم راجع به اصل دعوا قابل تجدیدنظر باشد کدامیک از قرارهای زیر قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان نیست؟

(آزمون ۱۳۸۲)

الف) قرار رد دعوا

ب) قرار سقوط دعوا

ج) قرار عدم استماع دعوا

د) قرار رد دادخواست مرحله بدوی که توسط مدیر دفتر صادر شده است.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی؛

### - مهلت تجدیدنظر

۱۷۰- به موجب دادنامه‌ای غیرقطعی «الف» که مقیم خارج از کشور است و «ب» که مقیم داخل کشور است با انجام تعهدی محکومیت یافته‌اند و حکم صادره قابل تجدیدنظر می‌باشد مهلت تجدیدنظرخواهی از حکم مزبور:

(آزمون ۱۳۸۶)

الف) برای هر دو نفر دو ماه است.

ب) برای هر کدام از آن دو بیست روز است.

ج) برای محکوم علیه مقیم ایران ۲۰ روز و برای مقیم خارج از کشور دو ماه است.

د) برای «الف» دو ماه و بیست روز و برای «ب» ۲۰ روز است.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۳۶ مقرر می‌دارد: «مهلت درخواست تجدیدنظر اصحاب دعوا، برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ یا انقضای مدت و اخواهی است.»

### - دادخواست و مقدمات رسیدگی

۱۷۱- در صورتی که «دادخواست» تجدیدنظرخواهی خارج از موعد قانونی تقدیم دادگاه شده باشد، در این صورت:

(آزمون ۱۳۸۰)

الف) دادگاه تجدیدنظر اقدام به صدور قرار رد دادخواست می‌کند.

ب) دادگاه صادرکننده حکم بدوی اقدام به صدور قرار رد دادخواست می‌کند.

ج) تقدیم دادخواست در خارج از موعد قانونی مؤثر در مقام نمی‌باشد.

د) مدیر دفتر دادگاه بدوی اقدام به صدور قرار رد دادخواست می‌نماید.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق تبصره ۲ ماده ۳۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی؛

تبصره ۲ ماده ۳۳۹ مقرر می‌دارد: «... تبصره ۲- در صورتی که دادخواست خارج از مهلت داده شود و یا در مهلت قانونی رفع نقص نگردد، به موجب قرار دادگاه صادر کننده رأی بدوی رد می‌شود. این قرار ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ در مرجع تجدیدنظر قابل اعتراض است، رأی دادگاه تجدیدنظر قطعی است...»

۱۷۲- چنانچه دادخواست تجدیدنظر خارج از مهلت مقرر قانونی داده شود، صدور قرار رد دادخواست تجدیدنظر در صلاحیت چه مرجعی است؟

(آزمون ۱۳۸۱)

الف) دادگاه تجدیدنظر

ب) مدیر دفتر دادگاه بدوی

ج) دادگاه صادرکننده رأی بدوی

د) مدیر دفتر دادگاه تجدیدنظر

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق تبصره ۲ ماده ۳۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۶۵ رجوع کنید به مهاجری، دکتر علی، مبسوط در آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، شماره ۱۴۶۱.

(آزمون ۱۳۸۸)

۱۷۳- کدام گزینه صحیح است؟

الف) چنانچه دادخواست تجدیدنظر خارج از مهلت داده شود به موجب قرار دادگاه صادر کننده رأی بدوی رد می‌شود.

ب) رأی دادگاه تجدیدنظر در هیچ صورتی غیابی محسوب نمی‌شود.

ج) ادعای جدید در مرحله تجدیدنظر مسموع است.

د) چنانچه دادخواست تجدیدنظر خارج از مهلت داده شود به موجب قرار دادگاه تجدیدنظر رد می‌شود.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق تبصره ۲ ماده ۳۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۱۷۴- هرگاه تجدیدنظر خواه به ادعای داشتن عذر موجه، خارج از مهلت مقرر تجدیدنظر خواهی کند، دادگاهی که به عذر او رسیدگی

(آزمون ۱۳۸۳)

می‌کند کدام است؟

الف) معاونت ارجاع (ب) دادگاه نخستین

ج) دادگاه تجدیدنظر (د) رییس حوزه قضایی

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۴۰ مقرر می‌دارد: «در صورتی که در مهلت مقرر دادخواست تجدیدنظر به مراجع مذکور در ماده قبل تقدیم نشده باشد، متقاضی

تجدیدنظر با دلیل و بیان عذر خود تقاضای تجدیدنظر را به دادگاه صادرکننده رأی تقدیم می‌نماید. دادگاه مکلف است ابتدا به عذر عنوان

شده که به موجب عدم تقدیم دادخواست در مهلت مقرر بوده رسیدگی و در صورت وجود عذر موجه نسبت به پذیرش دادخواست

تجدیدنظر اتخاذ تصمیم می‌نماید.

تبصره- جهات عذر موجه همان موارد مذکور در ذیل ماده ۳۰۶ می‌باشد.»

۱۷۵- در صورتی که درخواست تجدیدنظر خارج از مهلت تقدیم شود و یا در مهلت قانونی رفع نقص نشود: (آزمون ۱۳۹۰)

الف) دادگاه بدوی قرار رد دادخواست تجدیدنظر را صادر می‌کند و این قرار قطعی است.

ب) دفتر دادگاه بدوی قرار رد دادخواست را صادر می‌کند و این قرار قابل اعتراض در همان دادگاه بدوی است.

ج) دادگاه بدوی قرار رد دادخواست تجدیدنظر را صادر می‌کند و این قرار قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر است.

د) دفتر دادگاه تجدیدنظر قرار رد دادخواست را صادر می‌کند و این قرار قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر است.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۱۷۶- اگر اقامتگاه تجدیدنظر خواه در دادخواست تجدیدنظر معلوم نباشد: (آزمون ۱۳۸۷-مرکز)

الف) پس از انقضای مهلت، دادخواست توسط دادگاهی که دادخواست را دریافت کرده رد می‌گردد و ظرف ۱۰ روز از تاریخ الصاق به دیوار

دادگاه قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر است.

ب) پس از انقضای مهلت، دادخواست توسط دادگاهی که دادخواست را دریافت کرده رد می‌گردد و این قرار قطعی است.

ج) پس از انقضای مهلت، دادخواست توسط دادگاهی که دادخواست را دریافت کرده رد می‌گردد و ظرف ۱۰ روز از تاریخ الصاق به دیوار

دادگاه قابل اعتراض در دادگاه صادر کننده قرار است.

د) دادخواست بلافاصله به موجب قرار دادگاهی که دادخواست را دریافت کرده رد می‌شود و ظرف ۲۰ روز قابل اعتراض در دادگاه

تجدیدنظر است.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۴۴ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۴۴ مقرر می‌دارد: «اگر مشخصات تجدیدنظرخواه در دادخواست معین نشده و معلوم نباشد که دادخواست دهنده چه کسی می‌باشد یا اقامتگاه او معلوم نباشد و قبل از انقضای مهلت، دادخواست تکمیل یا تجدید نشود، پس از انقضای مهلت، دادخواست یادشده به موجب قرار دادگاهی که دادخواست را دریافت نموده رد می‌گردد. این قرار نسبت به اصحاب دعوا ظرف ده روز از تاریخ الصاق به دیوار دادگاه قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر، خواهد بود.

تبصره- مهلت مقرر در این ماده و ماده ۳۳۶ شامل موارد نقض مذکور در ماده ۳۲۶ نخواهد بود.»

۱۷۷- در صورتی که وکیل تجدیدنظرخواه وکالت‌نامه خود را پیوست دادخواست به دادگاه ندهد با وجود اخطار رفع نقص در این مورد اقدام نکند:

(آزمون ۱۳۸۲)

الف) دادگاه صادرکننده حکم، قرار رد دادخواست را صادر می‌نماید و قرار او قطعی است.

ب) دادگاه صادر کننده حکم، قرار رد دادخواست را صادر می‌کند. قرار صادره ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان است.

ج) مدیر دفتر دادگاه صادرکننده حکم، قرار رد دادخواست را صادر می‌نماید و قرار مزبور ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در آن دادگاه است.

د) پرونده به دادگاه تجدیدنظر ارسال می‌شود و مدیر دفتر دادگاه قرار رد دادخواست را صادر می‌نماید. قرار صادره ظرف ده روز قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر است.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۴۵ و تبصره ۲ ماده ۳۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۴۵ مقرر می‌دارد: «هر دادخواستی که نکات یادشده در بندهای (۲، ۳، ۴، ۵ و ۶) ماده ۳۴۱ و مواد ۳۴۲ و ۳۴۳ در آن رعایت نشده باشد به جریان نمی‌افتد و مدیر دفتر دادگاه بدوی ظرف دو روز از تاریخ وصول دادخواست، نقایص را به طور تفصیل به دادخواست دهنده به طور کتبی اطلاع داده و از روز ابلاغ ده روز به او مهلت می‌دهد که نقایص را رفع کند و اگر محتاج به تجدید دادخواست است آن را تجدید نماید، در غیر این صورت برابر تبصره ۲ ماده ۳۳۹ اقدام خواهد شد.»

ماده ۳۳۹ مقرر می‌دارد: «... تبصره ۲- در صورتی که دادخواست خارج از مهلت داده شود و یا در مهلت قانونی رفع نقص نگردد، به موجب قرار دادگاه صادر کننده رأی بدوی رد می‌شود. این قرار ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ در مرجع تجدیدنظر قابل اعتراض است، رأی دادگاه تجدیدنظر قطعی است.»

#### - جهات تجدیدنظر

۱۷۸- هرگاه علی‌رغم عدم احراز سمت دادخواست دهنده دادگاه بدوی مبادرت به صدور رأی نماید و از این رأی تجدیدنظرخواهی شود دادگاه تجدیدنظر استان:

(آزمون ۱۳۸۰)

الف) در صورتی که طرف مقابل ایراد کرده باشد رأی تجدیدنظر خواسته را نقض می‌کند.

ب) پرونده را برای رفع نقص به دادگاه بدوی اعاده می‌دهد.

ج) رأی صادره را نقض و قرار رد دعوای بدوی را صادر می‌نماید.

د) به خواهان اخطار می‌کند ظرف ده روز دلیل مثبت سمت خود را ارائه دهد و الا با نقض رأی قرار رد دعوا را صادر می‌کند.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۵۰ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۵۰ مقرر می‌دارد: «عدم رعایت شرایط قانونی دادخواست و یا عدم رفع نقص آن در موعد مقرر قانونی در مرحله بدوی، موجب نقض رأی در مرحله تجدیدنظر نخواهد بود. در این موارد دادگاه تجدیدنظر به دادخواست دهنده بدوی اخطار می‌کند که ظرف ده روز از تاریخ

ابلاغ نسبت به رفع نقص اقدام نماید. در صورت عدم اقدام و همچنین در صورتی که سمت دادخواست دهنده محرز نباشد دادگاه رأی صادره را نقض و قرار رد دعوای بدوی را صادر می‌نماید.»

۱۷۹- در صورتی که در مرحله بدوی در موعد قانونی از دادخواست رفع نقص نشده باشد در مرحله تجدیدنظر، دادگاه تجدیدنظر:

(آزمون ۱۳۸۱)

الف) رأی بدوی را نقض و قرار رد دادخواست بدوی را صادر می‌کند.

ب) رأی بدون نقض و قرار ابطال دادخواست بدوی را صادر می‌کند.

ج) به دادخواست دهنده بدوی اخطار می‌کند که نسبت به رفع نقص اقدام کند.

د) رأی بدوی را نقض و پرونده را جهت صدور اخطار رفع نقص به دفتر اعاده می‌کند.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۵۰ قانون آیین دادرسی مدنی؛

نظریه شماره ۷/۲۴۵ مورخ ۷۲/۱/۲۷، نقض یا فسخ حکم بدوی در مرحله تجدیدنظر به لحاظ عدم پرداخت هزینه دادرسی در مرحله بدوی موقعیت قانونی ندارد، مرجع تجدیدنظر باید دستور وصول هزینه دادرسی را از خواهان صادر نماید.

۱۸۰- در صورتی که دعوا مالی باشد و خواهان در مرحله بدوی بهای خواسته را تعیین ننماید و حکم به نفع او صادر شود و خوانده نسبت به آن درخواست تجدیدنظر نماید، دادگاه تجدیدنظر چه تکلیفی دارد؟

(آزمون ۱۳۸۲)

الف) تکلیفی ندارد.

ب) مدیر دفتر دادگاه باید به خواهان بدوی اخطار نماید تا بهای خواسته را ظرف ده روز تعیین نماید، در صورت عدم اقدام، مدیر دفتر دادگاه تجدیدنظر قرار رد دادخواست را صادر می‌کند.

ج) دادگاه تجدیدنظر به خواهان بدوی اخطار می‌کند که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ نسبت به تعیین بهای خواسته اقدام نماید و در صورت عدم اقدام دادگاه تجدیدنظر رأی صادره را نقض و قرار رد دعوای بدوی را صادر می‌کند.

د) دادگاه تجدیدنظر پرونده را به دادگاه بدوی اعاده می‌کند تا بهای خواسته را تعیین کند و پس از آن پرونده را به دادگاه تجدیدنظر ارسال نماید.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۵۰ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۵۰ مقرر می‌دارد: «عدم رعایت شرایط قانونی دادخواست و یا عدم رفع نقص آن در موعد مقرر قانونی در مرحله بدوی، موجب نقض رأی در مرحله تجدیدنظر نخواهد بود. در این موارد دادگاه تجدیدنظر به دادخواست دهنده بدوی اخطار می‌کند که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ نسبت به رفع نقص اقدام نماید. در صورت عدم اقدام و همچنین در صورتی که سمت دادخواست دهنده محرز نباشد دادگاه رأی صادره را نقض و قرار رد دعوای بدوی را صادر می‌نماید.»

۱۸۱- چنانچه سمت دادخواست دهنده در دادخواست تجدیدنظر معلوم نباشد:

(آزمون ۱۳۸۷ - مرکز)

الف) دادگاه تجدیدنظر، پرونده را برای رفع نقص به دادگاه بدوی بر می‌گرداند.

ب) دفتر دادگاه تجدیدنظر اخطاریه رفع نقص صادر می‌کند.

ج) دادگاه رأی را نقض و قرار رد دعوی بدوی را صادر می‌کند.

د) دادگاه رأی بدوی را نقض نموده و قرار رد دادخواست تجدیدنظر را صادر می‌کند.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۵۰ قانون آیین دادرسی مدنی؛

(آزمون ۱۳۸۱)

۱۸۲- عدم صلاحیت محلی دادگاه:

الف) در هر حال موجب نقض رأی در مرحله تجدیدنظر می‌باشد.

ب) موجب نقض رأی در مرحله تجدیدنظر نیست، مگر اینکه در مرحله بدوی ایراد به صلاحیت شده باشد.

ج) موجب نقض رأی در مرحله تجدیدنظر نیست، مگر اینکه دادگاه صالح خارج از حوزه دادگاه تجدیدنظر باشد.  
د) موجب نقض رأی در مرحله تجدیدنظر نیست، اعم از اینکه در مرحله بدوی ایراد به صلاحیت شده یا نشده باشد.  
گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۵۲ مقرر می‌دارد: «هرگاه دادگاه تجدیدنظر، دادگاه بدوی را فاقد صلاحیت محلی یا ذاتی تشخیص دهد رأی را نقض و پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌دارد.»

۱۸۳- عدم رعایت صلاحیت محلی دادگاه: (آزمون ۱۳۸۲)

الف) موجب نقض رأی در مرحله تجدیدنظر و فرجام است حتی اگر نسبت به آن ایراد نشده باشد.  
ب) موجب نقض رأی دادگاه در مرحله تجدیدنظر و فرجام نیست مگر اینکه نسبت به آن ایراد شده باشد.  
ج) در مرحله تجدیدنظر در صورتی که نسبت به آن ایراد شده باشد و در مرحله فرجام حتی اگر نسبت به آن ایراد نشده باشد موجب نقض رأی دادگاه است.

د) در مرحله تجدیدنظر موجب نقض رأی دادگاه است حتی اگر نسبت به آن ایراد نشده باشد و در مرحله فرجام وقتی موجب نقض رأی است که نسبت به آن ایراد شده باشد.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۳۵۲ و ۳۷۱ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۵۲ مقرر می‌دارد: «هرگاه دادگاه تجدیدنظر، دادگاه بدوی را فاقد صلاحیت محلی یا ذاتی تشخیص دهد رأی را نقض و پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌دارد.»

ماده ۳۷۱ مقرر می‌دارد: «در موارد زیر حکم یا قرار نقض می‌گردد:

۱- دادگاه صادر کننده رأی، صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به موضوع را نداشته باشد و در مورد عدم رعایت صلاحیت محلی، وقتی که نسبت به آن ایراد شده باشد.

۲- رأی صادره خلاف موازین شرعی و مقررات قانونی شناخته شود.

۳- عدم رعایت اصول دادرسی و قواعد آمره و حقوق اصحاب دعوا در صورتی که به درجه‌ای از اهمیت باشد که رأی را از اعتبار قانونی ببیند.

۴- آرای مغایر با یکدیگر، بدون سبب قانونی در یک موضوع و بین همان اصحاب دعوا صادر شده باشد.

۵- تحقیقات انجام شده ناقص بوده و با به دلایل و مدافعات طرفین توجه نشده باشد.»

۱۸۴- در صورت عدم رعایت صلاحیت محلی توسط دادگاه بدوی: (آزمون ۱۳۸۷-مرکز)

الف) دادگاه تجدیدنظر و دیوان عالی کشور رأی را نقض نموده و پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌نمایند.  
ب) دادگاه تجدیدنظر رأی را نقض نموده و پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌نماید اما نقض رأی در دیوان عالی کشور، مشروط به ایراد عدم صلاحیت محلی است.

ج) دادگاه تجدیدنظر رأی را نقض و رسیدگی نموده و دیوان عالی کشور، رأی را نقض و پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌کند.

د) دادگاه تجدیدنظر و دیوان عالی کشور صرفاً اگر ایراد عدم صلاحیت محلی شده باشد رأی را نقض می‌نمایند و بعد از نقض هر دو دادگاه به پرونده می‌توانند رسیدگی کنند.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۵۲ و بند یک ماده ۳۷۱ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۱۸۵- در صورتی که دادگاه تجدیدنظر قرار دادگاه بدوی در مورد رد دعوا به جهت مذکور در قرار را موجه نداند ولی به جهات دیگر

دعوا را مردود تشخیص دهد. در این صورت: (آزمون ۱۳۸۲)

الف) قرار را نقض و رأی مقتضی صادر می‌کند.

ب) در نهایت قرار صادره را تأیید خواهد کرد.

ج) قرار نقض و پرونده جهت رسیدگی مجدد به دادگاه صادرکننده آن ارجاع می‌شود.

د) قرار نقض و پرونده جهت رسیدگی به شعبه دیگر از همان حوزه دادگاه ارجاع می‌شود.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۵۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۵۵ مقرر می‌دارد: «در صورتی که دادگاه تجدیدنظر قرار دادگاه بدوی را در مورد رد یا عدم استماع دعوا به جهت یادشده در قرار، موجه نداند ولی به جهات قانونی دیگر دعوا را مردود یا غیرقابل استماع تشخیص دهد، در نهایت قرار صادره را تأیید خواهد کرد.»

(آزمون ۱۳۸۴)

۱۸۶- کدام گزینه صحیح نیست؟

الف) در مرحله تجدیدنظر هر دو مورد ۳ و ۴ پذیرفته می‌شود.

ب) در مرحله تجدیدنظر هیچ یک از موارد ۳ و ۴ پذیرفته نمی‌شود.

ج) در مرحله تجدیدنظر تغییر عنوان خواسته از اجرت‌المثل به اجرت‌المسمی پذیرفته می‌شود.

د) در مرحله تجدیدنظر تغییر عنوان خواسته از اجرت‌المسمی به اجرت‌المثل پذیرفته می‌شود.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی و بند ۳ آن؛

ماده ۳۶۲ مقرر می‌دارد: «ادعای جدید در مرحله تجدیدنظر مسموع نخواهد بود ولی موارد زیر ادعای جدید محسوب نمی‌شود: ... ۳- تغییر عنوان خواسته از اجرت‌المسمی به اجرت‌المثل یا بالعکس.»

(آزمون ۱۳۸۵)

۱۸۷- تعیین عنوان خواسته از اجرت‌المثل به اجرت‌المسمی در مرحله تجدیدنظر:

الف) مجاز است. ب) جایز نیست.

ج) منوط به نظر دادگاه است. د) فقط در مرحله بدوی جایز است.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق بند ۳ ماده ۳۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۶۲ مقرر می‌دارد: «ادعای جدید در مرحله تجدیدنظر مسموع نخواهد بود ولی موارد زیر ادعای جدید محسوب نمی‌شود: ... ۳- تغییر عنوان خواسته از اجرت‌المسمی به اجرت‌المثل یا بالعکس.»

(آزمون ۱۳۸۹)

۱۸۸- در مرحله تجدیدنظر کدام یک از موارد زیر ادعای جدید محسوب می‌شود؟

الف) طرح دعوی مرتبط با خواسته اصلی

ب) تغییر عنوان خواسته از اجرت‌المثل به اجرت‌المسمی

ج) مطالبه ضرر و زیانی که در جریان دعوا به خواسته تعلق گرفته است.

د) مطالبه اجاره‌بهای ملک که در جریان رسیدگی، موعد آن رسیده و پرداخت نشده است.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۶۲ مقرر می‌دارد: «ادعای جدید در مرحله تجدیدنظر مسموع نخواهد بود ولی موارد زیر ادعای جدید محسوب نمی‌شود:

۱- مطالبه قیمت محکوم‌به که عین آن، موضوع رأی بدوی بوده و یا مطالبه عین مالی که قیمت آن در مرحله بدوی مورد حکم قرار گرفته است.

۲- ادعای اجاره‌بها و مطالبه بقیه اقساط آن و اجرت‌المثل و دیونی که موعد پرداخت آن در جریان رسیدگی بدوی، رسیده و سایر متفرعات از قبیل ضرر و زیانی که در زمان جریان دعوا یا بعد از صدور رأی بدوی به خواسته اصلی تعلق گرفته و مورد حکم واقع نشده یا موعد پرداخت آن بعد از صدور رأی رسیده باشد.

۳- تغییر عنوان خواسته از اجرت‌المسمی به اجرت‌المثل یا بالعکس.»

۱۸۹- اگر دادخواست تجدیدنظر مسترد شود ...

(آزمون ۱۳۸۷ - اتحادیه)

الف) دادگاه بدوی قرار رد دادخواست تجدیدنظر را صادر می‌کند.

ب) مرجع تجدیدنظر قرار رد دادخواست تجدیدنظر را صادر می‌کند.

ج) دادگاه تجدیدنظر قرار ابطال دادخواست تجدیدنظر را صادر می‌نماید.

د) دادگاه تجدیدنظر قرار سقوط دعوی را صادر می‌کند.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۶۳ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۶۳ مقرر می‌دارد: «چنانچه هر یک از طرفین دعوا دادخواست تجدیدنظر خود را مسترد نمایند، مرجع تجدیدنظر، قرار ابطال دادخواست تجدیدنظر را صادر می‌نماید.»

۱۹۰- در دادگاه بدوی حکم به نفع حسن و به زیان علی صادر شده است. علی از دادگاه تجدیدنظر تقاضای تجدیدنظرخواهی نموده بدون آنکه جلسه دادگاه تجدیدنظر تشکیل شود و حسن در جلسه دادگاه شرکت نماید و یا لایحه دفاعیه و اعتراضیه بدهد. دادگاه در

(آزمون ۱۳۸۰)

جلسه فوق‌العاده حکم را به نفع علی نقض می‌کند. در این صورت:

الف) رأی دادگاه تجدیدنظر ظرف ده روز پس از ابلاغ قانونی قابل اعتراض است.

ب) رأی دادگاه تجدیدنظر قطعی و غیرقابل اعتراض است.

ج) رأی دادگاه تجدیدنظر پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در دیوان عالی کشور است.

د) رأی دادگاه تجدیدنظر پس از ابلاغ واقعی در مهلت قانونی قابل تجدیدنظر در همان دادگاه تجدیدنظر است.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۶۴ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۶۴ مقرر می‌دارد: «در مواردی که رأی دادگاه تجدیدنظر مبنی بر محکومیت خوانده باشد و خوانده یا وکیل او در هیچیک از مراحل دادرسی حاضر نبوده و لایحه دفاعیه و یا اعتراضیه‌ای هم نداده باشند رأی دادگاه تجدیدنظر ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ واقعی به محکوم‌علیه یا وکیل او قابل اعتراض و رسیدگی در همان دادگاه تجدیدنظر می‌باشد، رأی صادره قطعی است.»

۱۹۱- در موردی که رأی دادگاه تجدیدنظر مبنی بر محکومیت خوانده باشد و خوانده در هیچ یک از مراحل دادرسی حاضر نبوده و لایحه دفاعیه یا اعتراضیه‌ای هم نداده باشد و دادخواست و اخطاریه مرحله تجدیدنظر به وی ابلاغ واقعی شده باشد، در این صورت رأی دادگاه تجدیدنظر:

(آزمون ۱۳۸۱)

الف) ظرف مدت ده روز پس از ابلاغ واقعی به محکوم‌علیه قابل اعتراض در همان دادگاه تجدیدنظر می‌باشد و رأی صادره قطعی است.

ب) ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ واقعی به محکوم‌علیه قابل اعتراض و رسیدگی در همان دادگاه تجدیدنظر می‌باشد رأی صادره قطعی است.

دو هفته‌نامه تخصصی اطلاع‌رسانی حقوق و قانون ایران

ج) ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ واقعی به محکوم‌علیه قابل اعتراض در همان دادگاه تجدیدنظر می‌باشد رأی صادره غیرقطعی است.

د) با توجه به اینکه دادخواست تجدیدنظر و اخطاریه ابلاغ واقعی شده است، غیرقابل اعتراض می‌باشد.

www.Magazine.Shine.ir

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۶۴ قانون آیین دادرسی مدنی؛

قانون ۳۶۴ مقرر می‌دارد: «در مواردی که رأی دادگاه تجدیدنظر مبنی بر محکومیت خوانده باشد و خوانده یا وکیل او در هیچ یک از مراحل دادرسی حاضر نبوده و لایحه دفاعیه و یا اعتراضیه‌ای هم نداده باشند رأی دادگاه تجدیدنظر ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ واقعی به محکوم‌علیه یا وکیل او قابل اعتراض و رسیدگی در همان دادگاه تجدیدنظر می‌باشد، رأی صادره قطعی است.»

۱۹۲- دادگاه بدوی در دعوی الزام به تنظیم سند رسمی یکدستگاه اتومبیل به ارزش خواسته ۲۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال (بیست و یک میلیون

ریال) حکم به بی‌حقی خواهان صادر می‌نماید. (آزمون ۱۳۹۰)

الف) این حکم مطلقاً قابل فرجام نیست.

ب) این حکم پس از انقضای مهلت تجدیدنظر قابل فرجام است.  
ج) این حکم پس از تأیید توسط دادگاه تجدیدنظر استان، قابل فرجام است.  
د) این حکم قبل از انقضای مهلت تجدیدنظر و در صورت اسقاط حق تجدیدنظر قابل فرجام است.  
گزینه «ب» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۳۶۷ قانون آیین دادرسی مدنی؛  
ماده ۳۶۷- آرای دادگاه‌های بدوی که بعلت عدم درخواست تجدیدنظر قطعیت یافته قابل فرجام‌خواهی نیست مگر در موارد زیر:  
الف- احکام:

- ۱- احکامی که خواسته آن بیش از مبلغ بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد؛
- ۲- احکام راجع به اصل نکاح و فسخ آن، طلاق، نسب، حجر، وقف، ثلث، حبس و تولیت.  
ب- قرارهای زیر مشروط به اینکه اصل حکم راجع به آنها قابل رسیدگی فرجامی باشد:  
۱- قرار ابطال یا رد دادخواست که از دادگاه صادر شده باشد؛  
۲- قرار سقوط دعوا یا عدم اهلیت یکی از طرفین دعوا.

### مبحث هفدهم: فرجام‌خواهی

۱۹۳- هرگاه حکم غیابی از دادگاه در دعوایی صادر شود که خواسته آن سی میلیون ریال است و محکوم علیه در مهلت‌های مقرر از آن و اخواهی و تجدیدنظرخواهی ننماید:

(آزمون ۱۳۸۳)

- الف) در صورتی می‌تواند در مهلت فرجامی از آن فرجام‌خواهی کند که محکوم به کمتر از بیست میلیون ریال نباشد.  
ب) می‌تواند با اجازه رئیس دیوان عالی کشور از آن فرجام‌خواهی کند.  
ج) می‌تواند در مهلت فرجام‌خواهی از آن فرجام‌خواهی کند.  
د) نمی‌تواند از آن فرجام‌خواهی کند.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۶۷ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۳۶۷ مقرر می‌دارد: «آرای دادگاه‌های بدوی که به علت عدم درخواست تجدیدنظر قطعیت یافته قابل فرجام‌خواهی نیست مگر در موارد زیر:

الف- احکام:

- ۱- احکامی که خواسته آن بیش از مبلغ بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد.
- ۲- احکام راجع به اصل نکاح و فسخ آن، طلاق، نسب، حجر، وقف، ثلث، حبس و تولیت.  
ب- قرارهای زیر مشروط به این که اصل حکم راجع به آنها قابل رسیدگی فرجامی باشد:  
۱- قرار ابطال یا رد دادخواست که از دادگاه صادر شده باشد.  
۲- قرار سقوط دعوا یا عدم اهلیت یکی از طرفین دعوا.»

۱۹۴- کدامیک از احکام زیر چنانچه از دادگاه تجدیدنظر صادر شود قابل فرجام‌خواهی است؟ (آزمون ۱۳۸۱)

- الف) ثلث  
ب) حجر  
ج) تولیت  
د) هر سه مورد

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی و بند الف آن؛

ماده ۳۶۸ مقرر می‌دارد: «آرای دادگاه‌های تجدیدنظر استان قابل فرجام‌خواهی نیست مگر در موارد زیر:  
الف- احکام:

- احکام راجع به اصل نکاح و فسخ آن، طلاق، نسب، حجر و وقف.

ب- قرارهای زیر مشروط به این که اصل حکم راجع به آنها قابل رسیدگی فرجامی باشد:

۱- قرار ابطال یا رد دادخواست که از دادگاه تجدیدنظر صادر شده باشد.

۲- قرار سقوط دعوا یا عدم اهلیت یکی از طرفین دعوا.

۱۹۵- چنانچه رأی فرجام خواسته از دادگاهی صادر شده باشد که فاقد صلاحیت باشد دیوان عالی کشور در مورد عدم صلاحیت ذاتی

..... و در مورد عدم صلاحیت محلی ..... (آزمون ۱۳۹۲)

الف) رأی را نقض می‌نماید - اگر ایراد شده باشد، رأی را نقض می‌نماید.

ب) رأی را نقض می‌نماید - رأی را نقض می‌نماید.

ج) اگر ایراد شده باشد رأی را نقض می‌نماید - اگر ایراد شده باشد رأی را نقض می‌نماید.

د) رأی را نقض می‌نماید - اگر ایراد شده باشد، رأی را نقض می‌نماید مگر در مورد دعاوی مالکیت راجع به اموال غیرمنقول.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق بند ۱ ماده ۳۷۱ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۱۹۶- چنانچه دیوان عالی کشور در مرحله فرجام قرار دادگاه تجدیدنظر استان را که در تأیید قرار دادگاه بدوی صادر شده است نقض

نماید، رسیدگی مجدد را به کدام دادگاه ارجاع می‌نماید؟

(آزمون ۱۳۸۲)

الف) دادگاه بدوی

ب) شعبه هم عرض دادگاه بدوی

ج) شعبه هم عرض دادگاه تجدیدنظر

د) دادگاه تجدیدنظر استان که قرار منقوض را صادر کرده است.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۴۰۱ مقرر می‌دارد: «پس از نقض رأی دادگاه در دیوان عالی کشور، رسیدگی مجدد به دادگاهی که به شرح زیر تعیین می‌گردد ارجاع می‌شود و دادگاه مرجوع‌الیه مکلف به رسیدگی می‌باشد:

الف- اگر رأی منقوض به صورت قرار بوده و یا حکمی باشد که به علت نقص تحقیقات نقض شده است، رسیدگی مجدد به دادگاه صادر کننده آن ارجاع می‌شود.

ب- اگر رأی به علت عدم صلاحیت دادگاه نقض شده باشد، به دادگاهی که دیوان عالی کشور صالح بداند ارجاع می‌گردد.

ج- در سایر موارد نقض، پرونده به شعبه دیگر از همان حوزه دادگاه که رأی منقوض را صادر نموده ارجاع می‌شود و اگر آن حوزه بیش از یک شعبه دادگاه نداشته باشد به نزدیکترین دادگاه حوزه دیگر ارجاع می‌شود.»

۱۹۷- چنانچه شعبه دیوان عالی کشور قرار ابطال دادخواست تأیید شده توسط دادگاه تجدیدنظر را نقض نماید: (آزمون ۱۳۸۹)

الف) پرونده به شعبه بدوی صادرکننده قرار ارجاع می‌گردد.

ب) شعبه دیوان راساً مبادرت به رسیدگی ماهوی می‌نماید.

ج) پرونده به شعبه هم‌عرض دادگاه تجدیدنظر ارجاع می‌گردد.

د) پرونده به شعبه تجدیدنظر تأییدکننده قرار ارجاع می‌گردد.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۱۹۸- اگر قرار صادره در دادگاه بدوی مورد تأیید دادگاه تجدیدنظر قرار گیرد در صورت فرجام‌خواهی از آن و پس از نقض برای

(آزمون ۱۳۸۵)

رسیدگی به ماهیت دعوی، پرونده:

الف) به شعبه دیگر دادگاه تجدیدنظر تأیید کننده قرار ارجاع شود.

ب) به شعبه دیگر دادگاه بدوی صادر کننده قرار ارجاع شود.

ج) به دادگاه بدوی صادر کننده قرار ارجاع شود.

د) به دادگاه تجدیدنظر تأیید کننده قرار ارجاع می‌شود.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۴۰۵ مقرر می‌دارد: «دادگاه مرجوع‌الیه به شرح زیر اقدام می‌نماید:

الف- در صورت نقض حکم به علت نقص تحقیقات، تحقیقات مورد نظر دیوان عالی کشور را انجام داده، سپس با در نظر گرفتن آن مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

ب- در صورت نقض قرار، دادگاه مکلف است برابر رأی دیوان عالی کشور به دعوا رسیدگی کند مگر این که بعد از نقض، سبب تازه‌ای برای امتناع از رسیدگی به ماهیت دعوا حادث گردد. در این خصوص چنانچه قرار مقوض ابتدائاً در مرحله تجدیدنظر صادر شده باشد، به دادگاه صادر کننده قرار ارجاع می‌شود و اگر در تأیید قرار دادگاه بدوی بوده، پرونده برای رسیدگی به همان دادگاه بدوی ارجاع می‌گردد.»

۱۹۹- در صورتی که حکم دادگاه حقوقی پس از فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور نقض شود، دادگاه مرجوع‌الیه چه اقدامی انجام می‌دهد؟ (آزمون ۱۳۸۵)

الف) دادگاه مرجوع‌الیه مکلف به تبعیت از شعبه دیوان عالی کشور است.

ب) دادگاه مرجوع‌الیه تکلیفی به تبعیت از شعبه دیوان ندارد.

ج) دادگاه فقط از باب تعیین صلاحیت مکلف به تبعیت از نظر دیوان عالی کشور است.

د) اگر نقض حکم به علت نقص تحقیقات باشد مکلف به تبعیت از نظر دیوان است در غیر این صورت می‌تواند رأی اصراری صادر نماید.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۴۰۵ و ۴۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۴۰۸ مقرر می‌دارد: «در صورتی که پس از نقض حکم فرجام خواسته در دیوان عالی کشور دادگاه با ذکر استدلال طبق رأی اولیه اقدام به صدور رأی اصراری نماید و این رأی مورد درخواست رسیدگی فرجامی واقع شود، شعبه دیوان عالی کشور در صورت پذیرش استدلال، رأی دادگاه را ابرام، در غیر این صورت پرونده در هیأت عمومی شعب حقوقی مطرح و چنانچه نظر شعبه دیوان عالی کشور مورد ابرام قرار گرفت حکم صادره نقض و پرونده به شعبه دیگری ارجاع خواهد شد. دادگاه مرجوع‌الیه طبق استدلال هیأت عمومی دیوان عالی کشور حکم مقتضی صادر می‌نماید. این حکم در غیر موارد مذکور در ماده ۳۲۶ قطعی می‌باشد.»

۲۰۰- چنانچه نسبت به رأی راجع به اصل نکاح که از دادگاه خانواده صادر می‌شود در مهلت مقرر تجدیدنظرخواهی نشود و دادخواست فرجام نیز خارج از مهلت مقرر داده شود صدور قرار رد دادخواست فرجامی با .... و شکایت از این قرار در صلاحیت .... (آزمون ۱۳۹۲)

الف) دادگاه نخستین - دیوان عالی کشور است.

ب) مدیر دفتر دادگاه نخستین - دیوان عالی کشور است.

ج) دادگاه نخستین - دیوان عالی کشور است البته اگر محکوم‌علیه زوج باشد.

د) دادگاه نخستین - دیوان عالی کشور است البته اگر محکوم‌علیه زوجه باشد.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد.

### مبحث هجدهم: اعتراض شخص ثالث

۲۰۱- نحوه دادخواهی شخصی که از اصحاب دعوی نبوده و رأی به زیان او صادر و بواسطه انقضای مهلت تجدیدنظرخواهی قطعی شده است:

(آزمون ۱۳۸۴)

الف) دعوی ورود ثالث است.

ب) دعوی اعتراض ثالث است.

ج) فرجام‌خواهی نسبت به رأی صادره است.

د) شکایت به شعبه تشخیص دیوان عالی کشور است.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۴۱۷ مقرر می‌دارد: «اگر درخصوص دعوایی، رأی صادر شود که به حقوق شخص ثالث خللی وارد آورد و آن شخص یا نماینده او در دادرسی که منتهی به رأی شده است به عنوان اصحاب دعوا دخالت نداشته باشد، می‌تواند نسبت به آن رأی اعتراض نماید.»

(آزمون ۱۳۸۶)

۲۰۲- کدام یک از موارد زیر از دعوی طاری محسوب نمی‌شود؟

الف) ورود ثالث (ب) جلب ثالث

ج) اعتراض شخص ثالث (د) دعوی متقابل

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۶۸ رجوع کنید به دکتر عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، شماره ۳۶۹.

(آزمون ۱۳۸۸)

۲۰۳- کدام گزینه صحیح نیست؟

الف) مرجع اعاده دادرسی اصلی دادگاه صادر کننده حکم است.

ب) اعتراض ثالث طاری به موجب دادخواست است.

ج) هیچ یک از قرارها قابل اعاده دادرسی نیست.

د) اعتراض شخص ثالث مهلت ندارد.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۱، ۴۲۶ و ۴۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی؛

کلیه اعتراض طاری در دادگاهی که دعوا در آن مطرح است، بدون تقدیم دادخواست به عمل خواهد آمد.

(آزمون ۱۳۸۹)

۲۰۴- در کدام یک از صورتهای زیر، شخص می‌تواند به عنوان ثالث به حکم اعتراض کند؟

الف) در صورتی که در دادرسی منتهی به رأی صادره با هیچ سمتی دخالت نداشته باشد.

ب) در صورتی که در دادرسی منتهی به رأی صادره در دادگاه حاضر نشده و لایحه‌ای نیز تقدیم نکرده باشد.

ج) در صورتی که در دادرسی منتهی به رأی صادره به عنوان اصحاب دعوا دخالت نداشته باشد.

د) در صورتی که در دادرسی منتهی به رأی صادره خود یا نماینده‌اش به عنوان اصحاب دعوا دخالت نداشته باشد.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی؛

نسبت به قرار ردّ دعوی که دادگاه تجدیدنظر صادر می‌نماید، اعتراض ثالث طاری ..... و اعاده دادرسی طاری ..... و اعتراض ثالث

اصلی ..... است. (آزمون ۱۳۹۲)

الف) ممنوع - ممنوع - مجاز (ب) مجاز - ممنوع - ممنوع

ج) مجاز - مجاز - مجاز (د) مجاز - ممنوع - مجاز

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۴۱۷ تا ۴۱۹، ۴۲۶ و ۴۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۲۰۵- کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح است؟ (آزمون ۱۳۸۲)

الف) اعتراض طاری در دادگاهی که دعوا در آن مطرح است با تقدیم دادخواست به عمل می‌آید.

ب) دادخواست اعتراض ثالث اصلی به دادگاهی تقدیم می‌شود که رأی غیرقطعی را صادر کرده است.

ج) اعتراض ثالث اصلی بدون نیاز به دادخواست به دادگاهی تقدیم می‌شود که رأی قطعی را صادر کرده است.

د) در اعتراض طاری اگر درجه دادگاه پایین‌تر از دادگاهی باشد که رأی معترض عنه را صادر کرده است معترض دادخواست خود را به

دادگاهی که رأی را صادر کرده است تقدیم می‌کند.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۴۲۰ و ۴۲۱ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۴۲۰ مقرر می‌دارد: «اعتراض اصلی باید به موجب دادخواست و به طرفیت محکوم‌له و محکوم‌علیه رأی مورد اعتراض باشد. این دادخواست به دادگاهی تقدیم می‌شود که رأی قطعی معترض‌عنه را صادر کرده است. ترتیب دادرسی مانند دادرسی نخستین خواهد بود.»  
ماده ۴۲۱ مقرر می‌دارد: «اعتراض طاری در دادگاهی که دعوا در آن مطرح است بدون تقدیم دادخواست به عمل خواهد آمد، ولی اگر درجه دادگاه پایین‌تر از دادگاهی باشد که رأی معترض‌عنه را صادر کرده، معترض دادخواست خود را به دادگاهی که رأی را صادر کرده است تقدیم می‌نماید و موافق اصول، در آن دادگاه رسیدگی خواهد شد.»

**۲۰۶- حکمی که از دادگاه نخستین صادر و عیناً در دادگاه تجدیدنظر تأیید می‌شود، مرجع اعاده دادرسی .... (آزمون ۱۳۸۳)**

الف) و اعتراض ثالث نسبت به آن دادگاه تجدیدنظر است.

ب) و اعتراض ثالث نسبت به آن دادگاه عمومی است.

ج) نسبت به آن دادگاه عمومی و اعتراض ثالث نسبت به آن دادگاه تجدیدنظر است.

د) نسبت به آن دادگاه تجدیدنظر و اعتراض ثالث نسبت به آن دادگاه عمومی است.

**گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۴۲۰ و ۴۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی؛**

ماده ۴۳۳ مقرر می‌دارد: «دادخواست اعاده دادرسی اصلی به دادگاهی تقدیم می‌شود که صادرکننده همان حکم بوده است و درخواست اعاده دادرسی طاری به دادگاهی تقدیم می‌گردد که حکم در آن‌جا به عنوان دلیل ابراز شده است.

تبصره- پس از درخواست اعاده دادرسی طاری باید دادخواست لازم ظرف سه روز به دفتر دادگاه تقدیم گردد.»

**۲۰۷- اعتراض شخص ثالث بعد از اجرای حکم مورد اعتراض وقتی قابل طرح است که: (آزمون ۱۳۸۰)**

الف) اعتراض شخص ثالث بعد از اجرای حکم مورد اعتراض اساساً قابل طرح نیست.

ب) اعتراض شخص ثالث بعد از اجرای حکم در هر وضعیتی و به‌رحال قابل رسیدگی است.

ج) ثابت شود حقوقی که اساس و مأخذ اعتراض است به جهتی از جهات قانونی ساقط شده است.

د) ثابت شود حقوقی که اساس و مأخذ اعتراض است به جهتی از جهات قانونی ساقط نشده است.

**گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی؛**

ماده ۴۲۲ مقرر می‌دارد: «اعتراض شخص ثالث قبل از اجرای حکم مورد اعتراض، قابل طرح است و بعد از اجرای آن در صورتی می‌توان اعتراض نمود که ثابت شود حقوقی که اساس و مأخذ اعتراض است به جهتی از جهات قانونی ساقط نشده باشد.»

۶۵ رجوع کنید به مهاجری، دکتر علی، مبسوط در آیین دادرسی مدنی، جلد چهارم، شماره ۱۸۲۸.

**۲۰۸- دعوای اعتراض ثالث: (آزمون ۱۳۸۶)**

الف) باید ظرف بیست روز از تاریخ قطعی شدن رأی مورد اعتراض اقامه شود.

ب) باید ظرف یک ماه از تاریخ اطلاع از صدور رأی مورد اعتراض اقامه شود.

ج) باید ظرف سه ماه از قطعی شدن رأی مورد اعتراض اقامه شود.

د) اقامه این دعوی مقید به مهلت معین نیست.

**گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی؛**

۶۵ رجوع کنید به دکتر عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، شماره ۱۰۳۰.

**۲۰۹- در مواردی که دادگاه دعوی معترض ثالث را وارد تشخیص می‌دهد: (آزمون ۱۳۹۰)**

الف) چنانچه حکم معترض‌عنه غیر قابل تفکیک باشد نسبت به الغاء آن اقدام می‌نماید.

ب) چنانچه حکم معترض‌عنه قابل تفکیک باشد نسبت به الغاء آن اقدام می‌نماید.

ج) چنانچه حکم معترض‌عنه قابل تفکیک باشد نسبت به نقض آن و صدور حکم جدید اقدام می‌نماید.

د) چنانچه حکم معترض عنه قابل تفکیک نباشد نسبت به الغاء آن و صدور حکم جدید اقدام می‌نماید.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۴۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۴۲۵- چنانچه دادگاه پس از رسیدگی، اعتراض ثالث را وارد تشخیص دهد، آن قسمت از حکم را که مورد اعتراض قرار گرفته نقض می‌نماید و اگر مفاد حکم غیرقابل تفکیک باشد، تمام آن الغاء خواهد شد.

### مبحث نوزدهم: اعاده دادرسی

۲۱۰- اگر در ایران از مدرک حقایق مکتوم محکوم علیه حکمی در تاریخ ۱۳۹۰/۰۶/۲۳ اطلاع حاصل شود اما آن مدرک در تاریخ

۱۳۹۰/۰۶/۲۴ واصل گردد، آخرین موعد اقدام به اعاده دادرسی .... است. (آزمون ۱۳۹۰)

الف) ۱۳۹۰/۰۷/۱۲ (ب) ۱۳۹۰/۰۷/۱۳

ج) ۱۳۹۰/۰۷/۱۴ (د) ۱۳۹۰/۰۷/۱۵

گزینه «ب» صحیح می‌باشد. جمع مواد ۴۲۷ و ۴۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۴۲۷- مهلت درخواست اعاده دادرسی برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه به شرح زیر است: ...

ماده ۴۳۰- هرگاه جهت اعاده دادرسی وجود اسناد و مدارکی باشد که مکتوم بوده، ابتدای مهلت از تاریخ وصول اسناد و مدارک یا اطلاع از وجود آن محاکمه می‌شود. تاریخ یادشده باید در دادگاهی که به درخواست رسیدگی می‌کند، اثبات گردد.

۲۱۱- هرگاه جهت اعاده دادرسی حیل یا تقلب طرف مقابل باشد ابتدای مهلت درخواست اعاده دادرسی از تاریخ: (آزمون ۱۳۸۰)

الف) ابلاغ حکم نهایی مربوط به اثبات جعل یا حیل و تقلب می‌باشد.

ب) ابلاغ حکم مورد درخواست اعاده دادرسی است.

ج) ابلاغ و صدور حکم قطعی مربوط به اثبات حیل و تقلب است.

د) اصلاح درخواست کننده اعاده دادرسی از حیل و تقلب طرف مقابل است.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۴۲۹ مقرر می‌دارد: «در صورتی که جهت اعاده دادرسی جعلی بودن اسناد یا حیل و تقلب طرف مقابل باشد، ابتدای مهلت اعاده دادرسی، تاریخ ابلاغ حکم نهایی مربوط به اثبات جعل یا حیل و تقلب می‌باشد.»

۲۱۲- درخواست اعاده دادرسی نسبت به حکمی که از دادگاه بدوی صادر و در دادگاه تجدیدنظر تأیید و در مرحله فرجامی نیز ابرام شده است باید در کدامیک از مراجع زیر رسیدگی و راجع به آن اتخاذ تصمیم شود؟ (آزمون ۱۳۸۲)

الف) دادگاه بدوی (ب) دیوان عالی کشور

ج) دادگاه تجدیدنظر استان (د) شعبه تشخیص دیوان عالی کشور

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۴۳۳ مقرر می‌دارد: «دادخواست اعاده دادرسی اصلی به دادگاهی تقدیم می‌شود که صادر کننده همان حکم بوده است و درخواست اعاده دادرسی طاری به دادگاهی تقدیم می‌گردد که حکم در آنجا به عنوان دلیل ابراز شده است.

تبصره- پس از درخواست اعاده دادرسی طاری باید دادخواست لازم ظرف سه روز به دفتر دادگاه تقدیم گردد.»

۲۱۳- اعاده دادرسی اصلی به کدام مرجع تقدیم می‌شود؟ (آزمون ۱۳۸۷- اتحادیه)

الف) فقط از طریق رییس کل دادگستری استان

ب) فقط به دیوان عالی کشور

ج) فقط به مرجع تجدیدنظر

د) به دادگاهی که صادرکننده حکمی است که نسبت به آن اعاده دادرسی تقاضا می‌شود.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۲۱۴- چنانچه دعوایی در دیوان عالی کشور تحت رسیدگی باشد: (آزمون ۱۳۹۰)

الف) اگر درخواست اعاده دادرسی شود دیوان عالی کشور وفق مقررات به آن رسیدگی می‌نماید.

ب) درخواست اعاده دادرسی نسبت به حکم صادره از دادگاه تا زمانی که در دیوان عالی کشور رأی صادر نشده پذیرفته نمی‌شود.

ج) اگر درخواست اعاده دادرسی شود درخواست به دادگاه صادرکننده حکم ارجاع می‌شود ولی مانع ادامه رسیدگی در دیوان عالی کشور نمی‌شود.

د) اگر درخواست اعاده دادرسی شود درخواست به دادگاه صادرکننده حکم ارجاع می‌شود و در صورت قبول درخواست، رسیدگی در دیوان تا صدور حکم متوقف می‌شود.

گزینه «د» صحیح می‌باشد. مطابق تبصره ماده ۴۳۴ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۴۳۴- دادگاهی که دادخواست اعاده دادرسی طاری را دریافت می‌دارد مکلف است آن را به دادگاه صادرکننده حکم ارسال نماید و چنانچه دلایل درخواست را قوی بداند و تشخیص دهد حکمی که در خصوص درخواست اعاده دادرسی صادر می‌گردد مؤثر در دعوی می‌باشد، رسیدگی به دعوی مطروحه را در قسمتی که حکم راجع به اعاده دادرسی در آن مؤثر است تا صدور حکم نسبت به اعاده دادرسی به تأخیر می‌اندازد و در غیر این صورت به رسیدگی خود ادامه می‌دهد.

تبصره- چنانچه دعوایی در دیوان عالی کشور تحت رسیدگی باشد و درخواست اعاده دادرسی نسبت به آن شود، درخواست به دادگاه صادرکننده حکم ارجاع می‌گردد. در صورت قبول درخواست یادشده از طرف دادگاه، رسیدگی در دیوان عالی کشور تا صدور حکم متوقف خواهد شد

۲۱۵- چنانچه پس از درخواست اعاده دادرسی پرونده با قبول درخواست اعاده دادرسی در دادگاه مطرح شود، کدام یک از گزینه‌های زیر درست است؟ (آزمون ۱۳۸۸)

الف) فقط دعوی ورود ثالث پذیرفته می‌شود.

ب) غیر از طرفین دعوی شخص دیگری به هیچ عنوان نمی‌تواند داخل در دعوا شود.

ج) طبق قواعد عمومی آیین دادرسی مدنی امکان اقامه دعوی طاری وجود دارد.

د) فقط دعوی متقابل پذیرفته می‌شود.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۴۴۱ مقرر می‌دارد: «در اعاده دادرسی غیر از طرفین دعوا شخص دیگری به هیچ عنوان نمی‌تواند داخل در دعوا شود.»

www.Magazine.Shme.ir

مبحث بیستم: مواعد

۲۱۶- در احتساب مواعد:

(آزمون ۱۳۸۶)

الف) چنانچه از مواعد قانونی باشد روز ابلاغ و روز اقدام جزء مدت محسوب نمی‌شود.

ب) چنانچه از مواعد قضایی باشد روز ابلاغ و روز اقدام جزء مدت محسوب نمی‌شود.

ج) هم در مواعد قانونی و هم در مواعد قضایی روز ابلاغ و روز اقدام جزء مدت محسوب نمی‌شود.

د) در مواعد قانونی روز ابلاغ و روز اقدام جزء مدت محسوب نمی‌شود و در قضایی می‌شود.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۴۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۴۴۵ مقرر می‌دارد: «موعدی که ابتدای آن تاریخ ابلاغ یا اعلام ذکر شده است، روز ابلاغ و اعلام و همچنین روز اقدام جزء مدت محسوب نمی‌شود.»

### مبحث بیست و یکم: داوری

۲۱۷- کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح است؟

(آزمون ۱۳۸۲)

- الف) بعد از تعیین داور یا داوران، طرفین با تراضی حق عزل آنان را ندارند.  
ب) دادگاه نمی‌تواند وکیل یکی از اصحاب دعوا را حتی با تراضی طرفین به سمت داور معین نماید.  
ج) طرفین دعوا فقط در مرحله بدوی می‌توانند دعوا را به داوری ارجاع دهند و در مراحل دیگر چنین اختیاری ندارند.  
د) هیچکدام

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۲۱۸- چه اشخاصی را مطلقاً نمی‌توان به عنوان داور انتخاب نمود؟ (آزمون ۱۳۹۰)

الف) مدیر دفتر دادگاه

ب) کسانی که در دعوی ذینفع باشند.

ج) کارمندان دولت در حوزه مأموریت آنان

د) کسانی که خود یا همسرانشان وارث یکی از اصحاب دعوی باشند.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۴۷۰ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۴۷۰- کلیه قضات و کارمندان اداری شاغل در محاکم قضایی نمی‌توانند داوری نمایند هر چند با تراضی طرفین باشد.  
کلیه مطابق ماده ۴۶۹ ق.آ.د.م، انتخاب موارد مندرج در گزینه‌های ب، ج و د به عنوان داور با تراضی طرفین امکان‌پذیر می‌باشد ولی مدیر دفتر دادگاه را به علت اینکه از کارمندان اداری شاغل در محاکم قضایی محسوب می‌گردد مطلقاً نمی‌توان به عنوان داور انتخاب نمود.

۲۱۹- چنانچه نسبت به سندی که نزد داور مطرح شده ادعای جعل شود رسیدگی به ادعای جعل در صلاحیت ..... (آزمون ۱۳۹۲)

الف) در هر حال داور است.

ب) در هر حال دادگاه است.

ج) داور است مگر جاعل تعیین شده باشد.

د) دادگاه است مگر تعیین جاعل شده باشد.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۷۹ قانون آیین دادرسی مدنی؛

۲۲۰- چنانچه طرفین در قرارداد داوری طریق خاصی برای ابلاغ رأی داوری پیش‌بینی نکرده باشند، در این صورت: (آزمون ۱۳۸۰)

الف) شخص داور مکلف است رأی خود را به دفتر دادگاه ارجاع‌کننده به داوری یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد تقدیم نماید.

ب) محکوم‌له می‌تواند آن را برای ابلاغ به دفتر دادگاه ارجاع‌کننده به داوری یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد تسلیم نماید.

ج) محکوم‌علیه می‌تواند آن را به دفتر دادگاه ارجاع‌کننده به داوری یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد تقدیم کند.

د) وکیل محکوم‌له و یا محکوم‌علیه رأی داور را به دفتر دادگاه ارجاع‌کننده به داوری یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد تسلیم نماید.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۸۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۴۸۵ مقرر می‌دارد: «چنانچه طرفین در قرارداد داوری طریق خاصی برای ابلاغ رأی داوری پیش‌بینی نکرده باشند، داور مکلف است رأی خود را به دفتر دادگاه ارجاع کننده دعوا به داور یا یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد تسلیم نماید. دفتر دادگاه اصل رأی را بایگانی نموده و رونوشت گواهی شده آن را به دستور دادگاه برای اصحاب دعوا ارسال می‌دارد.»

#### ۲۲۱- درخواست ابطال رأی داور: (آزمون ۱۳۹۰)

الف) در صورت سپردن تأمین مناسب از موجبات توقف اجرای رأی داور است.

ب) دادگاه در صورت وجود جهات قانونی ابطال- مکلف به توقف اجرای رأی داور است.

ج) در صورت قوی بودن دلایل خواهان و سپردن تأمین مناسب از موجبات توقف اجرای رأی داور است.

د) در صورتی که درخواست ابطال مستند به اسناد تجاری باشد دادگاه مکلف به توقف اجرای رأی داور است.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۴۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۴۹۰- در مورد ماده فوق هر یک از طرفین می‌تواند ظرف بیست روز بعد از ابلاغ رأی داور از دادگاهی که دعوا را ارجاع به داوری کرده یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد، حکم به بطلان رأی داور را بخواهد در این صورت دادگاه مکلف است به درخواست رسیدگی کرده، هرگاه رأی از موارد مذکور در ماده فوق باشد حکم به بطلان آن دهد و تا رسیدگی به اصل دعوا و قطعی شدن حکم به بطلان، رأی داور متوقف می‌ماند.

تبصره- مهلت یادشده در این ماده و ماده ۴۸۸ نسبت به اشخاصی که مقیم خارج از کشور می‌باشند دوماه خواهد بود. شروع مهلت‌های تعیین شده در این ماده و ماده ۴۸۸ برای اشخاصی که دارای عذر موجه به شرح مندرج در ماده ۳۰۶ این قانون و تبصره ۱ آن بوده‌اند پس از رفع عذر احتساب خواهد شد.

#### ۲۲۲- در صورتی که درخواست ابطال رأی داور خارج از موعد مقرر باشد و دادگاه قرار رد دادخواست را صادر نماید، این قرار:

(آزمون ۱۳۸۰)

الف) ظرف ده روز در همان دادگاه صادرکننده قابل اعتراض است.

ب) ظرف ده روز قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان است.

ج) ظرف بیست روز قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان است.

د) قطعی و غیرقابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان است.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۹۲ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۴۹۲ مقرر می‌دارد: «در صورتی که درخواست ابطال رأی داور خارج از موعد مقرر باشد، دادگاه قرار رد دادخواست را صادر می‌نماید. این قرار قطعی است.»

کلیه اعتراض به رأی داور، مستلزم تقدیم دادخواست نمی‌باشد.

رجوع کنید به مهاجری، دکتر علی، مبسوط در آیین دادرسی مدنی، جلد چهارم، شماره ۲۱۳۰.

#### ۲۲۳- هرگاه رأی داور مورد اعتراض واقع شود آیا صرف اعتراض مانع اجرای رأی است؟ (آزمون ۱۳۸۵)

الف) بلی

ب) خیر

ج) با اخذ تأمین از محکوم علیه رأی اجراء نمی‌شود.

د) در صورتی اجراء می‌شود که محکوم له تأمین ندهد.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۴۹۳ مقرر می‌دارد: «اعتراض به رأی داور مانع اجرای آن نیست، مگر آن که دلایل اعتراض قوی باشد. در این صورت دادگاه قرار توقف منع اجرای آن را تا پایان رسیدگی به اعتراض و صدور حکم قطعی صادر می‌نماید و در صورت اقتضا تأمین مناسب نیز از معترض اخذ خواهد شد.»

۲۲۴- کدام یک از دعاوی زیر قابل ارجاع به داوری نیست؟ (آزمون ۱۳۸۶)

الف) دعوی ورشکستگی و نسب      ب) دعاوی راجع به اموال غیرمنقول ثبت شده

ج) دعاوی مربوط به مهریه و نفقه      د) دعاوی که یک طرف آن دولت باشد.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۴۹۶ مقرر می‌دارد: «دعاوی زیر قابل ارجاع به داوری نیست:

۱- دعاوی ورشکستگی.

۲- دعاوی واجبه به اصل نکاح، فسخ آن، طلاق و نسب.»

### مبحث بیست و دوم: هزینه دادرسی و اعسار

۲۲۵- رسیدگی به ادعای اعسار از پرداخت هزینه دادرسی فرجام‌خواهی با چه دادگاهی است؟ (آزمون ۱۳۸۱)

الف) دادگاه نخستین

ب) دادگاه تجدیدنظر

ج) دیوان عالی کشور

د) دادگاهی که رأی فرجام خواسته را صادر کرده است.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۵۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۵۰۵ مقرر می‌دارد: «ادعای اعسار از پرداخت هزینه دادرسی ضمن درخواست نخستین یا تجدیدنظر یا فرجام مطرح خواهد شد. طرح این ادعا به موجب دادخواست جداگانه نیز ممکن است. اظهارنظر در مورد اعسار از هزینه تجدیدنظرخواهی و یا فرجام‌خواهی با دادگاهی می‌باشد که رأی مورد درخواست تجدیدنظر و یا فرجام را صادر نموده است.»

۲۲۶- اگر خواهان ضمن خواسته اصلی تقاضای صدور حکم به اعسار از هزینه دادرسی را نیز نماید: (آزمون ۱۳۸۴)

الف) دادگاه بدون ابلاغ دادخواست بدو به ادعای اعسار رسیدگی نموده و در صورت پذیرش اعسار، دادخواست به خواننده ابلاغ می‌شود.

ب) دادگاه بعد از ابلاغ دادخواست به دادستان نسبت به اعسار رسیدگی نموده و در صورت پذیرش اعسار دادخواست به خواننده ابلاغ می‌گردد.

ج) در صورتی که خواننده در هیچ یک از جلسات دادرسی شرکت نکرده و لایحه نداده و وکیل نیز معرفی نکرده و ابلاغ نیز واقعی نباشد، حکم دادگاه نسبت به خواسته اصلی اعسار غیابی است.

د) در صورتی که خواننده در هیچیک از جلسات دادرسی شرکت نکرده و لایحه نداده و وکیل نیز معرفی نکرده و ابلاغ نیز واقعی نباشد، حکم دادگاه نسبت به خواسته اصلی غیابی و نسبت به حکم اعسار حضوری است.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۵۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۵۰۷ مقرر می‌دارد: «مدیر دفتر ظرف دو روز از تاریخ وصول دادخواست اعسار، پرونده را به نظر قاضی دادگاه می‌رساند تا چنانچه حضور شهود را در جلسه دادرسی لازم بداند به مدعی اعسار اخطار شود که در روز مقرر شهود خود را حاضر نماید.

مدیر دفتر نسخه دیگر دادخواست را برای طرف دعوی اصلی ارسال و در ضمن روز جلسه دادرسی را تعیین و ابلاغ می‌نماید. به هر حال حکم صادره در خصوص اعسار حضوری محسوب است.»

(آزمون ۱۳۸۵)

۲۲۷- در صورت صدور حکم اعسار شخصی از پرداخت هزینه دادرسی:

الف) فقط در پرونده‌ای که خواسته شده و برای همان مرحله قابل استفاده است.

ب) حکم اعسار در هر دعوی در هر مرجع قابل استفاده است.

ج) فقط برای آن دعوی مطرح شده قابل استفاده است ولی معسر می‌تواند در تمام مراحل مربوط به آن دعوی از معافیت استفاده کند.

د) معسر از پرداخت هزینه دادرسی کلیه پرونده‌هایی که در دادگاه صادر کننده حکم اعسار مطرح شود معاف است.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۵۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۵۰۸ مقرر می‌دارد: «معافیت از هزینه دادرسی باید برای هر دعوا به طور جداگانه تحصیل شود ولی معسر می‌تواند در تمام مراحل مربوط به همان دعوا از معافیت استفاده کند.»

۲۲۸- کدام یک از موارد زیر در خصوص دعوای اعسار، (از پرداخت محکوم‌به و هزینه دادرسی) صحیح نیست؟ (آزمون ۱۳۸۹)

الف) دعوای اعسار یک دعوای غیرمالی است.

ب) امکان استفاده از حکم اعسار متوفی برای ورثه وی وجود ندارد.

ج) معافیت از هزینه دادرسی باید برای هر مرحله به طور مجزا تحصیل شود.

د) امکان رسیدگی به دادخواست اعسار از پرداخت محکوم‌به قبل از حبس محکوم‌علیه منع قانونی ندارد.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۵۰۸ و ۵۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۵۱۰ مقرر می‌دارد: «اگر معسر فوت شود، ورثه نمی‌توانند از حکم اعسار هزینه دادرسی مورث استفاده نمایند، لکن فوت مورث در هر یک از دادرسی‌های نخستین و تجدیدنظر و فرجام مانع جریان دادرسی در آن مرحله نیست و هزینه دادرسی از ورثه مطالبه می‌شود، مگر آن که ورثه نیز اعسار خود را ثابت نمایند.»

۲۲۹- کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح است؟

الف) قبول یا رد سوگند قابل توکیل نیست.

ب) هیچ قراری از اعتبار امر مختوم برخوردار نیست.

ج) از تاجر دادخواست اعسار پذیرفته نمی‌شود.

د) دعوای خلع ید از مال غیرمنقول باید در مرکز اصلی شرکت اقامه شود.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۵۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی؛

ماده ۵۱۲ مقرر می‌دارد: «از تاجر، دادخواست اعسار پذیرفته نمی‌شود. تاجری که مدعی اعسار نسبت به هزینه دادرسی می‌باشد باید برابر

مقررات قانون تجارت دادخواست ورشکستگی دهد. کسبه جز مشمول این ماده نخواهند بود.»

(آزمون ۱۳۸۲)

(آزمون ۱۳۸۴)

۲۳۰- آیا از تاجر دادخواست اعسار از هزینه دادرسی پذیرفته می‌شود؟

الف) بله، تاجر در این خصوص فرقی با غیرتاجر ندارد.

ب) بله، مشروط بر اینکه دفاتر قانونی خود را ارائه نماید.

ج) خیر، تاجر مدعی اعسار بایستی دادخواست ورشکستگی بدهد.

د) بله، ولی پذیرش آن منوط به موافقت اداره دارایی اقامتگاه تاجر است.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۵۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی؛

## مبحث بیست و سوم: مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعهد

(آزمون ۱۳۸۴)

۲۳۱- کدام گزینه صحیح است؟

- الف) هر دو خسارت ناشی از عدم‌النفع و تأخیر تأدیه قابل مطالبه است.  
ب) هیچ یک از دو خسارت ناشی از عدم‌النفع یا تأخیر تأدیه قابل مطالبه نیست.  
ج) خسارت ناشی از عدم‌النفع قابل مطالبه نیست ولی خسارت تأخیر تأدیه قابل مطالبه است.  
د) خسارت ناشی از عدم‌النفع قابل مطالبه است ولی خسارت تأخیر تأدیه قابل مطالبه نیست.  
گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی؛  
ماده ۵۱۵ مقرر می‌دارد: «... تبصره ۲- خسارت ناشی از عدم‌النفع قابل مطالبه نیست و خسارت تأخیر تأدیه در موارد قانونی، قابل مطالبه می‌باشد.»

(آزمون ۱۳۸۴)

۲۳۲- کدام مورد جزء خسارت دادرسی نیست؟

- الف) حق‌الوکاله وکیل  
ب) حق‌الزحمه کارشناس  
ج) هزینه تحقیقات محلی  
د) هزینه رفت و آمد خواهان از شهرستان محل اقامت خود تا شهرستان محل دادگاه  
گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۵۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی؛  
ماده ۵۱۹ مقرر می‌دارد: «خسارات دادرسی عبارتست از هزینه دادرسی و حق‌الوکاله وکیل و هزینه‌های دیگری که بطور مستقیم مربوط به دادرسی و برای اثبات دعوا یا دفاع لازم بوده است از قبیل حق‌الزحمه کارشناسی و هزینه تحقیقات محلی»

## مبحث بیست و چهارم: مستثنیات دین

(آزمون ۱۳۸۰)

۲۳۳- مستثنیات دین مدیون تا چه زمانی جاری است؟

- الف) برای همیشه  
ب) تا زمان حیات محکوم‌علیه  
ج) تا زمان حیات محکوم‌له  
د) تا پنج سال پس از صدور اجرائیه  
گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۵۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی؛  
ماده ۵۲۶ مقرر می‌دارد: «مستثنیات دین تا زمان حیات محکوم‌علیه جاری است.»

(آزمون ۱۳۸۴)

۲۳۴- به دعاوی حقوقی علیه روحانیون در کدام دادگاه و به چه ترتیب رسیدگی می‌شود؟

- الف) در دادگاه عمومی طبق آیین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی  
ب) در دادگاه عمومی طبق آیین‌نامه مربوط به دادگاه ویژه روحانیت  
ج) در دادگاه ویژه روحانیت طبق آیین‌نامه مربوط به دادگاه مذکور  
د) در دادگاه ویژه روحانیت طبق آیین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی  
گزینه «الف» صحیح می‌شود، مطابق ماده ۵۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی؛  
ماده ۵۲۸ مقرر می‌دارد: «داسرا و دادگاه ویژه روحانیت که براساس دستور ولایت، رهبر کبیر انقلاب امام خمینی (ره) تشکیل گردیده طبق اصول پنجم (۵) و پنجاه و هفتم (۵۷) قانون اساسی تا زمانی که رهبر معظم انقلاب اسلامی ادامه کار آن را مصلحت بدانند به جرایم اشخاص روحانی رسیدگی خواهد کرد و پرداخت حقوق و مزایای قضات و کارکنان آن تابع مقررات مربوط به قوه قضاییه می‌باشد.»

## مبحث بیست و پنجم: موارد مرتبط با قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب

۲۳۵- هر شعبه تشخیص دیوان عالی کشور<sup>۱</sup>: (آزمون ۱۳۸۲)

- (الف) مرکب از ۵ قاضی است که رسمیت جلسه با حضور کلیه اعضا و تصمیمات آن با اکثریت آرا خواهد بود.
- (ب) مرکب از ۵ قاضی است که رسمیت جلسه با اکثریت اعضا و تصمیمات آن با اکثریت آرا خواهد بود.
- (ج) مرکب از ۳ قاضی است که رسمیت جلسه با حضور کلی اعضا و تصمیمات آن با اکثریت آرا خواهد بود.
- (د) مرکب از ۳ قاضی است که رسمیت جلسه با حضور اکثریت اعضا و تصمیمات آن به اتفاق آرا خواهد بود.

- مطابق تبصره ۴ قانون اصلاح ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۵، شعب تشخیص منحل شده‌اند.

۲۳۶- صرف درخواست تجدیدنظر نسبت به رأی قطعی، در شعبه تشخیص، اجرای حکم را<sup>۲</sup>: (آزمون ۱۳۸۳)

- (الف) در هر حال متوقف می‌کند.
  - (ب) در هیچ صورت متوقف نمی‌کند.
  - (ج) در صورتی متوقف می‌کند که محکوم علیه تأمین مناسب دهد.
  - (د) در صورتی متوقف می‌نماید که اکثریت اعضای شعبه موافقت نمایند.
- مطابق تبصره ۴ قانون اصلاح ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۵ شعب تشخیص منحل شده‌اند.

۲۳۷- تجدیدنظرخواهی از حکم قطعی به دلیل اینکه خلاف بین قانون یا شرع می‌باشد: (آزمون ۱۳۸۴)

- (الف) به دلیل قطعیت حکم به هیچ وجه امکانپذیر نیست.
  - (ب) فقط یکبار از طریق شعب تشخیص<sup>۳</sup> امکانپذیر است.
  - (ج) فقط یکبار با دستور رییس قوه قضاییه امکانپذیر است.
  - (د) یکبار از طریق شعب تشخیص و بعد از آن هم با دستور «رییس»<sup>۴</sup> قوه قضاییه امکانپذیر است.
- مطابق تبصره ۴ قانون اصلاحی ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۵، شعب تشخیص منحل شده‌اند.

۲۳۸- در صورتی که شعبه تشخیص دیوان عالی کشور حکم معترض عنه را خلاف بین شرع یا قانون تشخیص دهد<sup>۵</sup>: (آزمون ۱۳۸۵)

- (الف) رأی را نقض و جهت صدور حکم ماهوی به دادگاه صادر کننده حکم ارسال می‌نماید.
- (ب) رأی را نقض و خود حکم ماهوی صادر می‌نماید.
- (ج) رأی را نقض و به دادگاه هم عرض دادگاه صادر کننده حکم ارجاع می‌دهد.
- (د) نظر خود را جهت اقدام قانونی به رییس دادگاه دیوان عالی کشور اعلام می‌نماید.

Www.Magazine.Online.ir

۱. شعب تشخیص دیوان عالی کشور به موجب تبصره ۴ قانون اصلاح ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۵ منحل شده‌اند: تبصره ۴- «پرونده‌هایی که قبل از لازم‌الاجرا شدن این قانون به شعب تشخیص وارد شده است مطابق مقررات زمان ورود رسیدگی می‌شود. پس از رسیدگی به پرونده‌های موجود، شعب تشخیص منحل می‌شود.»

۲. همان

۳. همان

۴. در متن اصلی، اشتباهاً کلمه «رییس» از قلم افتاده است.

۵. رجوع شود به پاورقی شماره ۱.

- مطابق تبصره ۴ قانون اصلاح ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۵، شعب تشخیص منحل شده‌اند.

### مبحث بیست و ششم: موارد مرتبط با قانون اجرای احکام مدنی

۲۳۹- صدور اجرائیه با کدام دادگاه است؟

(آزمون ۱۳۸۶)

الف) با دادگاه نخستین

ب) با دادگاه صادرکننده حکم قطعی

ج) با دادگاه تجدیدنظر

د) اگر دادگاه تجدیدنظر حکم بدوی را تأیید کرده باشد با دادگاه بدوی و اگر نقض کرده باشد با دادگاه تجدیدنظر

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۴ و ۵ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶؛

ماده ۴ مقرر می‌دارد: «اجرای حکم با صدور اجرائیه به عمل می‌آید مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

در مواردی که دادگاه جنبه اعلامی داشته و مستلزم انجام عملی از طرف محکوم‌علیه نیست از قبیل اعلام اصالت یا بطلان سند اجرائیه صادر نمی‌شود همچنین در مواردی که سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت طرف دعوی نبوده ولی اجرای حکم باید به وسیله آنها صورت گیرد صدور اجرائیه لازم نیست و سازمان‌ها و مؤسسات مزبور مکلفند به دستور دادگاه حکم را اجرا کنند.»

ماده ۵ مقرر می‌دارد: «صدور اجرائیه با دادگاه نخستین است.»

(آزمون ۱۳۸۷-مرکز)

۲۴۰- چنانچه حکم دادگاه از جهت نحوه اجرای اجمال و یا ابهام باشد:

الف) توسط قاضی اجرای احکام رفع ابهام می‌گردد.

ب) توسط دادگاه صادرکننده حکم، تصحیح می‌گردد.

ج) با توجه به قاعده فراغ دادرس، حکمی که دارای ابهام است قابل تفسیر نیست و خواهان مکلف به طرح مجدد دعوی است.

د) توسط دادگاه صادرکننده حکم، تفسیر و رفع ابهام می‌گردد.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۲۵ و ۲۶ قانون اجرای احکام مدنی؛

ماده ۲۵ مقرر می‌دارد: «هرگاه در جریان اجرای حکم اشکالی پیش آید دادگاهی که حکم تحت نظر آن اجرا می‌شود رفع اشکال می‌نماید.»

ماده ۲۶ مقرر می‌دارد: «اختلاف ناشی از اجرای احکام راجع به دادگاهی است که حکم توسط آن دادگاه اجرا می‌شود.»

(آزمون ۱۳۸۹)

۲۴۱- کدام یک از عبارات زیر صحیح نیست؟

الف) فوت محکوم‌علیه در جریان اجرای حکم موجب توقف عملیات اجرایی می‌شود.

ب) درخواست تحریر ترکه می‌تواند از موجبات تعلیق عملیات اجرایی در طول مدت تحریر ترکه باشد.

ج) درخواست رفع اختلاف نسبت به مفاد حکم تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند از موجبات صدور قرار تأخیر اجرای حکم توسط دادگاه باشد.

د) دادخواست شخصی ثالثی که اموال محکوم‌علیه نزد او توقیف شده است مبنی بر تلف مال بدون تعدی و تفریط او، می‌تواند از موجبات صدور قرار توقیف عملیات اجرایی باشد.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۴ قانون اجرای احکام مدنی؛

ماده ۴۴ مقرر می‌دارد: «اگر عین محکوم‌به در تصرف کسی غیر از محکوم‌علیه باشد این امر مانع اقدامات اجرایی نیست مگر این که متصرف

مدعی حقی از عین یا منافع آن بوده و دلائلی هم ارائه نماید در این صورت داورز (مأمور اجرا) یک هفته به او مهلت می‌دهد تا به دادگاه

صلاحیتدار مراجعه کند و در صورتی که ظرف پانزده روز از تاریخ مهلت مذکور قرار دایر به تأخیر اجرای حکم به قسمت اجرا ارائه نگردد

عملیات اجرایی ادامه خواهد یافت.»

رجوع کنید به ماده ۲۱۹ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹.

۲۴۲- آیا تصمیم دادگاه در مورد اعتراض ثالث اجرایی که مستند به حکم قطعی یا سند رسمی نباشد (موضوع ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی) قابل تجدیدنظر است؟ (آزمون ۱۳۸۸)

الف) بله، در همان دادگاه (ب) بله، در دیوان عالی کشور

ج) بله، در دادگاه تجدیدنظر استان (د) خیر

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی؛

ماده ۴۷ مقرر می‌دارد: «هرگاه محکوم‌به انجام عمل معینی باشد و محکوم‌علیه از انجام آن امتناع ورزد و انجام عمل به توسط شخص دیگری ممکن باشد محکوم‌له می‌تواند تحت نظر دادورز (مأمور اجرا) آن عمل را وسیله دیگری انجام دهد و هزینه آن را مطالبه کند و یا بدون انجام عمل هزینه لازم را به وسیله قسمت اجرا از محکوم‌علیه مطالبه نماید. در هر یک از موارد مذکور دادگاه با تحقیقات لازم و در صورت ضرورت با جلب نظر کارشناس میزان هزینه را معین می‌نماید. وصول هزینه مذکور و حق‌الزحمه کارشناس از محکوم‌علیه به ترتیبی است که برای وصول محکوم به نقدی مقرر است.

تبصره- در صورتی که انجام عمل توسط شخص دیگری ممکن نباشد مطابق ماده ۷۲۹ آیین دادرسی مدنی انجام خواهد شد.»

۲۴۳- کدام عبارت صحیح است؟ (آزمون ۱۳۹۰)

الف) اموال منقول خارج از محل کار یا محل سکونت محکوم‌علیه در صورتی قابل توقیف است که دلایل و قرائن کافی بر احراز مالکیت او در دست باشد.

ب) چنانچه عین محکوم‌به غیر منقولی در تصرف ثالث باشد و متصرف نسبت به آن ادعای حقی از عین یا منافع نماید این امر مانع عملیات اجرایی نیست.

ج) اموال منقولی که داخل محل سکونت یا محل کار محکوم‌علیه باشد در صورتی توقیف می‌شود که دلایل و قرائن کافی بر احراز مالکیت او در دست باشد.

د) مال منقولی که در تصرف کسی غیر از محکوم‌علیه باشد در صورتی قابل توقیف نیست که متصرف نسبت به آن ادعای مالکیت نماید و دلایلی نیز ارائه نماید.

گزینه «الف» صحیح می‌باشد. مطابق ماده ۶۲ قانون اجرای احکام مدنی

ماده ۶۲ مقرر می‌دارد: «اموال منقولی که خارج از محل سکونت یا محل کار محکوم‌علیه باشد در صورتی توقیف می‌شود که دلایل و قرائن کافی بر احراز مالکیت او در دست باشد.»

## دو هفته نامه تخصصی اطلاع‌رسانی حقوق و قانون ایران

مبحث بیست و هفتم: موارد مرتبط با قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین

۲۴۴- قرار رد دعوایی به خواسته مطالبه مبلغ دویست میلیون ریال وجه نقد در مرحله بدوی صادر شده است؛ هزینه درخواست تجدیدنظر از قرار مذکور چه میزان است؟ (آزمون ۱۳۸۲)

الف) یک هزار (۱۰۰۰) ریال است.

ب) سه درصد (۳٪) به نسبت ارزش محکوم‌به است.

ج) تا مبلغ ده میلیون ریال سه درصد (۳٪) ارزش محکوم‌به و مازاد آن به نسبت اضافی پنج درصد (۵٪) محکوم‌به است.

د) تا مبلغ ده میلیون ریال معادل یک و نیم درصد (۱/۵٪) ارزش خواسته و بیش از مبلغ ده میلیون ریال به نسبت مازاد آن دو درصد (۲٪) ارزش خواسته است.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد.

رجوع کنید به بند ۱۶ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳.  
نکته: مطابق تعرفه خدمات قضایی موضوع قانون بودجه ۱۳۹۳ کل کشور، هزینه درخواست تجدیدنظر از قرارهای قابل تجدیدنظر در دادگاه و دیوان عالی کشور، مبلغ ۲۰۰.۰۰۰ ریال تعیین گردیده است.

(آزمون ۱۳۸۷ - مرکز)

#### ۲۴۵- تقویم خواسته غیرمنقول توسط خواهان:

الف) الزامی نیست و توسط کارشناس تعیین می‌گردد.  
ب) الزامی است و در تعیین هزینه دادرسی و صلاحیت دادگاه مؤثر است.  
ج) الزامی است و صرفاً در تعیین صلاحیت دادگاه مؤثر است.  
د) الزامی نیست و براساس ارزش معاملاتی املاک تعیین می‌شود.  
گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق شق ج از بند ۱۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳؛

ماده ۳ مقرر می‌دارد: «... ۱۲- هزینه دادرسی به شرح زیر تعیین که بر اساس آن تمبر الصاق و ابطال می‌گردد.  
ج- مرحله تجدیدنظر در دیوان عالی کشور و موارد اعاده دادرسی و اعتراض ثالث بر حکم...»

(آزمون ۱۳۸۹)

#### ۲۴۶- در دعای مالی غیرمنقول و خلع ید از اعیان غیرمنقول:

الف) از نظر صلاحیت، ارزش خواسته مطابق قیمت منطقه‌ای املاک در هر منطقه خواهد بود.  
ب) از نظر صلاحیت، ارزش خواسته همان است که خواهان در دادخواست خود تعیین می‌کند.  
ج) از نظر هزینه دادرسی و صلاحیت، ارزش خواسته باید مطابق قیمت منطقه‌ای محاسبه شود.  
د) از نظر هزینه دادرسی، ارزش خواسته همان است که خواهان در دادخواست خود تعیین کرده است.  
گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق شق ج از بند ۱۲ ماده ۳ قانون وصول درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳؛

#### مبحث بیست و هشتم: موارد مرتبط با قانون دیوان عدالت اداری

(آزمون ۱۳۸۲)

#### ۲۴۷- رسیدگی به شکایت از شهرداری در مورد خودداری از صدور پروانه ساختمانی در صلاحیت:

الف) دادگاه محل وقوع ملک است.  
ب) دادگاه محل اقامت خواهان است.  
ج) دیوان عدالت اداری است.  
د) در صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده است.  
گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق بند ۱ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲/۰۳/۲۵؛

ماده ۱۰ مقرر می‌دارد: «صلاحیت و حدود اختیارات دیوان به قرار زیر است:

۱- رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از:

الف- تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و شهرداری‌ها و سازمان تأمین اجتماعی و تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آنها،

ب- تصمیمات و اقدامات مأموران واحدهای مذکور در بند «الف» در امور راجع به وظایف آنها...»

رای وحدت رویه شماره ۵۵۶ مورخ ۱۳۷۰/۲/۱۰: «صلاحیت دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی در ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری مصوب بهمن‌ماه ۱۳۶۰ تصریح شده و از آن جمله شکایت از شهرداری‌ها بشرح قسمت اخیر بند (پ) از شق یک ماده مرقوم به جهت تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی است که موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود. بنابراین رسیدگی به شکایت مردم از شهرداری‌ها در مورد خودداری از صدور پروانه ساختمان در صلاحیت

دیوان عدالت اداری می‌باشد و رأی شعبه نهم دادگاه صلح سابق اصفهان صحیح و منطبق با موازین قانونی است. این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.»  
(آزمون ۱۳۸۷-مرکز) ۲۴۸- در دعای مطروحه در دیوان عدالت اداری:

الف) امکان طرح دعوی ورود و جلب ثالث نیست.

ب) دعوی ورود و جلب ثالث قابل طرح است و تشریفات آن تابع مقررات آیین دادرسی مدنی است.

ج) دعوی ورود و جلب ثالث قابل طرح است و تشریفات آن تابع آیین دادرسی دیوان عدالت اداری است.

د) فقط دعوی ورود ثالث براساس آیین دادرسی دیوان عدالت اداری قابل طرح است اما دعوی جلب ثالث قابل طرح نیست.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق مواد ۵۴ و ۵۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲/۰۳/۲۵؛

ماده ۵۴ مقرر می‌دارد: «هرگاه شاکی، جلب شخص حقیقی یا حقوقی دیگری غیر از طرف شکایت را به دادرسی لازم بداند، می‌تواند ضمن دادخواست تقدیمی یا دادخواست جداگانه، حداکثر ظرف سی‌روز پس از ثبت دادخواست اصلی، تقاضای خود را تسلیم کند. همچنین در صورتی که طرف شکایت، جلب شخص حقیقی یا حقوقی دیگری به دادرسی را ضروری بداند، می‌تواند ضمن پاسخ کتبی، دادخواست خود را تقدیم نماید. در این صورت، شعبه دیوان تصویری از دادخواست، لوائح و مستندات طرفین را برای شخص ثالث ارسال می‌کند.»

ماده ۵۵ مقرر می‌دارد: «هرگاه شخص ثالثی در موضوع پرونده مطروحه در شعبه دیوان، برای خود حقی قائل باشد یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذی‌نفع بداند، می‌تواند با تقدیم دادخواست، وارد دعوی شود. در صورتی که دادخواست مذکور قبل از صدور رأی واصل شود، شعبه پس از ارسال دادخواست، برای طرفین دعوی و وصول پاسخ آنان با ملاحظه پاسخ هر سه طرف، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.»

۲۴۹- پس از ثبت دادخواست ناقص در دیوان عدالت اداری چنانچه بعد از ارسال اخطاریه رفع نقص دادخواست تکمیل نگردد:

(آزمون ۱۳۸۷-مرکز)

الف) دفتر قرار رد دادخواست صادر نموده و این قرار قطعی است.

ب) دفتر قرار رد دادخواست صادر نموده و این قرار ظرف ۲۰ روز قابل اعتراض در همان دادگاه است.

ج) دفتر قرار رد دادخواست صادر نموده و این قرار ظرف ۱۰ روز قابل اعتراض در همان دادگاه است.

د) دفتر قرار رد دادخواست صادر نموده و این قرار قطعی است.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۲۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲/۰۳/۲۵؛

ماده ۲۸ مقرر می‌دارد: «در صورتی که هر یک از موارد مذکور در بندهای (ب) تا (ث) و (ج) ماده (۱۸) این قانون در دادخواست رعایت نشده باشد و یا دادخواست از جهت شرایط مقرر در مواد (۱۹) الی (۲۳) این قانون نقص داشته باشد، مدیر دفتر شعبه ظرف دو روز نقایص دادخواست را طی اخطاریه‌ای به طور مستقیم یا از طریق دفاتر مستقر در مراکز استان‌ها به شاکی اعلام می‌کند. شاکی، ده روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه، فرصت رفع نقص دارد و چنانچه در مهلت مذکور اقدام به رفع نقص ننماید، دادخواست به موجب قرار مدیر دفتر یا جانشین او، رد می‌گردد. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض در همان شعبه دیوان است. رسیدگی به اعتراض نسبت به رد دادخواست، توسط رییس یا دادرس علی‌البدل شعبه انجام می‌شود و پس از صدور دستور توسط قاضی مزبور، مراتب توسط مدیر دفتر شعبه به معترض ابلاغ می‌گردد. این تصمیم قطعی است، ولی رد دادخواست، مانع طرح مجدد شکایت نیست.»

مبحث بیست و نهم: موارد مرتبط با قوانین متفرقه

۲۵۰- چنانچه وکیلی دعوا را بطور مصلحتی یا در ظاهر به نام دیگری و در باطن برای خود انتقال بگیرد، به مجازات انتظامی درجه .... محکوم می‌شود.

(آزمون ۱۳۸۳)

الف) ۳ (توبیخ با درج در روزنامه رسمی و مجله قانون)

ب) ۴ (تنزل درجه)

ج) ۵ (ممنوعیت از وکالت از سه ماه تا سه سال)

د) ۶ (محروریت دائم از شغل وکالت)

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۸۱ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری و بند ۱ آن و بند ۵ ماده ۷۶ همان آیین‌نامه؛

ماده ۸۱ مقرر می‌دارد: «هرگاه وکیل محکوم به مجازات انتظامی شود و بعد از قطعیت حکم مرتکب همان تخلف و یا نظیر تخلف مورد حکم شود به یک درجه بالاتر از حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد و در صورت تکرار همان تخلف و نظیر آن مجازات به ترتیب مقرر تشدید خواهد شد.

تبصره - استرداد شکایت یا استعفاء از شغل وکالت مانع از تعقیب و رسیدگی انتظامی نیست لیکن استرداد شکایت می‌تواند موجب تخفیف مجازات شود.

ماده ۷۶ مقرر می‌دارد: «اعمال ذیل مستوجب مجازات انتظامی درجه سه یا چهار خواهد بود:

... ۵- اعطای وکالت به غیر بدون داشتن حق توکیل و انتقال قرارداد بدون رضایت موکل یا پس از خاتمه قرارداد.»

۲۵۱- ایراد امر قضاوت شده در صورتی پذیرفته می‌شود که علاوه بر وحدت اصحاب و موضوع دعوی قبلی و فعلی، سبب دو دعوا:

(آزمون ۱۳۸۳)

الف) یا دلیل آنها واحد و حکم قطعی صادر شده باشد.

ب) یا دلیل آنها واحد و قرار قطعی صادر شده باشد.

ج) نیز واحد و دلایل آنها نیز واحد و حکم قطعی صادر شده باشد.

د) نیز واحد و حکم قطعی صادر شده باشد، حتی اگر دلیل جدید ارائه شود.

گزینه «د» صحیح می‌باشد.

۶۸ رجوع کنید به دکتر عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، صفحه ۴۸۶، شماره ۸۲۸.

(آزمون ۱۳۸۶)

۲۵۲- در صورتی که یکی از طرفین دعوی دو نفر وکیل داشته باشند:

الف) هر یک از دو نفر وکیل مکلف به ابطال تمبر کامل مالیاتی هستند.

ب) با ابطال تمبر کامل مالیاتی از ناحیه هر یک تکلیف از دیگری ساقط می‌شود.

ج) هر یک از دو نفر وکیل مجاز در اقدام انفرادی مکلف به ابطال تمبر مالیاتی خود هستند.

د) برای هر دو نفر وکیل بدون دارا بودن اختیار اقدام فردی یک فقره تمبر کامل مالیاتی کافی است.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۰۳ قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحی ۱۳۸۰؛

ماده ۱۰۳ مقرر می‌دارد: «وکلا دادگستری و کسانی که در محاکم اختصاصی وکالت می‌کنند مکلف‌اند در وکالت‌نامه‌های خود رقم حق-الوکاله‌ها را قید نمایند و معادل پنج درصد آن بابت علی‌الحساب مالیاتی روی وکالت‌نامه تمبر الصاق و ابطال نمایند که در هر حال مبلغ تمبر حسب مورد نباید کمتر از میزان مقرر در زیر باشد: الف- در دعاوی و اموری که خواسته آن‌ها مالی است پنج درصد حق‌الوکاله مقرر در تعرفه برای هر مرحله. ب- در مواردی که موضوع وکالت مالی نباشد یا تعیین بهای خواسته قانوناً لازم نیست و همچنین در دعاوی کیفری که تعیین حق‌الوکاله به نظر دادگاه است پنج درصد حداقل حق‌الوکاله مقرر در آیین‌نامه حق‌الوکاله برای هر مرحله. ج- در دعاوی کیفری نسبت به مورد ادعای خصوصی که مالی باشد بر طبق مواد حکم بند الف) این ماده. د- در مورد دعاوی و اختلافات مالی که در مراجع اختصاصی غیرقضایی رسیدگی و حل و فصل می‌شود و برای حق‌الوکاله آنها تعرفه خاصی مقرر نشده است از قبیل اختلافات مالیاتی و عوارض توسعه معابر شهرداری و نظایر آنها میزان حق‌الوکاله صرفاً از لحاظ مالیاتی به شرح زیر:

تا ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال مابه‌الاختلاف پنج درصد، تا سی میلیون (۳۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال مابه‌الاختلاف چهار درصد نسبت به مازاد ده میلیون

(۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال، از سی میلیون (۳۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال مابه‌الاختلاف به بالا سه درصد نسبت به مازاد سی میلیون (۳۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال منظور

می‌شود و معادل پنج درصد آن تمبر باطل خواهد شد. مفاد این بند درباره اشخاصی که وکالتاً در مراجع مذکور در این بند اقدام می‌نمایند (ولو اینکه وکیل دادگستری نباشند) نیز جاری است، جز در مورد کارمندان مؤدی یا پدر، مادر، برادر، خواهر، پسر یا دختر نواده و همسر مؤدی. تبصره ۱- در هر مورد که طبق مفاد این ماده عمل نشده باشد وکالت وکیل با رعایت مقررات قانون آیین‌نامه دادرسی مدنی در هیچ یک از دادگاه‌ها و مراجع مزبور قابل قبول نخواهد بود مگر در مورد وکالت‌های مرجوعه از طرف وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها که محتاج به ابطال تمبر روی وکالتنامه نمی‌باشند.

تبصره ۲- وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها مکلفند از وجوهی که بابت حق الوکاله به وکلا پرداخت می‌کنند پنج درصد آن را کسر و بابت علی‌الحساب مالیاتی وکیل ظرف ده روز به اداره امور مالیاتی محل پرداخت نمایند.

تبصره ۳- در صورتی که پس از ابطال تمبر تعقیب دعوی به وکیل دیگری واگذار شود وکیل جدید مکلف به ابطال تمبر روی وکالتنامه مربوط نخواهد بود.

تبصره ۴- در مواردی که دادگاه‌ها حق الوکاله یا خسارت حق الوکاله را بیشتر یا کمتر از مبلغی که مأخذ ابطال تمبر روی وکالتنامه قرار گرفته است تعیین نمایند مدیران دفتر دادگاه‌ها مکلفند میزان مورد حکم قطعی را به اداره امور مالیاتی مربوط اطلاع دهند تا ما به التفاوت مورد محاسبه قرار گیرد.»

#### ۲۵۳- آرای صادر شده از شوراهای حل اختلاف:

(آزمون ۱۳۸۶)

الف) در کلیه موارد قابل تجدیدنظر در دادگاه عمومی هستند.

ب) در همه موارد چنانچه اعضای شورا با تجدیدنظر موافق باشند در دادگاه عمومی قابل تجدیدنظر است.

ج) در بعضی از موارد چنانچه اعضای شورا با تجدیدنظرخواهی موافق باشند در دادگاه تجدیدنظر قابل تجدیدنظر هستند.

د) در هیچ موردی قابل تجدیدنظر نیستند.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد. مطابق بند ۱ ماده ۱۸ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۷۹؛

ماده ۱۸ مقرر می‌دارد: «... ۱- رأی شورا ظرف بیست‌روز از تاریخ ابلاغ به طرفین قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه عمومی حوزه مربوطه است؛ مشروط بر اینکه اکثریت اعضای شورا با رسیدگی به اعتراض و تجدیدنظرخواهی موافق بوده و لزوم تجدیدنظرخواهی را درخواست نمایند. در صورت تجدیدنظر رأی دادگاه قطعی است.»

(آزمون ۱۳۸۶)

#### ۲۵۴- حکم نهایی در کدام یک از عبارات‌های ذیل تعریف شده است؟

الف) حکمی به صورت قطعی از دادگاه بدوی صادر شده باشد.

ب) حکمی که از مرجع تجدیدنظر به صورت قطعی صادر شده باشد.

ج) حکمی به جهت عدم تجدیدنظرخواهی قطعیت یافته است.

د) حکمی که به واسطه طی مراحل قانونی و یا به واسطه انقضای مدت اعتراض، تجدیدنظرخواهی و فرجام‌خواهی، دعوی که حکم در آن موضوع صادر شده از دعوی مختومه محسوب شود.

گزینه «د» صحیح می‌باشد، مطابق تبصره ماده ۲۲ قانون ثبت اسناد و املاک؛

ماده ۲۲ مقرر می‌دارد: «همین که ملکی مطابق قانون در دفتر املاک به ثبت رسید دولت فقط کسی را که ملک به اسم او ثبت شده و یا کسی را که ملک مزبور به او منتقل گردیده و این انتقال نیز در دفتر املاک به ثبت رسیده یا اینکه ملک مزبور از مالک رسمی ارثاً به او رسیده باشد مالک خواهد شناخت. در مورد ارث هم ملک وقتی در دفتر املاک به اسم وراثت ثبت می‌شود که وراثت و انحصار آنها محرز و در سهم‌الارث بین آنها توافق بوده و یا در صورت اختلاف حکم نهایی در آن باب صادر شده باشد.»

تبصره- حکم نهایی عبارت از حکمی است که به واسطه طی مراحل قانونی و یا به واسطه انقضای مدت اعتراض و استیناف و تمیز دعوایی که حکم در آن موضوع صادر شده از دعاوی مختومه محسوب شود.»

۲۵۵- درخواست تأمین دلایل و امارات در صلاحیت ..... (آزمون ۱۳۹۲)

الف) دادگاه است، در هر حال.

ب) شورای حل اختلاف است حتی اگر در محل، دادگاه عمومی وجود داشته باشد.

ج) شورای حل اختلاف است اگر در محل، دادگاه عمومی وجود نداشته باشد.

د) دادگاه است البته اگر ارزش موضوع بیش از پنجاه میلیون ریال باشد.

گزینه «ب» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۹ قانون شوراهای حل اختلاف؛

۲۵۶- با توجه به قانون جدید شوراهای حل اختلاف، چنانچه محکوم‌علیه، محکوم‌به را تحویل یا پرداخت نکند و اموالی نیز از وی به دست نیاید:

(آزمون ۱۳۸۷- مرکز)

الف) محکوم‌علیه را نمی‌توان بازداشت کرد.

ب) با درخواست محکوم‌علیه و به تشخیص قاضی شورا می‌توان محکوم‌علیه را بازداشت کرد.

ج) از طریق اجرای احکام دادگستری و با استناد به قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی می‌توان محکوم‌علیه را بازداشت کرد.

د) با درخواست محکوم‌علیه و تأیید اعضای شورا و موافقت قاضی شورا می‌توان محکوم‌علیه را بازداشت کرد.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۳۴ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷؛

ماده ۳۴ مقرر می‌دارد: «چنانچه محکوم‌علیه، محکوم‌به را پرداخت نکند و اموالی از وی به دست نیاید با تقاضای ذی‌نفع و دستور قاضی مراتب جهت اعمال قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی به اجرای احکام دادگستری اعلام می‌شود.

(آزمون ۱۳۸۹)

۲۵۷- کدام بیان صحیح است؟

الف) تنظیم قرارداد با دولت حتی به صورت موردی ممنوع است.

ب) وکیل می‌تواند ضمن اشتغال به وکالت، در استخدام دولت نیز باشد.

ج) وکیل نمی‌تواند در استخدام دولت باشد ولی می‌تواند با دولت، قرارداد مشاوره حقوقی داشته باشد.

د) وکیل نمی‌تواند حتی به عنوان مشاور حقوقی از دولت حقوق دریافت کند اما می‌تواند قرارداد وکالت موردی با دولت تنظیم کند.

گزینه «ج» صحیح می‌باشد، مطابق ماده ۱۰ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳؛

ماده ۱۰ مقرر می‌دارد: «به اشخاص زیر اجازه وکالت داده نمی‌شود:

۱- اتباع خارجه،  
دو هفته نامه تخصصی اطلاع‌رسانی حقوق و قانون ایران

۲- قضات و مستخدمین دولتی و بلدی و مملکتی و بنگاه‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت است در حین اشتغال به خدمت به استثنای استادان دانشکده حقوق که اشتغال به تدریس در یکی از شعب حقوقی دارند در صورت اجازه شورای دانشگاه.

۳- محجورین و همچنین کسانی که سن آنها کمتر از ۲۵ سال باشد.

۴- محکومین به انفصال ابد از خدمات دولتی.

۵- اشخاص مشهور به فساد اخلاق و تجاهر به استعمال مسکر، افیون و اعمال منافی عفت.

۶- محکومین به جنایت مطلقاً و محکومین به جنحه‌هایی که منافی با امانت و عفت و شوون وکالت است به تشخیص هیأت مدیره کانون و یا آنکه به موجب قانون مستلزم محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی است.

۷- کسانی که به اتهام و ارتکاب جنایت یا جنحه‌های مذکور در ماده فوق تحت محاکمه هستند.

۸- اشخاصی که طبق حکم محکمه از وکالت محروم شده‌اند.»